



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

ریاست پوهنتونهای خصوصی

# انذار در قرآن کریم

رساله ماستری

محصل: مهرالله (احدی)

استاد راهنما: استاد محمد نعیم (جلیلی)

سال: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۱ هـ ق



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
برنامه ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
ریاست پوهنتون های خصوصی

# انذار در قرآن کریم

(رساله ماستری)

محصل: مهراښه (احدی)  
استاد رهنما: استاد محمد نعیم (جلیلی)

سال تحصیلی: ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۱ هـ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
بَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ  
تَلْحُمٍ فَانظُرْ إِلَى  
إِنشَاءِ الْإِنسَانِ  
إِنَّهُ عَزِيزٌ ذُو  
ذِكْرِ

پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورد ماستری

## تصدیق نامه

محترم مهر الله ولد گل آقا ID Sh-mst-97-477 (از دور چهارم تفسیر و حدیث) از پایان نامه

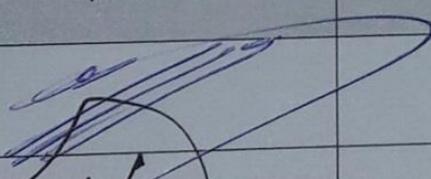
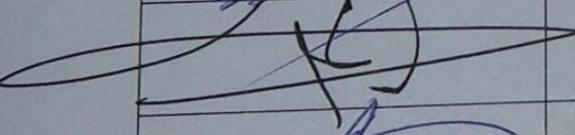
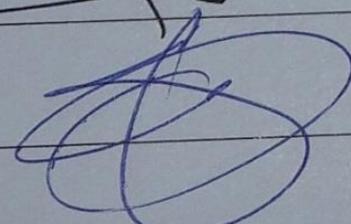
ماستری خویش زیر عنوان: انذار در قرآن کریم.

به روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۹ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و از نظر

هیأت ژوری مستحق 80 (نمره به عدد) هستاد (نمره به حروف) گردید، موفقیت

شان را از الله متعال خواهانیم.

امضاء اعضای هیأت ژوری:

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور محمد عارف عطای	عضو هیأت	
۲	دکتور عبد الباری حمیدی	عضو هیأت	
۳	استاد محمد نعیم جلیلی	رهنما و رئیس جلسه دفاعیه	

..... معاون علمی

..... امر بورد ماستری

## اهداء

این رساله را به..

\* مجاهدین راه حق، شهدای صدر اسلام، رهروان راستین، راد مردان مبارزه که در برابر هر نوع ستم، استثمار و استعمار جان های شیرین شان را فدا کردند.  
\* دعوت گران راستین و صادق که انذار و تبشیر دادن را در عصر ماضی و حاضر وظیفه خود دانسته اند.

\* ائمه مذاهب، مفسرین، محدثین، استادان عالی قدر و طلاب علم قرآن و حدیث.  
\* علمای و حفاظ قرآن که رسانیدن علم قرآن و حدیث را وجیبه خود دانسته و به آن مشغول اند.

\* والدین گرامی و مامای عزیزم و همه اعضای فامیل ام.  
\* آنانی که در همه عرصه های مختلف از اسلام دفاع نموده و غلبه اسلام را هدف و غایه مبارزات خویش قرار داده اند تقدیم می دارم.

مهرالله (أحدی)

## سپاسگزاری

حمد و ثنای بی حد آن ذاتی را است که عنایت فرمود تا بنده ضعیف و ناتوان موضوعی را تحت عنوان **(انذار در قرآن کریم)** برشته تحریر در آورده و حتی امکان موضوع را تحت تحقیق و بررسی خویش قرار دهم.

دروود بی عدد بر روان سردار انبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم که زمینه ساز برای امت اش گردیده تا علم آموخته و از انذارهای الهی عبرت و پند گرفته و به واسطه آن خود را از شقاوت و بدبختی نجات بخشند.

تشکر از والدین و مامای عزیزم که برای آموزش علم خصوصاً علوم شرعی مشوق ام بوده و حمایت ام کرده اند، از الله متعال تمنا دارم که آنچه درین رساله از بیم در روشنائی قرآن بیان گردیده از فضیلت و اجرش ایشان را بی بهره نگرداند. همچنان از همه آساتید گرامی ام که در مراحل مختلف از ایشان آموخته ام جهان سپاس و تشکری می نمایم.

از اداره محترم پوهنتون سلام خصوصاً بخش ماستری که زمینه ساز برای نایل شدن بنده به این درجه تحصیلی گردیده اند نیز اظهار سپاس و امتنان می نمایم. به ویژه از جناب محترم استاد محمد نعیم (جلیلی) که شخصیت علمی، حلیم، بردبار، دلسوز این کشور محسوب شده و از زبان و قلم خویش در راستای تربیت فرزندان این سرزمین استفاده نموده و نیز از هیچ نوع خدمات در این عرصه دریغ ننموده اند، بنده را در راستای ترتیب و تحقیق این رساله با حوصله مندی کامل یاری نموده اند، از بارگاه ایزد منان برای شان طول عمر، موفقیت های مزید، و جنات النعیم را خواهانم.

**(وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ)**

## خلاصه بحث

همانگونه که از نام این پایان نامه معلوم است، این اثر پیرامون انذار از دیدگاه قرآن کریم می باشد، بناء رساله هذا حاوی عناوین متعدد بوده است من جمله از قبیل، تعریف انذار در قرآن کریم، موارد استعمال کلمه انذار با اصطلاحات متفاوت در قرآن عظیم الشان، هم چنان بحث پیرامون مسائل متعلق به انذار در قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه وسلم و سایر موضوعاتی است .

همانگونه که نوع تحقیق، مطالعه قرآنی، تفسیر موضوعی می باشد، و روش های را که برای نگارش این پایان نامه مورد استفاده قرار داده ام عبارت از روش کتاب خانه ای است که با استناد از کتب تفاسیر، احادیث صحیح، کتب متنوعه، و رساله های علمی استفاده صورت گرفته است.

همانگونه که یکی از وظایف پیامبران انذار بیم رسانی و بشارت دهی بود، در چندین جای از قرآن عظیم الشان این موضوع و رسالت پیامبران پیرامون این موضوع نیز اشاره شده است که خود بیانگر اهمیت این موضوع از دیدگاه قرآن عظیم الشان میکند.

فلهذا بنده خود را نا توان یافتم و از أهل علم و معرفت می خواهم تا در موجودیت اشتباه و خطاء مورد عفو و بخشش قرارم داده از بارگاه ایزد منان برای خود و تمامی شایقین علم و معرفت جنت برین الهی را استدعا می دارم.

## فهرست مطالب

عناوین	.....	صفحه
اهداء	.....	ب
سپاسگزاری	.....	ج
خلاصه بحث	.....	د
فهرست موضوعات	.....	ه
مقدمه	.....	۵
اهمیت موضوع	.....	۶
اسباب اختیار موضوع	.....	۷
سوالات اصلی تحقیق	.....	۸
پیشینه تحقیق	.....	۸
روش تحقیق	.....	۹
اهداف تحقیق	.....	۱۰
مشکلات تحقیق	.....	۱۰
پلان تحقیق	.....	۱۱

### تمهید

مفهوم و معانی انذار در قرآن کریم	.....	۱۲
مطلب اول: تعریف انذار در لغت	.....	۱۲
مطلب دوم: تعریف انذار در اصطلاح	.....	۱۳
مطلب سوم: معانی انذار در قرآن کریم	.....	۱۴
اول: انذار بمعنی تحذیر و بیم دادن:	.....	۱۵
دوم: به معنای خبر:	.....	۱۶
سوم: به معنای رسولان:	.....	۱۷
چهارم: به معنای نذر:	.....	۱۷
پنجم: به معنای الشعیب	.....	۱۸

## فصل اول

### انواع، طرق و فوائد انذار در قرآن کریم

۱۹	مبحث اول: انواع انذار
۲۰	مطلب اول: انذار عام
۲۲	مطلب دوم: انذار خاص
۳۳	مبحث دوم: طرق انذار
۳۳	مطلب اول: انذار به ذلت و خواری در دنیا:
۳۶	مطلب دوم: انذار به ذلت و خواری در عالم برزخ:
۳۹	مطلب سوم: انذار به ذلت و خواری در روز آخرت:
۴۳	مبحث سوم: حکمت و فواید انذار در قرآن کریم
۴۳	مطلب اول: تا تبلیغ پیامبر به همه برسد
۴۶	مطلب دوم: انذار به امی هدایت و رهیابی:
۴۷	مطلب سوم: انذار به افراد فریخته:
۴۹	مطلب چهارم: انذار به شرک جویی:
۵۱	مطلب پنجم: انذار به تخویف:
۵۱	مطلب ششم: انذار به تهدید:
۵۲	مطلب پنجم: انذار به وعید:
۵۲	مطلب پنجم: انذار به خاطر اتمام حجت:

## فصل دوم

### انذار دهندگان و گستره انذار

۵۸	مبحث اول: انذار دهندگان در قرآن کریم
۶۰	مطلب اول: الله جل جلاله:
۶۱	مطلب دوم: انبیاء علیهم الصلوٰة والسلام:
۶۶	مطلب سوم: قرآن کرم:
۶۸	مطلب چهارم: مومنین از انس و جن:
۷۱	مبحث دوم: گستره انذار
۷۲	مطلب اول: همه امتها:
۷۳	مطلب دوم: همه جنیبات:
۷۵	مطلب سوم: انذار به خدا ترسان:

- مطلب چهارم: انذار به افراد بی خبر ..... ۸۲
- مبحث سوم: جایگاه و نقش اصلاح گران اجتماعی در رساندن انذار ..... ۸۵
- مطلب اول: نقش اصلاحات در جامعه با استفاده از انذار ..... ۸۵
- مطلب دوم: روش های مؤثر دعوت در اصلاح سازی جامعه: ..... ۹۰

### فصل سوم

#### اسباب عدم قبول انذار و واکنش انذار شده گان

- مبحث اول: اسباب عدم قبول انذار ..... ۹۳
- مطلب اول: اسباب درونی ..... ۹۴
- مطلب دوم: اسباب بیرونی ..... ۱۰۶
- مبحث دوم: واکنش های انذار شده گان ..... ۱۰۸
- مطلب اول: کافر شدن در برابر انذار ..... ۱۰۹
- مطلب دوم: اظهار تعجب در برابر انذار پیامبر صلی الله علیه و سلم ..... ۱۱۰
- مطلب سوم: استهزاء و تمسخر در برابر انذار ..... ۱۱۱
- مطلب چهارم: تکبر در برابر انذار: ..... ۱۱۳
- مطلب پنجم: تکذیب به انذار ..... ۱۱۴
- مطلب ششم: اعراض، و اصرار در کفر ..... ۱۱۵

### فصل چهارم

#### پیامد های انذار

- مبحث اول: پیامدهای دنیوی انذار ..... ۱۱۶
- مطلب اول: تهدید الله متعال به عذاب در دنیا ..... ۱۱۷
- مطلب دوم: هلاکت در دنیا: ..... ۱۱۸
- مبحث دوم: پیامدهای اخروی: ..... ۱۲۱
- مطلب اول: عذاب روز آخرت ..... ۱۲۲
- مطلب دوم: سختی روز حسرت ..... ۱۲۲
- نتیجه گیری ..... ۱۲۳
- پیشنهادات ..... ۱۲۴
- فهرست آیات قرآنی ..... ۱۲۶
- فهرست احادیث نبوی ..... ۱۳۲
- فهرست مراجع و مصادر ..... ۱۳۴
- Conclusion ..... ۱۳۸

## مقدمه

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَمَّا بَعْدُ:

پیامبران: طی ماموریت الهی خود، از ابزارهای گوناگونی مثل انذار و غیره برای برانگیختن مردم به سوی بعضی از کارها و اجتناب دادن آنان از برخی دیگر، بهره برده اند. شماری از آیات قرآن کریم انذار و تبشیر راچنان پر اهمیت تلقی نموده اند که گاهی به عنوان اصل مقام نبوت تلقی می شوند.

خداوند متعال میفرماید: (أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جَنَّةٍ إِنِ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ) (۱۸۴) آیا فکر نکردند که همنشین آنها [پیامبر] هیچگونه (اثری از) جنون ندارد؟! (پس چگونه چنین نسبت ناروایی به او می دهند) او فقط بیم دهنده آشکاری است (که مردم را متوجه وظایفشان می سازد).

حضرت محمدصلی الله علیه وسلم هنگامی ماموریت اجتماعی (آشکار) خویش را آغاز نمود که طی پیام ویژه ای از ایشان خواسته شده بود خویشاوندان نزدیکش را بیم دهد. (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (۱) و خویشاوندان نزدیکت را انذار بده. زمانیکه این آیه نازل شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم دعوت را علناً (ابتدا از اقوام خویش) آغاز کرد. همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر روی تپهای بالا رفت و فریاد زد: ای مردم، گفتند: این صدای کیست؟ آری! آن صدای پیامبر صلی الله علیه وسلم بود که میفرمود: ای قریش! ای بنی فلان! ای قوم عبدمناف! ای قوم عبدالمطلب! همه جمع شدند. فرمود: اگر به شما بگویم پشت این تپه دشمنی در کمین شما است باور میکنید؟ گفتند: ما هرگز از تو دروغی نشنیده ایم. سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: من خیرخواه شما هستم از آتش و عذاب الیم خداوند بترسید و او را عبادت کنید.

همه پیامبران علیهم الصلاة والسلام: ماموریت خود را به عنوان بیم دهنده و نوید دهنده آغاز کرده اند. که الله متعال در مورد میفرماید: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اختلفوا فيه وما اختلف فيه إلا الذين أوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغيا بينهم

فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱)

مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. بتدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند؛) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آنهایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خداوند هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند.

امروزه یکی از موضوعات مهم برای مربیان مدارس، مبلغین و دعوتگران، و مدیران محیط‌های کاری، این است که دریابند چگونه از تنبیه کردند انسانهای کج رفتار استفاده کنند هدف من از این تحقیق، استخراج نظر قرآن در این باره است. پیامبران در سطح گسترده ای درگیر هدایت و کنترل رفتار انسان ها بوده اند. آن ها با استفاده از بشارت و انذار، مردم را ترغیب می کرده اند تا اعمالشان را مهار کنند. سؤال این است که چگونه این کار را انجام می داده اند و ما ان شیوع را اختیار کنیم و از ان استفاده نمایم تا انذار مان مثر واقع شود.

### اهمیت موضوع:

انذار یکی از موضوعات مهم و اساسی بوده که تحقیق و بحث پیرامون آن باید به شکل همه جانبه صورت گیرد، زیرا نظر به ضرورت مبرم و اساسی که در جامعه ای ما وجود دارد تقاضای تحقیق همه جانبه را می نماید.

۱- اینکه مردم به حدود الله جل جلاله اهانت می نمایند بخاطر این است که از عذاب الهی بیم و ترس ندارند، بناءً لازم است تا منهج و روش قرآن پیرامون انذار توضیح گردد تا دعوت گران از آن استفاده نمایند.

۲- انذار دادن از نافرمانی الله متعال وظیفه مهم است و قتیکه این امر مهم است یک گروه باید به خاطر انذار الهی وظیفه بگیرند تا مردم را از انذار الهی آگاهی

دهند در مورد الله متعالی میفرماید: (وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)<sup>(۱)</sup> مؤمنان رانسزد که همگی بیرون بروند ( و برای فراگرفتن معارف اسلامی عازم مراکز علمی اسلامی بشوند) باید که از هر قوم و قبیله‌ای، عده‌ای بروند (و در تحصیل علوم دینی تلاش کنند) تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند ، و هنگامی که به سوی قوم و قبیله خود برگشتند ( به تعلیم مردمان بپردازند و ارشادشان کنند و ) آنان را ( از مخالفت فرمان پروردگار) بترسانند تا( خویشتن را از عقاب و عذاب خدا برحذر دارند و از بطالت و ضلالت) خودداری کنند .

۳- از ادم علیه الصلاة والسلام شروع تا آخرین پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم یکی از اهداف مهم ایشان انذار بوده است روی این منظور انذار در قرآن کریم هم یک موضوع مهم بوده بناءً من هم به خاطر اینکه توانسته باشم این موضوع را در روشنائی قرآن کریم بیان کنم موضوع انذار را انتخاب نمودم.

۴- قرآن کریم بیم دادن را یک موضوع با اهمیت و نیکو می داند و می فرماید:

(وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ)<sup>(۲)</sup>

و این قرآن به من وحی شده است تا شما و تمام کسانی را که این قرآن بدانها می‌رسد بدان بیم دهم.

۵- موضوع هذا به زبان دری ترتیب گردیده که هر شخص میتواند آن را مطالعه نموده و از آن استفاده نماید.

۶- خلاصه تحقیق موضوع انذار در قرآن کریم یکی از تحقیقات مهمی بوده که باید به آن توجه صورت گیرد و روش و منهج انذار در روشنائی قرآن کریم باید توضیح گردد تا دعوتگران از آن استفاده نمایند.

### اسباب اختیار موضوع:

اسباب که مرا به گردآوری این موضوع و ادار ساخته است قرار ذیل میباشد:

- ۱- حصول رضای پروردگار تا اینکه از این تحقیق دیگران مستفید شوند.
- ۲- طبق مقررات وزارت تحصیلات عالی افغانستان و پوهنتون سلام هر محصل باید یک تحقیق داشته باشد و در اخیر فراغت باید به رشته تحریر بیاورد من هم به نوبه

۱- (التوبه-۱۲۲)

۲- (الأنعام آية ۱۹)

خود این لایحه را مسئولیت خود دانسته موضوع پیرامون انذار در قرآنکریم را انتخاب نمودم.

۳- تقدیم یک رساله به زبان ملی برای آنانیکه شایق به معلومات در مورد انذار در قرآنکریم هستند.

۴- منظور از اختیار تحقیق این موضوع این است که طریقه و روش انذار قرآنی درست فهمیده شود و از آن شیوه استفاده اعظمی صورت گیرد.

### **سوالات اصلی تحقیق:**

بدون تردید صحبت پیرامون انذار صدها چرا و چگونه را با خود دارد بدین منظور به برخی از آنها به طور فشرده می پردازیم:

سوال کلیدی: چرا مردم ما از انذارهای الهی پند نمیگیرند و روی به منکرات آورده اند.  
سوال فرعی:

۱- آیا برای ایشان درست انذار الهی نرسیده است.

۲- انبیاء علیه الصلاة والسلام از چه گونه اسلوب انذار استفاده کردند در دعوت اقوام شان.

۳- چه دلایل و فوائد و احکام و ابستگی دارد به انذار در قرآن کریم.

۴- چگونه نظر اندازی نمود در قرآن کریم به موضوع انذار از جوانب و از زاوی نئی متعدد.

۵- چه اهتمام قرآن کریم است به جانب خصوص انذار در عهد مکی.

### **پیشینه تحقیق:**

در حوزه تعلیم و تربیه و پیام رسانی دینی موضوع انذار در قرآن کریم کتاب ها، پایان نامه ها و مقالاتی به رشته تحریر درآمده که بیشتر به روش های عام پرداخته اند و در ضمن به یک یا چند روش خاص در قرآن تاکید کرده اند اما به طور خاص به جزئیات یک روش خاص پرداخته نشده است ولی به مطالبی پراکنده در ارتباط با انذار صورت گرفته است و تا کنون تحقیقی مستقلی که به زبان ملی افغانستان نمی باشند و به زبان های عربی و غیره می باشند با این حال به برخی از تحقیق های صورت گرفته که نسبتاً سهم خوبی در این موضوع دارند اشاره می شود:

۱- الإنذار الإلهی فی القرآن من خلال آیاته: نوشته شده توسط دکتور مثنی الزیدی، در تاریخ ۱۴۲۹ در یک جلد چاپ شده است که این کتاب به شکل عمده روی

اهداف انذار، ارزش انذار در زمانه های مختلف، حکمت انذار، و غیره مسایل به زبان عربی بحث نموده است.

۲- جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران: مقاله است که نوشته شده توسط عباس علی شامی که انذار و تبشیر برای فرضیه بینش از طریق خبر رسانی از بیم و پاداش اعمال پرداخته شده است و عموم و جزئیات را در نظر نگرفته است.

۳- الإنذار والتذکیر بالقران: نوشته شده توسط محمود بن احمد الدوسری در تاریخ ۱۴۲۰هـ چاپ شده است، این کتاب هم به زبان عربی بوده است.

۴- البشارة والإنذار فی دعوة الرسول ص كما وصفها القرآن الکریم: نوشته شده توسط دکتور محمد جمعه الحلوسی. در یک جلد، تاریخ چاپ ۱۴۳۲هـ محل چاپ انقره است که این کتاب به شکل عمده جوانب مختلف انذار در دعوت رسول را به بررسی گرفته است که به زبان عربی میباشد.

با در نظر داشت این موضوع که کتاب های چاپ شده و رساله های نوشته شده است انها به زبان های ملی افغانستان نبوده و بحث های جزئی هم نداشته و اکثریت مردم مان از ان استفاده اعظمی کرده نمیتوانند روی این لحاظ من تصمیم گرفتم تا دست به نوآوری و تغییر شیوه نگارش در موضوع انذار در قرآن کریم شده و این موضوع را به عنوان رساله ماستری خویش به زبان دری بنویسم امید مورد علاقه خواننده قرار بگیرد.

## روش تحقیق:

نوع تحقیق، تفسیر موضوعی میباشد و روش های را که برای انجام این پایان نامه مورد استفاده قرار داده ام عبارت از روش کتاب خانه ای است که با استناد از کتب تفاسیر، احادیث صحیح، کتب متنوعه علمی، انترنت و غیره میباشد.

روش نگارش این پایان نامه بشکل فشرده قرار ذیل است.

۱- ذکر آیات قرآنی، باشیوه نگارش خطوط قرآنی است.

۲- ترجمه آیات را از تفسیر نور، از دوکتور مصطفی خرم دل (۱) استفاده نموده ام.

۳- تفسیر آیات را از تفاسیر مختلف نظر به نیازمندی موضوع اخذ نموده ام.

---

۱- دوکتور مصطفی خرم دل متولد ۱۳۱۵هـ، ش از ده بکر مه آباد، تهران بوده، نویسنده و مترجم قرآن به تحقیق گرا اسلام شناس و مفسر اهل سنت ایران است که تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در شهر خود گذرانیده، ولسانس خود را در رشته زبان و ادبیات عرب از دانشگاه تهران دریافت نموده، و مدرک فوق لسانس و دوکتورای خویش را در رشته فرهنگ عربی و علوم قرآنی نیز از آن دانشگاه دریافت کرده، و مشغول تالیف و ترجمه گردیده و مترجم تفسیر نور و تفسیری ظلال القرآن می باشد (تفسیر نور: ۱/ص ۱).

- ۴- ذکر احادیث، از کتب معتبر حدیثی بویژه (بخاری و مسلم) و دیگر کتب احادیث.
- ۵- شیوه ترتیب این پایان نامه از فصل ها، مباحث، و مطالب، صورت گرفته است.
- ۶- نسبت آیات به سوره مربوطه با ذکر سوره و شماره آیت در پاورقی.
- ۷- معیار های نوشتاری را مانند قوسها، شارحه، کامه، نقطه، فاصله، تا حدی امکان مراعات نموده ام.
- ۸- در مورد مآخذ و مراجع باید یادآور شد اینکه تمام آن را در پاورقی هر صفحه قسمی نوشته کرده ام که در اول مؤلف بعدا کتاب به تعقیب آن شماره جلد و صفحه بعدا اسم محقق آن و مرکز نشر و پخش هم نوشته ام اگر از همان مآخذ دوباره مکررا استفاده شده باشد بار دوم و تکرار اصرف نام کتاب و جلد و صفحه آنرا نوشته ام مصادر و مراجع را در اخیر نوشته ام.

### **اهداف تحقیق:**

- ۱- کسب خوشنودی و رضا مندی الله متعال در نگارش این اثر.
- ۲- تقدیم یک اثر علمی و تحقیقی به مکتبه اسلامی.
- ۳- هدف تحقیق انذار در قرآن کریم بالا بردن سطح علمی، و مطالعه ای خود و همچنان ارائه به سایر دوستان و علم پروران می باشد.
- ۴- تقدیم یک کتاب مُدّ درسی در بخش تفسیر و علوم آن برای محصلان و مدارس دینی.
- ۵- توضیح آیات انذار در قرآن کریم بیان شده است.
- ۶- هدف اساسی این تحقیق چگونگی روش، انواع و اهداف انذار در قرآن کریم می باشد.
- ۷- آشنائی با فوائد انذار از منظر قرآن کریم در جامعه.
- ۸- همچنان چون دوره تحصیل ماستری خود را به پایان رسانده ام و طبق مقررات اکادمیک مکلف به ترتیب و تحریر تیزس تحت یک موضوع مهم و مشخص می باشم اینک انذار در قرآن کریم را به تحریر می دارم.

### **مشکلات تحقیق:**

هر تحقیق می تواند از جهاتی محدودیت و موانع داشته باشد که این تحقیق هم محدودیت های دارد که عبارت اند از:

۱- نبود تحقیق در مورد انذار بناءً ضرورت است که تحقیق در مورد انذار در قرآن کریم صورت گیرد تا مردم آگاهی پیدا کنند.

۲- کمبود منابع در مورد انذار در کتابخانه های کشور به زبان ملی کشور.

۳- عدم آگاهی تعدادی مردم مان در این جامعه از انذار الاهی .

۴- نبود یک مرکز تحقیقی که با امکانات و محققین عالی و کتاب خانه درست عیار باشد تا محقق بتواند منابع وافر در دست داشته واز آن در تحقیق خویش استفاده نماید.

### **پلان تحقیق:**

این پایان نامه بطور فشرده می توان گفت که مشتمل است به: یک مقدمه، که عبارت از فهرست مطالب، مقدمه، اهمیت موضوع، اسباب اختیار موضوع، سوال های اصلی تحقیق، پیشینه تحقیق، روش تحقیق، اهداف تحقیق، مشکلات تحقیق، وپلان تحقیق بوده و هم چنان یک تمهید که عبارت از تعریف انذار، و معانی انذار در قرآن کریم، و نیز دارای چهار فصل است، که فصل اول: داری سه مبحث بوده که مبحث اول: انواع انذار، مبحث دوم: طرق انذار مبحث سوم: حکمت و فواید انذار، فصل دوم: داری سه مبحث بوده که مبحث اول آن: انذار دهنده گان در قرآن کریم مبحث دوم: خاص شده گان به انذار ویا گستره انذار مبحث سوم: جایگاه و نقش اصلاح گران اجتماعی در رساندن انذار. فصل سوم: دارای دو مبحث بوده که مبحث اول: اسباب عدم قبول انذار. مبحث دوم: واکنش انذار شده گان. و فصل چهارم: دارای دو مبحث بوده که مبحث اول: پیامدهای دنیوی انذار مبحث دوم: پیامدهای اخروی انذار. و در اخیر، نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست آیات قرآنی، فهرست احادیث، فهرست مراجع، ذکر گردیده است. قابل تذکر است که سعی و کوشش صورت گرفته تا به موضوع هذا به شکل درست آن رسیدگی صورت گرفته و حق تشریح اساسی آن حتی الامکان اداء گردد تا مبدا که خوانندگان عزیز و استفاده کنندگان سود بیشتری از آن ببرند، بلکه با مطالعه آن در روشنی کامل قرار گرفته و جامعه را از بدبختی های گوناگون رهایی بخشند.

در نتیجه تمامی این سعی و تلاش چیزهای مفید و درستی خدمت خوانندگان ارجمند تقدیم شده، که در اثر مطالعه آن از مزایای موضوع فوق مستفید شوند.

## تمهید

### مفهوم و معانی انذار در قرآن کریم

ماکه می‌خواهیم از انذار در قرآن کریم بحث کنیم اول باید مفهوم انذار را بدانیم بناء این تمهید را گذاشتیم تا انذار مفهومی با استفاده از کتاب های لغت و دیگر منابع بدانیم.

#### مطلب اول: تعریف انذار در لغت:

واژه انذار مصدر است، از باب افعال، از باب (أَنْذَرَ يُنْذِرُ) گرفته شده است و از ماده (نَ ذَرَ) به معنای بیم دادن، ترسانیدن از عواقب گناهان و اعمال زشت، یا ساختن به امری، از آن پرهیز و خود را برای آن آماده ساختن است.<sup>(۱)</sup>

ابن فارسی می‌گوید<sup>(۱)</sup>: النون والذال والراء کلمه است که دلالت میکند تخویف یا خوف منه الانذار: الابلاغ است و ابلاغ نمیباشد مگر در تخویف.

راغب اصفهانی<sup>(۲)</sup> در کتاب المفردات فی غریب القرآن در مورد انذار گفته است: انذار: خبری است که ترس و بیم در آن باشد، چنانکه تبشیر اخباریست که در آن سرور و شادی نهفته باشد، همانگونه که الله متعال در این مورد میفرماید: ﴿فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى﴾<sup>(۳)</sup> ترجمه: من شما را از آتش هولناکی بیم می‌دهم که شعله ور می‌شود و زبانه می‌کشد. (نذیر) هم همان منذر یا بیم دهنده است که بر هر چیزی که: بیم دادن یا انذار در آن باشد، واقع می‌شود خواه انسان یا غیر از انسان باشد.<sup>۴</sup> در این مورد نیز الله متعال میفرماید: ﴿إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾<sup>(۵)</sup> ترجمه: همانا من برای شما بیم دهنده ای آشکار هستم. یعنی الله متعال شما را بیم می‌دهد از آنکه غیرش را به پرستش بگیری، و یا مخالف اوامر الله کاری را بکنید.<sup>(۶)</sup>

شمار زیادی از آیات قرآن انذار و تبشیر را به عنوان دو عامل عمده برای ارشاد پیامبران دانسته است.

<sup>۱</sup> - (معجم مقایس اللغة)

<sup>۲</sup> . راغب الاصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد ، بن المفضل، معروف به راغب از جمله ادیبان حکما و اهل اصفهان بود، در بغداد سکونت گزید، و در آنجا شهرت حاصل نمود، وی کتب متنوعه دارد از جمله کتاب هایش، المفردات فی غریب القرآن می باشد، (زرکلی، الاعلام ج ۲ ص ۲۵۵).

<sup>۲</sup> - (اللیل- ۱۴)

<sup>۴</sup> . راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ناشر دار القلم، الدار الشامیة - دمشق بیروت، سال نشر ۱۴۱۲ هـ. ، ج ۱ ص ۷۴۲

<sup>۳</sup> - (الذاریات- ۵۰)

<sup>۶</sup> . قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، دار الكتب المصرية - القاهرة سال نشر ۱۹۶۴ م ج ۹، ص ۳

## مطلب دوم: تعریف انذار در اصطلاح:

با آنکه برخی از علماء در مورد معنای اصطلاحی انذار اختلاف دیدگاه دارند اما در کل میتوان به دو تعریف از آن تعریف‌ها اشاره نمود و آنهم آنکه: المناوی (۱) در مورد معنای اصطلاحی انذار گفته است:

(الانذار: الاعلام بما يحذر لانه لولم يكن يُحذر لا يصلح ان يكون فيه تخويف والانذار لا يكون الا في التخويف او مما فيه تخويف). انذار: هشدار به امری ترسناک و قابل اجتناب است. زیرا اگر آن امر ترسناک و قابل هشدار نباشد، صلاحیت تخويف را ندارد. پس انذار از چیزی صورت می‌گیرد که صلاحیت ترساندن و یا آنچه با آن ایجاد ترس رامی‌کند داشته باشد. الانذار: اما الابلاغ او الاخبار او الاعلام مع التخويف.

ابوالبقاء (۲) و الدامغانی (۳) انذار را چنین تعریف نموده اند: (ابلاغ المخوف منه والتهديد والتخويف وذكر الوعيد مع الانذار واجب لا مع التهديد، لان التهديد: يكون نهياً عن فعل معين دون ذكر العقاب المترتب على مخالفة ذلك الامر). ترجمه: هشدار و آگاهی از چیزی خوفناک و تهدید و ترساندن است از آن ذکر و عید و مجازات همراه با انذار واجب است. نه همراهی تهدید زیرا تهدید: منع کردن از عمل معین است بدون ذکر مجازات که مرتب بالای آن امر شده است.

در واقع انذار نوعی تهدید به امری است، در حالی که تبشیر شیوه تربیتی به طور همزمان به انذار مزین است. آنچه در قرآن مورد تاکید قرار گرفته، این است که مردم از عواقب رفتارشان نسبت به بیم و نوید (انذار و تبشیر) پیامبران: یکسان نبوده است. این هدف است که مردم را تنها نسبت به حتمیت وقوع پاداش و عذاب الهی مطمئن سازد. انذار و تبشیر نبوی مبتنی بر میزان درست و دقیقی است که بر مبنای آن راه درست را همگان پیش رو گرفته و از کج روی‌های زمانه بهر اسند.

۱- محمد عبدالرؤف بن تاج العارفین ابن زین العابدین الحدادی سپس مناوی قاهری زین الدین: (متولد: ۹۵۲ هـ - متوفی: ۱۰۳۱ هـ) شارح الجامع الصغیر بوده است.

۲- ایوب بن موسی الحسینی القریمی الکفوی، ابوالبقاء: صاحب الکلیات: در سال ۱۶۸۳ م. وفات نموده و در قبرستان خالد دفن شده، و دارای کتب‌های به زبان ترکی بوده است. سیر اعلام النبلاء: ج ۴۳ ص ۱۲۶.

۳- حسین بن محمد بن ابراهیم، ابوعبدالله الدامغانی: فقیه حنفی، نسبتش به دامغانی است کتاب دارد (الوجه والنظائر) در آن ذکر کرده است این مطلب را، که باب باب است به حروف معجم متوفی: ۴۷۸ هجری است، سیر اعلام النبلاء: ج ۳۵ ص ۴۶۰.

## مطلب سوم: معانی انذار در قرآن کریم:

تحقیق درباره این واژه در قرآن، می تواند به دو بخش مهم تقسیم شود: در بخش اول، مواردی را مشاهده می کنیم که در آن ها انذار و تبشیر دقیقا با به کارگیری همین الفاظ انجام پذیرفته است. بخش دوم بر انذار و تبشیر بدون کاربرد واژگانی آن دلالت دارد. گاهی می بینیم که قرآن این واژه را به کار نمی برد، اما مستقیما مؤمنان را بیم یا نوید می دهد. آیاتی مانند اعراف: ۹۶ تا ۱۰۰؛ مریم: ۳۷؛ ملک: ۱۷ و یوسف: ۱۰۷ مثال هایی از این قبیل است. در آیه ۶۵ سوره انفال، حالتی از تبشیر را می یابیم که مشتمل بر ترغیب جدی برای جهاد است. بناء در قرآن کریم لفظ انذار و مشتقات آن بیش از ۱۲۰ بار به شکل صریح به کار رفته است.

گفتنی است که: افزون بر موارد کاربرد لفظ صریح انذار در قرآن کریم، مترادفات آن نیز در آیات از قرآن کریم فراوان بکار رفته است، که معنای انذار از آن فهمیده میشود.

در آن آیات که انذار بکار رفته است علاوه از انذار، دلالت های بزرگ و لطایف متعددی هم، ذکر شده است از جمله این دلالت ها و لطایف: هشدار از عذاب، دشواری های مرگ، عالم برزخ، جهان آخرت، حسابرسی، جهنم و عذاب الهی به صورت اعلام، اخبار، تهدید، وعید و تحذیر یاد شده است.<sup>(۱)</sup>

با بررسی کاربردهای قرآنی از واژه های انذار می توانیم به یک درک جدید از ابعاد تعلیم و تربیتی این واژگان دست یابیم. ابتدا باید بدانیم که این شیوه های ساده ای برای آگاه ساختن مردم از عواقب عمل ناشایسته است و نه - فی حد نفسه - اعمال زشت. پس انذار بهترین نیروی معنوی است که مانع انجام عمل نامشروع در جامعه شده و ما را از پیامد اعمال ناشایسته آگاه می سازد. پس انذار که به معنای بیم دادن است، حسین بن محمد الدامغانی در کتاب خویش (الوجوه والنظائر) پنج مصداق آنرا در قرآن کریم قرار ذیل ذکر نموده است<sup>(۲)</sup> و آن هم قرار ذیل است:

<sup>۱</sup>- (قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن فارسی، تهران، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ هـ.ش: ج ۱ ص ۲۱۸۸).

<sup>۲</sup>- (الدامغانی، حسین بن محمد بن ابراهیم، ابو عبدالله: الوجوه والنظائر، بیروت، الناشر: دارالفکر، الطبعة الثانیة، ۱۴۲۱ هـ: ج ۲- ص ۵۴۳).

## ۱. انذار بمعنای تحذیر و بیم دادن:

واژه شناسان و همچنین عالمان تفسیر، واژه "انذار" را به عنوان بیم دادن و آنچه مردم را در مورد عواقب سوء رفتارشان آگاه می سازد، استفاده نموده اند پس انذر بمعنی بیم داد، همانگونه که الله متعال میفرماید: **{أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ}** (۱) یعنی بیم ده و تحذیر کن مردم را. مراد کفار اهل مکه است به عذاب. در تفسیر آیه ۱۱۹ سوره بقره، زمخشری توضیح می دهد که پیامبران: فقط وظیفه دارند مردم را از سرانجام و عاقبتشان آگاه سازند. بنابراین، پیامبر نمی تواند مردم را در ایمان به خدا مجبور بسازد، تنها به انسانها راه نادرست را نشان می دهند.

و در دیگر جای آمده است: **{إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ}** (۲) همانا کسانی که کفر ورزیده اند برایشان یکسان است، چه آنها را بترسانی و چه آنها را بیم ندهی، ایمان نمی آورند.

بیش از آنکه به واژگان انذار و معانی آنها و نوع ارتباطات نحوی بین هر کدام از آنها پرداخته شود، بهتر است بر روی ویژگیهای متکلم و مخاطب، شرایط گفتگو و بافت واژه های با یکدیگر بر آن تأکید شود. پیرامون انذار باید گفت که منذر اصلی در قرآن خداوند متعال است و پیامبران به عنوان رسول و فرستاده خداوند و فقیهان نیز با تفقه در دین به عنوان جانشینان پس از ایشان در راستای انذار الهی و در طول انذار خداوند ایفای نقش می کنند. زیرا مبدأ اصلی انذار، ذات اقدس الهی است و انذار بالاصاله به او منتسب است **{إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبْرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ}** (۳) ما قرآن را در شب پر خیر و برکتی فرو فرستاده ایم. آن شب شب قدر است که الله متعال همه قرآن را از لوح محفوظ به اسمان دنیا فرو فرستاد سپس به شکل تدریجی به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نازل شد. (۴)

ما همواره بیم دهنده ( کافران و مشرکان و ظالمان ، با ارسال پیغمبران به سویشان ) بوده ایم ( و کتابها برایشان فرو فرستاده ایم . این قرآن هم آخرین حلقه از این سلسله است ). بخاطر آنکه هدف دیگر انذار، بیدار ساختن مردمان از خواب غفلت، ایجاد زمینه عبرت آموزی و متذکر ساختن افراد به حقایق فراموش شده است: **{لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ**

۱- (یونس-۲)

۲- (البقره-۶)

۳- (دخان - ۴)

۴- ( طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الاملی، أبو جعفر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ناشر مؤسسة الرسالة، سال نشر ۲۰۰۰ م ج ۲۲، ص ۸)

**يَنْذِرُونَ**{(۱) تا قومی را ( با آنها ) بیم دهی که پیش از تو بیم دهنده ای ( از پیغمبران خدا ) به سوی ایشان نیامده است ، شاید مایه عبرت و بیداری آنان گردد. یعنی قوم عرب بخاطر آنکه بعد از حضرت اسماعیل علیه السلام به آنان فرستاده شده ای از قوم عرب فرستاده نشده است، همانگونه که رسالت اسماعیل علیه السلام از برای اعراب حقیقی بود.

زیرا هدف اساسی دیگر از انذار آن است که مردم حجّتی بر خداوند نداشته باشند، بلکه حجّت خداوند، بر آنان به وسیله فرستادن فرستاده شده ها تمام گردد.

## ۲- به معنای خبر:

کاربرد معنای انذار در قرآن کریم به معنای خبری نیز می آید طوریکه الله متعال میفرماید: **{ هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى }** (۲) ترجمه: این خبری از اخبار امت های گذشته است. درکنار ذکر عذاب دنیوی، نگاهی به محلهای نقش زمین شدن و هلاک گردیدن گذشتگان تکذیب کننده حقائق انداخته می شود و از نحوه نابودیشان سخن می رود.

انذار به معنای خبری در آیه دیگری نیز آمده است همانگونه که الله متعال میفرماید: **{ وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ }** (۳) و مؤمنان را نسزد که همه (برای جنگ با دشمنان) بیرون بروند، پس چرا از هر قوم و قبیله ای از آنان گروهی بیرون نمی روند تا (کسانی که بیرون نرفتند) در دین آگاهی پیدا کنند و قومشان را (مجاهدین) با اندوخته ی خود خبر دهند تا (با امثال اوامر خدا و اجتناب از نواهی اش از عذاب او) دوری کنند.

یعنی در واقع وقت آن فرا رسیده بود که تلاشها و کوششها تقسیم شود میان جهاد و آبادانی زمین و بازرگانی و سائر کارهائی که زندگانی ملت نوحاسته بر آنها استوار و پابرجا می گردد. همانند بیم دهی و ارشاد دیگران به حق همه سهیم باشند.

## ۳- به معنای رسولان :

معنای دیگر نذر به معنای فرستاده شدگان است طوریکه الله متعال میفرماید: **{ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِدَّا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ أَلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن**

<sup>۱</sup>- ( القصص - ۲۸ )

<sup>۲</sup>- (النجم- ۵۶)

<sup>۳</sup>- (التوبة- ۱۲۲)

بَيْنَنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشْرٌ<sup>(۱)</sup> طایفه ثمود (نیز) انذارهای الهی را تکذیب کردند، و گفتند: «آیا ما از بشری از جنس خود پیروی کنیم؟ اگر چنین کنیم در گمراهی و جنون خواهیم بود! آیا از میان ما تنها بر او وحی نازل شده؟ نه، او آدم بسیار دروغگوی هوسبازی است! ثمودیان پیامبرشان را تکذیب کردن، مراد از (النُّذُر) رسول است در این آیه. قوم ثمود نیز بیم دادنها و برحذر داشتنها ( پیغمبر خود صالح ) را تکذیب کردند و دروغش نامیدند.<sup>(۲)</sup>

#### ۴- به معنای نذر:

معنای دیگر انذار بر خود قبولاندن چیزی است که به خوشی خود به آن پابند میشوند، یعنی لازم گردانیدن بالای نفس یک چیزی را الله متعال میفرماید: **{وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ}**<sup>(۳)</sup> و باید وفا کنند بر آنچه واجب گردانیده اند بر نفسهای شان (آنچه که انسان بر نفس خویش از بیم و ترس لازم گردانیده است)<sup>(۴)</sup>

یعنی هر آن عملی که در حج به خود لازم میدارند.<sup>(۵)</sup>

و همچنان انذار به لفظ تبشیر هم تتویحاً بر کفار آمده است<sup>(۶)</sup>

در مورد الله متعال میفرماید: **{فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ}**<sup>(۷)</sup> پس بشارت بده آنها را بر عذاب دردناک. یعنی پیامد سرکشی از انذار چنین است که باید عذاب سخت را چشید.

و در مورد منافقین نیز آیه های قرآنی صراحت دارد همانگونه که خداوند می فرماید: **{بَشِيرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا}**<sup>(۸)</sup> منافقان را مژده بده که قطعاً عذابی دردناک دارند. در این آیات بشارت کنایه از بیم و ترس است.

**۵- به معنای الشیب:** در برخی موارد انذار به معنای شیب می آید، همانگونه که خداوند متعال می فرماید: **{وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ}**<sup>(۹)</sup> و آیا بیم دهنده ( الهی ، اعم از پیغمبران و علماء ادیان ، برای ابلاغ آئین آسمانی ) به پیش شما نیامد ؟. ابن عباس رضی الله عنه گفته است که هدف از شیب

۱- (القمر-۲۳-۲۴)

۲- ( بغوی، أبو محمد حسین بن مسعود، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تفسیر البغوی، سال نشر: ۱۳۳۰ ق، ج ۴، ص ۳۲۴)

۳- (الحج-۲۹)

۴- (الوجه والنظائر: ج ۲ ص ۵۴۳).

۵- (زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشری جار الله، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل ناشر، دار الکتاب العربی - بیروت، سال نشر: ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ص ۱۵۳)

۶- ( شوکنی، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی، فتح القدر، ناشر، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب - دمشق، بیروت سال نشر: ۱۴۱۴ م، ج ۱ ص ۶۰۶)

۷- (آل عمران-۲۱)

۸- (النساء-۱۳۸)

۹- (فاطر-۳۷)

موسفیدی است، زیرا موی سفید علامه بزرگسالی و گذشت از مرحله جوانی است. (۱) راغب اصفهانی گفته است: الشَّيب والمَشْيَب: سپیدی موی. (۲) پروردگار در این آیه به عمر و سن به آنان حجت آورده است. (۳)

---

۱. (قرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۷ ص ۲۷۶)  
۲. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ج ۲ ص ۳۶۱)  
۳. (عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر، مولف ت: ۳۷۳ در دمشق: تفسیر ابن کثیر ج ۶، ص ۵۵۵)

## فصل اول

### انواع، طرق و فوائد انذار در قرآن کریم

هدف نهایی هشدار، آن است که هرکس در این هستی مخالف امر و فرمان خدا باشد، او را از نظر دور ندارد و نادیده نپندارد و او را از سرانجام بد و زیان بار بترساند؛ تا بیم، هراس و لرزه بر قلب و اندامش اثر گذارد. بدین منظور است که دعوت پیامبران همیشه همپای بشارت و بیم دادن بوده است، و از آنجا که ارتباط بین دعوت بسوی خدا و تبشیر و انذار بسیار استوار است قرآن در چندین آیه وظیفه ی رسولان را به بشارت و بیم دادن منحصر کرده است<sup>۱</sup> و می فرماید: {وَمَا نُزِّلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا} (۲) ( وظیفه پیغمبران تنها مژده دادن و بیم دادن است ) و ما پیغمبران را جز به عنوان مژده رسان و بیم رسان نمی فرستیم . همواره کافران بیهوده به جدال می پردازند تا با جدال حق را ( از میدان به در کنند و آن را ) از میان ببرند آنان آیات (قرآنی) مرا و چیزی را که از آن بیم داده شده اند (که مکافات دنیوی و اخروی است ، به باد ) استهزاء می گیرند، بناء در این فصل به انواع و فوائد انذار می پردازم.

### مبحث اول

#### انواع انذار:

انذار رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای تمام جن و انس می باشد، همانگونه که خداوند فرماید: {وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ} (۳) ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده ایم تا مژده رسان ( مؤمنان به سعادت ابدی ) و بیم دهنده باشی ، ولیکن اکثر مردم ( از این معنی ) بی خبرند.

بیم دهی تنها به کسانی سود می بخشد که آنان از پروردگار خویش بهراسند و دنیای آخرت را حاضر دیده و بخاطر بهبودی آن سخت از دل و جان بکوشند، نماز را ادا نموده و منهیات بپرهیزند(۴) خداوند نیز میفرماید: {إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ

۱. (قرطبی، ج ۲ ص ۹۱ قبلا بیان شده)

۲. (کهف ۵۶)

۳. (سبا ۲۹)

۴. شوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمینی ، فتح القدیر، ناشر ، دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب -دمشق، بیروت سال نشر : ۱۴۱۴م ج ۴ ص ۳۹۶

وَأَجْرٍ كَرِيمٍ<sup>(۱)</sup> تو تنها کسی را می ترسانی ( و با بیم دادنت بدو سود می رسانی ) که از قرآن پیروی کند ، و پنهانی از ( خداوند ) مهربان هراس داشته باشد . چنین کسی را به گذشت و پاداش ارزشمندی مژده بده . ذکر به معنای قرآن است، یعنی آنانکه از قرآن پیروی نمایند.<sup>(۲)</sup> به تائید آنچه بالاتر ذکر یافته است ناگفته نباید گذاشت که لازمی است که از انواع انذار در این مبحث تحت چند مطلب بیان اشاره نمود.

### مطلب اول: انذار عام:

گفتنی است که افزون بر موارد کاربرد انذار بخشهای فراوانی از قرآن بدون به‌کارگیری این واژه عملاً به انذار پرداخته است، زیرا در آنها از عذاب، دشواری مرگ، عالم برزخ، جهان آخرت، حسابرسی، جهنم و عذاب الهی به صورت اعلام، اخبار، تهدید، وعید و تحذیر یاد شده است. از آیه های قرآنی بر می آید که انذار از دیدگاه قرآنی انواع و اقسام دارد که به برخی از آنان می پردازیم:

۱. **انذار عام:** هدف کلی از انذار عام همانا بیدار ساختن مردمان از خواب غفلت، ایجاد زمینه عبرت آموزی و متذکر ساختن افراد به حقایق فراموش شده است مثل:

( تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا )<sup>(۳)</sup> بابرکت است آن ذاتیکه که فرقان ( یعنی جدا سازنده حق از باطل ) را بر بنده خود ( محمد صلی الله علیه وسلم ) نازل کرده است ، تا این که جهانیان را ( بدان ) بیم دهد ( و آن را به گوش ایشان برساند ).

هدف از تنزیل قرآن این است تا برای جهانیان بیم دهنده باشد مراد از بیم دادن انسانها وجنایات است چون پیغمبر صلی الله علیه وسلم بسوی انسانها و جن فرستاده شده اند نه بسوی ملائکه، لفظ ( لِلْعَالَمِينَ ) بیانگر جهانی بودن قرآن و جهانی بودن رسالت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وسلم است. به این اساس ، قرآن و اسلام به منطقه و نژاد و قوم معینی مخصوص نیست بلکه قرآن برای صلاح تمام بشریت نازل شده است تا همه را از بندگی بندگان و از بندگی نفس و شیطان به سوی بندگی الله متعال فراخواند.

در آغازین وحی پروردگار به پیامبرش چنین ارشاد میفرماید: **{ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنذِرْ }**<sup>(۱)</sup> ای جامه بر سر کشیده (در بستر خواب آرمیده برخیز و) مردمان را از عذاب

۱. (یونس ۱۱)

۲- (ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی: مولف: أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۴، ص ۲۶۴)

۳- (الفرقان-۱)

الله ( بترسان! در این آیه الله متعال پیغمبرش را نخست به مژده دادن دستور نداده، بلکه به انذار دستور داد، چرا که زمان نزول این سوره، از مراحل نخستین دعوت و تبلیغ مردم بود، و کار مناسب در چنین حالت، انذار است، تا مردم از ضلالت و گمراهی خود بازگردند.

مسلم است که مُنْذِر در این مقام پیغمبر صلی الله علیه وسلم است، اما از سه چیزی دیگری نام برده نشده است، ولی آن سه چیز دیگری، هر کدام در آیات متعددی با تفصیل بیان شده است:

**الف: (مُنْذِر):** عموم امت محمد صلی الله علیه وسلم اند، لهذا می بینیم که گاهی کفار را (منذر) قرار داده است، چنانکه الله جل جلاله می فرماید: **{فَأَنَّمَا يَسْرُنَاهُ لِبِئْسَانِكَ تَلْبِشَرُ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرُ بِهِ قَوْمًا لُدًّا}** (۲) حقا که ما قرآن را به زبان تو آسان گردانیدیم تا به وسیله آن پرهیز گاران را مژده دهی، و دشمنان سرسخت و لجوج را بیم دهی.

گاهی قبیله خود پیغمبر صلی الله علیه وسلم را (منذر) قرار داده است، چنانچه در سوره شعرا میخوانیم: **{وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ}** (۳) خویشاوندان نزدیک خود را بترسان. یعنی اهل و خانواده خویش را بترسان. (۴)

وگاهی مومنان مورد انذار قرار گرفته اند، چرا که تنها مومنان اند که از انذار بهره می گیرند، چنانچه در جای دیگری الله متعال میفرماید فرموده: **{إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ}** (۵) توتنها کسی را بیم میدهی که از قرآن پیروی میکند، و از الله مهربان غائبانه می ترسد، یعنی همین گونه انسانها، از انذار بهره مند میشوند.

گاهی عموم بشریت مورد انذار قرار داده شده اند، طوریکه الله متعال میفرماید: **{وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا}** (۶) قرآن را

۱- (المدثر-۱-۲)

۲- (مریم-۹۷)

۳- (الشعراء-۲۱۴)

۴- ( واحدی، تفسیر الوجیز، ج ۱ ص ۷۹۸)

۵- (یس-۱۱)

۶- (الانعام-۹۲)

برای آن نازل کردیم تا باشندگان مکه و همه کسانی را که در اطراف آن زندگی دارند، بترسانی. همچنین در سوره یس آیه (۶) در سوره سجده آیه (۳) انذار عام مراد است.

**ب: (منذرمنه):** انذار از جانب الله به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به همه بشریت متوجه است، به ویژه کفار کسانی که از راه راست منحرف هستند.

**ج: (منذربه):** آیات و احادیث مشتمل بر وعید و عذاب است، چه عذاب دنیوی و چه عذاب اخروی، که مثالهای این هردو در قرآن کریم و احادیث نبوی به کثرت وجود دارد.

پس بحث انذار در این مورد (منذر، منذربه، و منذرمنه) خاطر اراده عموم است و حاصل معنی چنین می شود: برخیز، و عموم مردم را از عموم معاصی و از عموم عذاب الهی بترسان و به اخلاص عبادت دستور شان بده. (۱) تا آنکه هدف مطلوب بدین وسیله بدست آید.

### مطلب دوم: انذار خاص:

انذار خاص: اندازی است که مخصوص به یک گروه و جمعیت و محل خاص است که الله متعال پیامبرانش را به انذار آنها دستور داده است، در این مورد، الله متعال در باره مردمان خصومت گر میفرماید: **(فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ لِيُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا)** (۲). ما قرآن را به زبان تو (که عربی است) ساده و آسان فراهم آورده ایم، تا به وسیله آن، پرهیزگاران را (به رضا و نعمت خدای مهربان) مژده دهی، و مردمان سرسخت (دشمن حق و طرفدار باطل) را با آن (از ناخوشنودی و عذاب الله) بترسانی (مردم سرسخت خصومت گر در باطل یعنی اهل مکه). (۳)

انذار خاص برای کافران، به این معنا که عذاب و عقوبتی که قرآن به آن هشدار داده است، تنها کافران اند که به آن مواجه میشوند و این نوع انذار در قرآن کریم خاص برای کافران ذکر شده است نه از برای افراد مومن و گنهگار، چنانچه در آیه (۹۷) سوره مریم بیان شده است: **(فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِلِسَانِكَ لِيُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا**

۱- قبلا تذکر رفت.

۲- (مریم-۹۷) ترجمه در صفحه ۵ گذشته است. از هرابیان فی تفسیر کلام الرحمن، ج ۳، ص ۴۶۶.

۳- (جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، بن ابوبکر سیوطی: تفسیر الجلالین، ج ۱ ص ۴۰۵)

أُدَّاءُ} ( ۱ ) حقا که ما قرآن را به زبان تو آسان گردانیدیم تا به وسیله آن پرهیز گاران را مژده دهی، و دشمنان سرسخت و لجوج را بیم دهی. بدین منظور اشخاص و گروه های خاصی را که الله متعال، پیامبرش را به انذار دادن آنها دستور داده است و زیر عنوان بیم دهندگان ویژه یاد آوری شده که آنان قرار ذیل اند:

## ۱. افرادی که دل زنده دارند:

بیم دهی به افراد زنده دلان آنانکه قلبا بیدار و زنده اند همانگونه که خداوند می فرماید: **{لَيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ}** (۲) ( هدف از فروفرستادن قرآن این است که ) تا افرادی را که زنده اند بیم دهد (و بر کافران اتمام حجت شود) و فرمان عذاب بر آنان مسلم گردد. تعبیر قرآنی کفر را در مقابل حیات قرار می دهد. کفر را مرگ می انگارد، و آمادگی دل برای پذیرش ایمان را حیات می شمارد. (۳) بیان می دارد که وظیفه این قرآن که بر پیغمبر (ص) نازل گردیده است این است که کسانی را بیم دهد و بترساند که دارای حیات هستند. تا بیم دادن و ترساندن ایشان سود بدهد و مفید فائده باشد. ولی کافران مردگانند و لذا صدای بیم دهنده و ترساننده را نمی شنوند. وظیفه این قرآن در حق ایشان ثبت و ضبط استحقاق عذاب و عقاب است. چه خداکسی را عذاب و عقاب نمی دهد تا رسالت بدو نرسد و بعد از آن از روی دلیل کافر بشمار آید و بدون داشتن هرگونه حجت و برهانی هلاک گردد، و هیچ گونه عذر و بهانه ای در دست او نماند. بدین جهت مردمان باید بدانند که آنان در قبال قرآن دو دسته اند: گروهی فرمان قرآن را می شنوند و از آن اطاعت می کنند و اینان زنده به حساب می آیند. و گروهی فرمان قرآن را نادیده و ناشنیده می گیرند و از آن اطاعت نمی کنند و اینان مرده بشمار می روند. این دسته می دانند که فرمان خدا سزاوار ایشان است، و عذاب او درخور آنان است.

## ۲. به افراد که بیم دهنده به ایشان نیامده است:

قرآن کریم از همان آغاز بشر پیامبران را فرستاده تا انانیکه به آنان انذار نرسیده بود، آنان از فیض رسالت بهره مند گرداند و به راه راست هدایت یابند همانگونه که الله متعال می فرماید:

**{وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ}**

۱- (مریم - ۹۷)

۲- (یس - ۷۰)

۳- ( محمد بن عبدالرحمن سخاوی: مفاتیح الغیب، ج ۲۶، ص ۳۰۶ )

( ۱ ) تو در کنار کوه طور نبودی بدان گاه که ما (موسی را برای برگزیدن او به عنوان پیغمبر) ندا در دادیم (تا فرمانهای صادره الهی را بشنوی و هم اینک برای دیگران روایت نمائی). ولی (ما این اخبار را به تو می‌رسانیم) به خاطر مرحمتی که پروردگارت نسبت به تو دارد، تا قومی را (با آنها) بیم دهی که پیش از تو بیم دهنده‌ای (از پیغمبران خدا) به سوی ایشان نیامده است، شاید مایه عبرت و بیداری آنان گردد. جانب طور جایکه به حضرت موسی علیه السلام وحی نازل شده بود. (۲)

عربهایی که پیغمبر اسلام محمد صلی الله علیه وآله وسلم به سویشان روا نه گردیده است، پیش از او پیغمبری به سویشان فرستاده نشده است، و تاریخ بعد از اسماعیل علیه الصلوة والسلام که نیای نخستین عربها است تا روزگار محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیغمبری را ثبت و ضبط نکرده است. خداوند متعال این کتاب حق را برای پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم نازل کرده است تا آنان را بدان بیم بدهد. (۳)

خداوند جل جلاله قرآن را بر پیغمبرش صلی الله علیه وآله وسلم نازل کرد تا ایشان را بدان بیم بدهد، در اینجا قرآن صفت خدائی را بیان می‌دارد و سخن را بدان می‌آغازد که با آن صفت، کسی را تشخیص می‌دادند که سزاوار همچون وصف بزرگی است که "الله" یعنی خدا است، و کسانی را در پرتو آن می‌شناختند و فرق می‌نهادند که سزاوار همچون وصفی نبوده و درست نخواهد بود که ایشان را با مقام و منزلت الله که پروردگار جهانیان است مقرون و همردیف کرد. (۴)

### ۳- ام القری (اهل مکه)

از آنجا که مخاطبان مستقیم وحی اهل مکه بودند، الله متعال در چندین آیه دستور میدهد که اهل مکه و اطراف آن را انداز کنید، همان گونه که یکی از اهداف اصلی قرآن کریم را بیم دهبی به آنان میفرماید: **{وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا}** (۱)

۱- (القصص - ۴۶)

۲- (ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۶ ص ۲۴۱)

۳- (قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۷)

۴- (سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۲ ص ۱۵)

۵- (مکه ام القری - یعنی مادر شهرها و اصل آبادانها - نامیده شده است، بدان علت که مشتمل بر کعبه است. کعبه هم نخستین خانه ای است که برای مردمان ساخته شده است تا در آن یزدان را یگانه و بی انباز پرستش کنند، و محلّ گردهمائی ایشان، و پناهگاه و مأوای امن و امان انسانها و حتی همگی جانداران باشد. از آنجا دعوت همگانی ساکنان زمین سرچشمه گرفته است، و پیش از آن دعوت همگانی نبوده است. مؤمنان نیز با ندای این دعوت به حج و زیارت آن می‌روند تا به خانه ای سر بزینند که این دعوت از آنجا سرچشمه گرفته است و برجوشیده است. (سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۲ ص ۱۰۶)

این کتابی است که ما آن را نازل کردیم کتابی است پربرکت، که آنچه را پیش از آن آمده، تصدیق می‌کند (آن را فرستادیم تا مردم را به پادشاهای الهی، بشارت دهی،) و تا (اهل) ام القری (مکه) و کسانی را که گرد آن هستند، بترسانی. هدف از ام القری مکه و مراد از حولها: یعنی اعراب<sup>(۲)</sup> و یا آنکه هدف ماحولها: یعنی اطراف مکه مشرق و مغرب زمین همه را شامل است.<sup>(۳)</sup>

آیه بالا به آن اشاره می‌نماید که فلسفه نازل کردن این کتاب چیست؟ فلسفه نزول قرآن این است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم اهل مکه - یعنی ام القری - و پیرامون آن را با قرآن بترساند و برحذر گرداند.

### ۱. مردم اطراف مکه:

مقصود از **{وَمَنْ حَوْلَهَا}** و کسانی را که گرد آن هستند. در آیت ۹۱ سوره انعام می‌تواند مردم اطراف مکه از قبیل: حجاز و غیره می‌باشند.<sup>(۴)</sup> و یا آنکه هدف از اطراف مکه باشندگان همه روی زمین می‌باشد.<sup>(۵)</sup> وظیفه قرآن کریم بیم رسانی و مژده رسانی به همه اهل زمین است.<sup>(۶)</sup> به تاکید آیه قبلی پروردگار در جای دیگری نیز میفرماید: **{وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ}**<sup>(۷)</sup> این چنین (روشن و گویا) قرآن بزرگواری را که به زبان عربی است به تو وحی می‌کنیم تا اهل مکه و دور و بر آن را (از خشم خدا و عذاب دوزخ) بترسانی و (همه مردمان را) از روز گردهم آیی (قیامت) که شك و تردیدی در وقوع آن نیست بیم دهی. (در آن روز، مردمان دو گروه بیش نیستند) گروهی در بهشت بسر می‌برند و دسته‌ای در آتش دوزخ. روزیکه همه مخلوقات در آن روز گرد هم می‌آیند، یعنی روز قیامت<sup>(۸)</sup>

### ۲. اقرباء و عشیره:

۱- (الانعام-۹۱)

۲- (نسفی، مدارک التنزیل، ج ۳ ص ۲۴۶)

۳- (شوکانی، فتح القدر، ج ۲ ص ۱۶۱)

۴- (سعدی، شیخ عبدالرحمن بن ناصر - رحمه الله، متوفای ۱۳۷۶ هجری قمری [۱۳۳۴ هجری شمسی]، تفسیر راستین ترجمه ی تیسیر الکریم الرحمن، ترجمه: محمد گل گمشاد زهی، انتشارات: ستاره‌های معرفت، چاپ دوم. ج ۲ ص ۲۱۲.

۵- (صابونی، صفوه التفسیر ج ۱ ص ۳۷۵)

۶- (قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۷ ص ۳۸)

۷- (الشوری-۷)

۸- (بیضاوی، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج ۵ ص ۷۷)

طوری که الله متعال میفرماید: **{وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ}** <sup>(۱)</sup> (خویشاوندان نزدیک خود را (از شرک و مخالفت با فرمان پروردگار) بترسان (و آنان را به سوی توحید و دادگری فرا خوان.

نکته مهم دیگر این که: پیامبر صلی الله علیه وسلم رسالت خود را با بیم دادن به خویشاوندان نزدیکش آغاز نمود. بخاری و مسلم روایت کرده اند و گفته اند: وقتی که این آیه نازل گردید، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بالای کوه صفا رفت و فریاد برآورد: (یا صباحاه!). آهای (مردمان) بامدادان (تاخت و تاز است، بشنابید و خویشان را از دشمنان بیابید!). یکی خودش می آمد. دیگری کسی را می فرستاد تا ببیند چه خبر است. مردمان در خدمت او گرد آمدند. پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

(یا بنی عبد المطلب. یا بنی فهر. یا بنی لوی. رأیتم لو أخبرتکم أن خیلاً بسفح الجبل ترید أن تغیر علیکم صدقتمونی؟) ای فرزندان عبدالمطلب! ای فرزندان فهر! ای فرزندان لوی! آیا اگر به شما خبر دهم که لشکریانی در دامنه کوه هستند و می خواهند په شما حمله کنند، آیا مرا تصدیق می کنید و راستگو می دانید؟ گفتند: بلی فرمود: (فإنی نذیر لکم بین یدی عذاب شدید).<sup>۲</sup> (من بیم دهنده شما هستم. رویاروی من عذاب سختی قرار گرفته است) (آن اندازه نزدیک است که هر آن به انسان برسد.

شروع از نزدیکان چه بسا تاثیر رسالت پیامبر صلی الله علیه وسلم را تسهیل کرده باشد. هنگامی که مردم مشاهده کنند الگوشان پیامبر صلی الله علیه وسلم و خویشاوندان نزدیکش پیش از همه مورد انذار پروردگار هستند، آن ها نیز به راحتی به حقانیت پیامبر صلی الله علیه وسلم و رسالتش ایمان می آورند.

### ۳. لجازان و جدال پیشگان :

قرآن کریم مایه رحمت به متقیان و وسیله ازدیاد عذاب به دشمنان اسلام است، **{فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ بِلسَانِكَ لِيُنَبِّئَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا}** <sup>(۳)</sup> ترجمه: ما قرآن را به زبان تو (که عربی است) ساده و آسان فراهم آورده ایم، تا به وسیله آن، پرهیزگاران را (به رضا و نعمت خدای مهربان) مژده دهی، و مردمان سرسخت (دشمن حق و طرفدار باطل) را با آن (از ناخوشنودی و عذاب یزدان) بترسانی. لُدًّا: جمع لُدٍّ، دشمنان سرسختی که به باطل بر عداوت لجاجت دارند،

<sup>۱</sup> - (الشعراء - ۲۱۴)

<sup>۲</sup> - (صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۰)

<sup>۳</sup> - (مریم - ۹۷)

آنانکه به حق اعتنا ننموده و به باطل دل بستگی دارند، آنانکه در خصومت بسیار سخت هستند.<sup>(۱)</sup> این آیه با صحنه ای پایان می یابد که دل بسی به تفکر و تأمل آن می نشیند، و وجدان بسی از آن بر خود می لرزد، صحنه ای است که با لرزش ویرانگری تاخت خود را بر تو می آغازد، سپس با سکوت ژرفی تو را فرامی گیرد. و آنهم با مردمی هشدار میدهد که نیاز به بیم دارند.

#### ۴. کسانی که افترا نموده اند که الله جل جلاله فرزند دارد:

یکی از انحرافات عمومی مخالفان، اعم از نصارا و یهود آن است که: آنها به الله متعال فرزند قایل میشوند، بناءً الله متعال، پیامبرش را دستور میدهد که آنها را انذار کنند، طوری که میفرماید: **{وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا}**.<sup>(۲)</sup> و (به خصوص از عذاب شدید او) بترساند کسانی را که می گویند: خداوند فرزندی را (به نام عیسی یا عزیر یا فرشتگان، برای خود) برگرفته است. هم مسیحیان را بخاطر اعتقاد به اینکه مسیح فرزند خدا است، و هم یهود را بخاطر اعتقاد به فرزندی عزیر و هم مشرکان را بخاطر اینکه فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند هشدار دهد.

تنها دیدگاه مسیحیان درباره عیسی علیه السلام، و یا دیدگاه یهودیان درباره عزیر نیست، بلکه مشرکان نیز دربار فرشتگان چنین اندیشه فاسدی داشتند. آیه قرآنی در اینجا این گفته ها را مفصلاً بیان نمی کند. چه روند گفتار روند اختصار است و بگونه کوتاهی، نظر گروههای سه گانه را می آورد، گروههایی که آن روز در جزیره العرب در برابر اسلام سرسختانه می جنگیدند.

سپس به يك اصل اساسی برای ابطال اینگونه ادعاهای پوچ و بی اساس پرداخته می گوید: **{مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ}**.<sup>(۳)</sup> آنها هیچگونه علم و یقین به این سخن ندارند، و اگر از پدرانشان تقلید می کنند آنها نیز چنین بودند. بخاطر آنکه: خدا بی نیاز از نیازهایی است که قبلاً گفتیم، و بی نیاز از همه نیازهایی است که قبلاً نگفته ایم اعم از نیازهایی که بر دل می گذرد یا بر دل نمی گذرد و مقتضی وجود فرزند است. داشتن فرزند از برای الله متعال محال است، زیرا داشتن فرزند به الله نیاز به علم ندارد، زیرا الله از همه موجودات بی نیاز است.<sup>(۴)</sup>

۱- (قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۱ ص ۱۶۲)

۲- (الکهف-۴)

۳- (الکهف-۴)

۴- (أبو حیان، البحر المحيط فی التفسیر، ج ۷ ص ۱۳۷)

## ۵. اهل کتاب (یهود و نصارا):

انذار اهل کتاب و اتمام حجت بر آنان از اهداف رسالت است، تا آنان دلیلی به فرار نداشته باشند، الله متعال میفرماید: **{ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }**<sup>(۱)</sup> ای اهل کتاب! پیغمبر ما (محمد) به سوی شما آمده است و به دنبال انقطاع مدت زمانی که میان پیغمبران بوده است، (حقائق را دیگر باره) بیان می‌کند، تا این که (در روز رستاخیز) نگوئید: مژده دهنده و بیم دهنده ای (از پیغمبران) به سوی ما نیامده است (تا فرمان خدارا به ما برسانند هم اینک پیغمبر) مژده دهنده و بیم دهنده ای (محمد نام) به سوی شما آمده است (و عذری برای شما نمانده است) و خداوند بر همه چیز توانا است.

با این رویارویی قاطعانه، برای جملگی اهل کتاب هیچگونه حجت و برهانی نمی‌ماند. اصلاً حجت و برهانی نخواهند داشت در این که بگویند این پیغمبر امّی به سوی ایشان روانه نشده است. چرا که یزدان سبحان می‌فرماید: **{ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ }** ای اهل کتاب پیغمبر ما (محمد) به سوی شما آمده است. حجت و برهانی برای اهل کتاب نمی‌ماند در این که بگویند: بیدار باشی و هوشیار باشی بدیشان داده نشده است، و در فاصله زمانی بسیار طولانی بدانان مژده ای و بیمی نرسیده است و تشویق و تنبیهی در میان نبوده است. در فاصله زمانی بسیار درازی که موجب فراموشی می‌گردد و کژروی و انحراف در آن روی می‌دهد... هم اینک بطور قطع پیغمبر مژده رسان و بیم دهنده ای به سوی ایشان آمده است و دیگر حجت و برهان و عذر و بهانه ای برایشان نمانده است. این چرخش و گردش با اهل کتاب پایان پذیر نیست. چرخش و گردشی که کج رویها و انحرافهای ایشان را از آئین راستین خدا نشان می‌دهد و هویدا می‌گرداند. آئین راستینی که در گذشته‌ها پیغمبران ایشان آن را برایشان آورده، این چرخش از یک سو حقیقت اعتقادی را مقرر و مشخص می‌دارد که آن را برای مومنان می‌پسندد و از ایشان می‌پذیرد، و از دیگر سو برهان اهل کتاب را در موضعگیریشان در برابر پیغمبر صلی الله علیه وسلم باطل می‌گرداند، و راه معذرت خواهی و عذر تقصیر در روز جزا را بر ایشان می‌بندد.

<sup>۱</sup> - (المائدة - ۱۹)

<sup>۲</sup> - (سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۱، ۱۷۹)

همانگونه که میفرماید: **{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا }**<sup>(۳)</sup> ای کسانی که کتاب ( آسمانی ) به شما داده شده است ! ایمان بیاورید بدانچه ( از قرآن بر محمد نازل کرده ایم و تصدیق کننده چیزی است که ( از کتاب آسمانی ) با خود دارید، پیش از آن که ( عذابی نصیب شما کنیم و بدان وسیله آثار ) چهره هائی را محو کنیم ( و در آنها چشم و گوش و ابرو و بینی و لبی بر جای نگذاریم ) و آنها را برگردانیم (و همچون قسمت پشت خود صاف و زشت گردند)، یا پیش از آن که ایشان را از رحمت خود بی بهره سازیم همان گونه که یاران شنبه را ( یعنی آنانی که در روز شنبه ماهی می گرفتند ) نفرین کرده و نابود نمودیم. و فرمان خدا انجام شدنی است.

انذار به اهل کتاب در واقع بیم رسانی به مشرکین است، بیم دادن از این که مغفرت خداوند گناه شرک را در بر نمی گیرد، و یزدان مهربان انباز ورزیدن را نمی بخشاید، و درهای رحمت الهی بر روی همه گناهان بجز شرک باز و گشوده است همانگونه که خود می فرماید: **(( إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ))** بیگمان خداوند ( هرگز ) شرک به خود را نمی بخشد، ولی گناهان جز آن را از هر کس که خود بخواد می بخشد. و هر که برای خدا شریکی قائل گردد، گناه بزرگی را مرتکب شده است. به هر حال ، یهودیان در روزگار پیغمبری محمدی ، عقائدشان لبریز از بت پرستیها بود و از یکتاپرستی منحرف گشته بود. ایشان بیم داده می شوند و بدیشان گفته می شود که خداوند هر چیزی را می بخشد از هر کس که خود بخواد، اما شرک را نمی بخشاید! از گناه بزرگ انباز صرف نظر نمی فرماید و قلم عفو بر آن نمی کشد. الله متعال در آن جهان کسی را نمی بخشد که با شرک به ملاقات خداوند متعال بیاید و در این جهان از شرک دست نکشیده باشد. شرک گسیختن رابطه موجود در میان پروردگار و بندگان است . با بودن شرک امید به مغفرت نمی ماند، اگر از این جهان بروند و مشرک باشند، مسیر خویش را به سوی دوزخ خواهند پیمود، پس بهترین راه نجات همانا مراجعه به خدا و رهایی از شرک است، اهل کتاب با آنکه معتقد به ادیان سماوی هستند اما نگرش آنان به خداوند شرک آلود بوده که موجب رفتن آنان به جهنم می شود.

۱- (به معنی پنهان و نابود کردن نشانه های هدایت و بینش درون ایشان)

۲- (انان که در روز شنبه برای گرفتن ماهی نیرنگ می زدند، در حالی که در شریعتشان برای آنان حرام بود. با پذیرش تغییر مادی و ظاهری ، مراد این خواهد بود که آن چنان یهودیانی واقعاً به شادیا تبدیل شدند!)

۳- (النساء- ۴۷)

## ۶. ستمگاران:

قرآن کریم وسیله انذار و هشدار دادن به ستمگران است، آنانکه در الله یگانه را ترک گفته به ظلم و بت پرستی پرداختند، طوریکه الله متعال میفرماید: **{وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَيُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ}**<sup>(۱)</sup> (پیش از قرآن، کتاب موسی (تورات) پیشوا و رحمت بوده، و (هماینگ) این (قرآن) کتاب (دین و شریعت) است که تصدیق‌کننده (تورات و سایر کتابهای آسمانی) و به زبان عربی است تا وسیله بیم دادن ستمگران و مژده دادن نیکوکاران باشد. ظالمین یعنی مشرکین، ابن عباس رضی الله عنه فرموده است که مشرکین مکه.<sup>(۲)</sup>)

در جای دیگری از قرآن کریم پروردگار به افراد مشرک و ظالم هشدار داده و می‌افزاید که مسیر آنان سر انجام به دوزخ است آنجا که می‌فرماید: **{وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ}**<sup>(۳)</sup> (ای پیغمبر! گمان مبر که خدا از کارهایی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است (نه، بلکه مجازات) آنان را به روزی حوالت می‌کند که چشمها در آن (از خوف و هراس چیزهایی که می‌بینند) باز می‌ماند. ظاهر امر به نظر بعضیها چنین می‌آید که خدا غافل از کارهای ستمگران است! چرا که ستمگران را می‌بینند از رفاه و خوشی و ثروت و قدرت بهره‌مندند. تهدید خدا را نیز می‌شنوند، ولی عذاب خدا را اگر بیانیگیر ستمگران در این جهان نمی‌بینند. در آن روز سختی که چشمها باز و بی حرکت و خیره و مبهوت می‌گردد و پلکها از هراس برهم نهاده نمی‌شود. آن گاه روند قرآنی صحنه‌ای از احوال ناجور گروهی را ترسیم می‌کند که جلو امواج هول و هراس افتاده اند صحنه‌ای که آنان شتابان می‌دوند و به پشت سر خود نگاه نمی‌کنند و به چیزی نمی‌نگرند.

سپس روند قرآنی به گونه دیگر سخت تر میشود و به تهدید و هشدار اهل کفار با واژه نفرین آمیز بالا می‌گردد همانگونه که می‌فرماید: **{فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ}** (۳۷) **أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ** (۳۸) **وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ}**<sup>(۴)</sup> (وای به حال کافران! (چون ایشان) در هنگامی روز بزرگ (قیامت) چه خواهند دید و چه خواهند کشید! کافران انگار در این جهان کر و کورند،

۱- (الأحقاف - ۱۲)

۲- (رازی، مفاتیح الغیب، ج ۲۸، ص ۱۳)

۳- (ابراهیم - ۴۲)

۴- (مریم - ۳۷ - ۳۹)

ولی) در آن روز که به پیش ما می آیند، چه گوش شنوا و چه چشم بینائی پیدا می کنند ( اما چه فائده که آن روز کار از کار گذشته است و وقت حساب و کتاب فرارسیده است ) ولیکن ستمگاران، امروز در گمراهی آشکاری بسر می برند. ( ای پیغمبر!) ظالمان را از روز حسرت ( که رستاخیز است ) بترسان. آن هنگامی که کار از کار می گذرد و ( همه چیز دنیا پایان می گیرد و وقت حساب و کتاب فرا می رسد، و ستمکاران می بینند که ) ایشان در غفلت ( عمر گرانمایه را) بسر برده اند و ( به قیامت و بهشت و دوزخی ) ایمان نداشته اند. روزی حسرتها فزونی و شدت می گیرد، تا آنجاکه انگار آن روز خود حسرت است و چیز دیگری جز آن در میان نیست ، و حسرت بر فضای آن چیره است ،وبرجسته در آن است .ایشان را بترسان از این روزی که حسرتها سودمند نمی افتد.

هدف از یَوْمَ الْحَسْرَةِ: روز پریشانی و پیشیمانی، روزیکه بدکار بخاطر بدی حسرت میخورد و نیکو کارجهت خفت عملش روزیکه دوگروه یکی به سمت بهشت و دیگری به سمت دوزخ میروند.(۱)

### ۱۱. به مومنین نافرمان:

فرمانداری از الله متعال یکی از اهداف انذار رسانی به انسان ها است، قطع نظر از آنکه مخاطب چه کسی است، پس اطاعت الله و پیامبرش برای مومنین شایسته تر است، اما در صورت بی پروائی منتظر عذاب الاهی باشند: **{لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَسْتَلُونَ مِنْكُمْ لَوَادًا فليَحْذَرِ الَّذِينَ يَخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ}**(۲)

ای مؤمنان (دعوت پیغمبر را در میان خویش (برای اجتماع و شرکت درکارهای مهم) همسان دعوت برخی از برخی از خود بشمار نیاورید ( چرا که فرمانش فرمان خدا و دعوتش دعوت پروردگار است). خداوند آگاه از کسانی است که در میان شما خویشتن را می‌دزدند و پشت سر دیگران خود را پنهان می‌دارند ( تا پیغمبر آنان را نبیند و از انصراف و گریز ایشان نپرسد و کاری بدانان حواله نکند). آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند، باید از این بترسند که بلائی در برابر عصیانی که می‌ورزند ( گریبانگیرشان گردد، یا این که عذاب دردناکی دچارشان شود ) اعم از قحطی و زلزله و دیگر مصائب دنیوی، و دوزخ و دیگر شکنجه‌های اخروی).

۱- ( بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۴ ص ۱۱ )  
 ۲- (النور - ۶۳ )

در این آیه تهدید بزرگ بر آنان که با فرمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم مخالفت می کنند، و از برنامه ای غیر از برنامه او پیروی می کنند، و خویشان را از صف مسلمانان برای سود بردن یا از زیان دور نگاهداشتن می دزدند، باید بترسند و بر حذر باشند از این که فتنه و بلائی بدیشان برسد که معیارها و مقیاسها در آن پریشان شود و به هم بخورد، در نتیجه حق با باطل بیامیزد، و پاک آمیزه ناپاک بشود، و امور و شؤون مردمان و زندگی ایشان تباهی گیرد، و کسی بر خود ایمن نگردد، کسی در حدّ و مرز خویش نماند، و در آن خوب از بد جدا و متمایز نشود. این چنین دوره ای از زمان ، دوره بدبخت همگان خواهد بود. زیرا دفع ضرر از مسلمانان گنگهار حتی در اختیار پیامبر هم نیست همانگونه که خود می فرماید: **﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾** ( ۱ )

بگو : من مالك سودی و زینای برای خود نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و ( از راه لطف بر جلب نفع یا دفع شرّ، مالك و مقتدرم گرداند. ) اگر غیب می دانستم، قطعاً منافع فراوانی نصیب خود می کردم ( چرا که با اسباب آن آشنا بودم ) و اصلاً شرّ و بلا به من نمی رسد ( چرا که از موجبات آن آگاه بودم. حال که از اسباب خیرات و برکات و از موجبات آفات و مضرات بی خبرم ، چگونه از وقوع قیامت آگاه خواهم بود ؟ ). من کسی استم که جز بیم دهنده و مژده دهنده مؤمنان ( به عذاب و ثواب یزدان ) نمی باشم.

---

۱- (الاعراف - ۱۸۸)

## مبحث دوم

### طرق انذار :

الله متعال پیامبران را به خاطر انذار دادن فرستاده تا امتانشان را بیم دهند از عذاب الهی منجمله حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را تا امتانش را بیم دهد چنانچه الله متعال میفرماید: **{يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا}** (۱) ای پیغمبر! ما تو را به عنوان گواه و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم. روی این منظور در این مبحث اشاره میکنم به طرق انذار:

### مطلب اول: انذار به ذلت و خواری در دنیا:

قران کریم و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم عذاب های معین و مشخصی را برای جرمها و جنایاتی معین، مقرر داشته اند که بدانان جرائم الحدود گفته می شود. که عبارتند از "زنا، قذف، سرقت، مستی، محاربه، رده و ارتداد، و بغی" هرکس یکی از این جرائم را مرتکب شود، و یا هم کدام فعل حرام دیگری را باید جزا ببیند. فعل حرام آنست که شرع اسلام آن را حرام و منع کرده و از آن نهی نموده باشد، بدان جهت که برای دین یا جان، یا عقل یا خرد، یا آبرو، یا ناموس، یا مال ضرر و زیان داشته باشد. بنابراین هر چیزی که برای موارد بالا ضرر داشته باشد حرام است و انجام آن جنایت جنایت شمرده می شود و فاعل آن سزاوار جزاء است، بدین منظور پروردگار در آیه ای خطاب به فساد پیشگان چنین ارشاد می فرماید: **{إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ}** (۲) کیفر کسانی که با خدا و پیغمبرش می جنگند، و در روی زمین ( با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسانها، مثلاً از راه راهزنی و غارت کاروانها ) دست به فساد می زنند، این است که ( در برابر کشتن مردم ) کشته شوند، یا ( در برابر کشتن مردم و غصب اموال ) به دار زده شوند، یا ( در برابر راهزنی و غصب اموال، تنها ) دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود، و یا این که ( در برابر قطع طریق و تهدید، تنها ) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند. این رسوایی آنان در دنیا است، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.

۱. (أحزاب ۴۵)  
۲. (المائدة - ۳۳)

امام بغوی (۱) رحمه الله در تفسیرش میگوید: همین آیه مبارکه ۳۳ سوره مائده، بزرگترین انذار است در حق کسانی که چنین فعل را مرتکب می شوند. وهم چنان این آیه انذار است به رسوایی، ذلت، شرمندگی دنیا برای کسانی که در دنیا فساد میکنند وهم مردم را به قتل می رسانند و مال مردم را به غارت میگیرند و در برابر این کار های خود، جزایش این است که هم کشته می شود وهم به دار آویخته می شود پس این خودش بزرگترین انذار به ذلت و شرمندگی دنیا است. (۲)

در بخش دیگری از هشدار ها به فساد پیشگان قرآن کریم خطاب به آنانیکه مانع گسترش دین و رفتن مردم به مساجد میشود نیز فرموده است: **{وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ}**. (۳) از جمله دشمنی ایشان نسبت به یکدیگر، و نسبت به مسلمانان این است که بعضی از قبیله ها معابد قبیله های دیگر را خراب نمودند و مسلمانان را از ورود به مسجد الحرام باز داشتند) و چه کسی ستمگرتر از کسانی است که نگذارند در مساجد و اماکن عبادت خدا، نام خدا برده شود، و در ویرانی آنها بکوشند؟ شایسته اینان نبود که چنین ( گناه بزرگی را مرتکب شوند و این کارها را) بکنند، بلکه میبایست ( حرمت معابد را نگهدارند) جز خاشعانه وارد آنها نشوند. بهره آنان در دنیا زبونی و رسوایی، و در آخرت عذاب بزرگی است.

انذار و تهدید سخت در حق کسانی که مساجد و اماکن عبادت مسلمانان را خراب میکنند. حضرت عبدالله ابن عباس (رضی الله تعالی عنهما) (۴) فرموده اند: قریش بودند که رسول الله صلی الله علیه وسلم را از نماز خواندن در کعبه شریفه منع میکردند الله جل

۱- بَعُوِّي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِ بْنِ مَسْعُودٍ بْنِ مُحَمَّدِ الشَّيْخِ، الْإِمَامِ، الْعَلَمَةِ، الْفُذُولَةِ، الْحَافِظِ، شَيْخِ الْإِسْلَامِ، مُحِبِّي السُّنَّةِ، أَبُو مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِ بْنِ مَسْعُودٍ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَّاءِ الْبَعُوِّيِّ، الشَّافِعِيِّ، مُفَسِّرُ الْقُرْآنِ، صَاحِبُ تَأْلِيفِ هَيَاةٍ زِيَادٍ مِنْ جَمَلِهِ: (شَرْحُ السُّنَّةِ) وَ (مَعَالِمُ التَّنْزِيلِ) وَ (الْمَصَابِيحِ)، وَ كِتَابِ (التَّهْذِيبِ) فِي الْمَذْهَبِ، وَ (الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّحِيحَيْنِ)، وَ (الأَرْبَعِينَ حَدِيثًا)، وَ غَيْرِهِ مِيشَأْدِ وَفَاتِ يَافَتْهَ دَرِ سَنَةِ: ٥١٦ هـ ق، بِمَرُو الرُّودِ - شَهْرِي أَزِ شَهْرِهِای خُرَاسَانَ، دَرِ مَهِ شَوَّالِ، وَ دَفِنِ گَرْدِيدِ دَرِ پَهْلَوِي اسْتَاذَشِ قَاضِي حُسَيْنِ، وَ ٧٠ چنْد سالِ عَمَرِ كَرْدِ - رَجْمَةُ اللَّهِ. سِيرِ اَعْلَامِ النِّبَلَاءِ جِزء ٣٧ ص ٤١٤.

۲- البغوي، أبو محمد الحسين بن مسعود المتوفى ( ٥١٦ هـ)، معالم التنزيل، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الرابعة، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م: ج ٢-ص ٣٢٠.

۳- (البقره-١١٤)

۴- صحابی جلیل القدر عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب الهاشمی پسر کاکای رسول الله صلی الله علیه وسلم متولد: قبل از هجرت و او یکی از صحابی بوده که زیاد احادیث را روایت کرده است، بوده در بصره در اخر حیاتش و پیامبر ص در موردش دعا هم نموده بود: اللهم فقیه فی الدین و علمه التاویل، وفات کرده در سنه ٦٨ هجری نظر شود در: سیر اعلام النبلاء ج ٣ ص ٣٣.

جلاله برای سرزنش قریش این آیه را نازل کرد: **{فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاعْتَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ}** (۱) خداوند خواری و رسوائی را در زندگی دنیا بدیشان چشانده است، و قطعاً عذاب آخرت ( آنان از عذاب ذلت و پستی همین جهان ایشان، بسیار سخت‌تر و ) بزرگتر است اگر بدانند ( و اهل سنجش و بینش باشند.

همچنان در جای دیگری الله متعال میفرماید: **{ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ}** (۲) مستکبرانه دوشهایشان را بالا می‌اندازند و مغرورانه رویشان را برمی‌گردانند تا ( بدین وسیله مردمان را از راه خدا ) گمراه سازند بهره آنان در این جهان خواری و رسوائی است، و در روز قیامت عذاب آتش سوزان ( دوزخ ) را بدیشان می‌چشانیم.

امام مجاهد (رضی الله تعالی عنه) (۳): نصارا بودند که در بیت المقدس چیزهای گنده را می‌انداختند و مردم را از نماز خواندن در بیت المقدس منع میکردند پس مهم‌ترین چیزی در این آیه این است که الله متعالی کسانی را که عبادت خانه‌های مسلمانان را خراب میکنند و عید سخت داده شده است به و رسوایی دینیا و آخرت.

ابن عباس رضی الله عنه فرموداند: که وی نضر بن حارث بود، گردنش را از روی سرکشی و خودخواهی از آنچه دعوت به حق میشد مچرخاند. (۴)

آیه‌های بالا بهترین هشدار به فساد پیشگان است، آنانکه آرامش را از مردم دودوده اند، و خواب را از چشم مردم ربوده اند، پس متوجه باشند که جزاء دنیوی و اخروی در انتظار آنان است، تنها راه بیرون رفت آنان برگشت به خدا و اصلاح اعمال ناشایست است که تا امروز به آن عمل نموده اند.

۱- (الزمر-۲۶)

۲- (الحج-۹)

۳- امام مجاهد بن جبر مکی، مولی السائب مخزومی زیاد روایت‌های ان از ابن عباس، بعد از ابن عمر، عایشه، ابی هریره رضی الله عنهم بوده متوفی سال (۱۰۲هـ)، برای معلومات مزید: سیر اعلام النبلاء- ج ۴ ص ۴۹.

۴- (قرطبی، تفسیر قرطبی ج ۱۲، ص ۱۶)

## مطلب دوم: انذار به ذلت و خواری در عالم برزخ:

هنگامی که انسان را در قبر، آن گودال تنگ و محدود و وحشتناک نهاده میشود و سپس رویش خاک ریختند و تمامی اهل خانه و نزدیکانش بازگشتند، آن گاه برای وی زندگی جدیدی به نام عالم برزخ شروع می شود.

احوال برزخ جزو امور غیبی ای بشمار می رود که با حواس، قابل درک نیست. و اگر با حواس، درک می شد، ایمان به غیب، فایده ای نداشت. همچنین مؤمنان به غیب و انکارکنندگان آن در تصدیقش، با هم فرقی نمی کردند. ما عقیده داریم به این که عذاب قبر بصورت حقیقی برای کفار و منافقین وجود دارد. و نیز برای هرکسیکه خداوند از فاسقان مسلمان بخواهد. مقصود از قبر، حفره ای که در زمین ایجاد میشود نیست، بلکه مراد عالم برزخ است. پس انسان بدکار در برزخ عذاب میشود، چه در حفره زمینی باشد و یا در غیر آن.

ما عقیده داریم که نکیر و منکر، دو فرشته درشت خو هستند که مسؤلیت دارند از اموات درباره پروردگار و دین و پیامبرشان بپرسند در قبر (۱)

بناء پروردگار به برخی از کفار به ویژه فرعون که در برابر توحید سخت ایستاد و پیامبر خدا را تکذیب نموده و خود ادعای خدایی کرد به وی عذاب سخت و عده نموده است آنجا که می فرماید: (النَّارُ يَغْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ) (۲) و آن آتش دوزخ است که بامداد و شامگاه آنان بدان عرضه می شوند. (این عذاب برزخ ایشان است) و اما روزی که قیامت برپا می شود (خدا به فرشتگان دستور می دهد) خاندان فرعون (و پیروان او) را به شدیدترین عذاب دچار سازید. (۳) همچنان امام بخاری (۴) روایت کرده است که: رسول

۱. (طحاوی، شرح عقیده طحاوی ج ۱ ص ۱۹۳)

۲. (الغافر-۴۶)

۳. (الرازي فخر الدين أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن التيمي البكري المتوفي سنة ٦٠٦ هـ)، تفسير الكبير (مفاتيح الغيب) ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت الطبعة: الثالثة - ١٤٢٠ هـ، ج- ٤ ص- ١٣٣).

۴. بخاری: ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه است، کتابش: صحیح البخاری: دارای تألیفات زیاد است از جمله: الجامع الصحیح، الأدب المفرد، رفع الیدین فی الصلاة، بر الوالدین، التاریخ الصغیر، خلق أفعال العباد، کتاب الضعفاء الكبير، الجامع الكبير، المسند الكبير، التفسیر الكبير، کتاب الاشرية، کتاب الهبة، کتاب قضايا الصحابة والتابعين و غيره، بخاری: در بین مسلمانان از جایگاه خاص بر خوردار است، امام بخاری جعفی، حافظ و حجت در علم حدیث بود، مؤلف الجامع الصحیح، ناصر احادیث مصطفوی و ناشر میراث محمدی - صلی الله علیه وآله وسلم - است، او در راهی در روستای خرتنک بین سمرقند و بخارا به نزد نزدیکانش رفت و در آنجا مریض شده و بعد از مدت کوتاهی در شب شنبه به وقت نماز عشاء شب عید فطر سال دوصد و پنجاه و شش

الله صلی الله علیه وسلم در هر نماز در آخرش از عذاب قبر پناه طلب میکرد.<sup>(۱)</sup> و همچنان از زبان رسول الله صلی الله علیه وسلم در باره یی عذاب قبر و کیفیت عذاب قبر و حالتی هول ناک آنرا بر ما بیان کرده است که در قبر برای گناهکاران عذاب بسیار شدید وجود دارد.

چنانچه در تفسیر آیه ۱۰۱ سوره توبه ابن کثیر نوشته است: **وَعَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (۲) قَالَ: (إِذَا وُضِعَ - يَعْنِي الْكَافِرَ - فِي قَبْرِهِ فَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ، قَالَ: فَيَقُولُ رَبِّ ارْجِعُونِ أَتُوبُ وَأَعْمَلُ صَالِحًا، قَالَ: فَيَقَالُ: قَدْ عُمِرْتَ مَا كُنْتَ مُعَمَّرًا، قَالَ: فَيَضِيقُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ وَيَلْتَمِمُ فَهُوَ كَالْمَنْهُوشِ يَنَامُ وَيَفْرَعُ تَهْوِي إِلَيْهِ هَوَامُّ الْأَرْضِ وَحَيَاتُهَا وَعَقَابُهَا).**<sup>(۳)</sup> زمانیکه کافر در قبر گذاشته میشود مقام و جای خود را می بیند و میگوید: که پروردگارا مرا یک بار دیگر مرا به دنیا برگردان تا توبه کنم و عمل نیک انجام دهم! برایش گفته می شود که الله جل جلاله برای تو عمر داده بود تا از آن استفاده کنی ولی تو از عمرت فایده نگرفتی و در این صورت قبرش برایش تنگ می شود و مثل یک لاغر و ناتوان خوابش میبرد، میترسد و ناراحت میشود و در اطراف خود حشرات زمینی را مثل مار، گژدم، را میبیند. نعوذ بالله من ذالک!

در این مورد حدیثی دیگری را ذکر می کنیم که در آن آمده است: **(وَعَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا (۴) قَالَتْ: دَخَلْتُ عَلَى عَجُوزَانَ مِنْ عَجُزِ يَهُودِ الْمَدِينَةِ، فَقَالَتْ لِي، إِنَّ أَهْلَ**

---

هجری (۲۵۶هـ ق) به عمری ۶۴ سالگی دار فانی را وداع گفت. خداوند او را رحمت کند و از او خشنود باشد و به او جزای خیر از طرف جمیع مسلمین عنایت کند. سیر اعلام النبلاء ج ۴ ص ۲۷۶-۲۷۷.

۱- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخاري، الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي)، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ عدد الأجزاء: ۹، باب التشهد في الآخرة، ج ۱ ص ۲۸۶.

۲- ابوهريره صحابي جليل القدر عبدالرحمن بن صخره الدوسي، كنيه كه پیامبر صلی اله علیه وسلم برایش گذاشته است، اسلام آورده در سال خيبر واکثرا همراهی پیامبرص بوده، واکثریت احادیث را روایت نموده است، ووفات نموده در مدینه: الاصابة في معرفة الصحابة، ج ۴ ص ۲۰۲.

۳- الطبرانی، أبي القاسم سُلَيْمَانُ بن أحمد متوفى (۳۶۰ هـ ق) المَعْجَمُ الكَبِير، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء: ۲۵ : ج ۱۳ ص ۳۵۵. این حدیث صحیح است. الألبانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ۱۴۱۶ هـ - ۱۹۹۶ م: ج ۶ ص ۲۶۳.

۴- عایشه بنت خلیفه مسلمین ابوبکر الصديق رضی الله عنهما، زوجه رسول الله صلی الله علیه وسلم، وام المومنین بود فقیه ترین مردم و عالم ترین مردم بودند، پیامبر صلی الله علیه وسلم در موردش فرموده كه عائشه (زوجتی فی الجنة) در مورد احادیثش، احادیث زیادی را از رسول الله ص روایت نموده است، ووفات نموده در ۱۷ رمضان سال ۵۷ یا ۵۸ هـ برای معلومات بیشتر برو به کتاب: الاصابة في معرفة الصحابة ج ۸ ص ۱۶.

الْقُبُورِ يَعَذَّبُونَ فِي قُبُورِهِمْ، فَكَذَّبْتُهُمَا وَلَمْ أَنْعَمْ أَنْ أُصَدِّقَهُمَا؛ فَخَرَجْنَا وَدَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَقُلْتُ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ عَجُوزَيْنِ، وَذَكَرْتُ لَهُ؛ فَقَالَ: صَدَقْتَا، إِنَّهُمَا يَعَذَّبُونَ عَذَابًا تَسْمَعُهُ الْبَهَائِمُ كُلُّهَا فَمَا رَأَيْتَهُ بَعْدُ فِي صَلَاةٍ إِلَّا تَعَوَّذَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ) (۱) از عایشه رضی الله عنها روایت است که میگوید: دو پیرزن از پیر زنهای یهود مدینه پیش من آمدند و گفتند: مرده ها در قبر عذاب داده می شوند، من هم آنان را تکذیب کردم، دوست نداشتم ایشان را تصدیق کنم، بعداً ایشان رفتند و پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - وارد شد، به او گفتم: ای رسول خدا! این دو پیرزن چنین گفتند و من هم آنان را تکذیب کردم، پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: راست گفته اند، اهل قبر به نحوی عذاب می بینند که تمام حیوانات داد و فریاد آنان را می شنوند، عایشه میگوید: از آن به بعد پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - همیشه در نماز از عذاب قبر به خدا پناه می برد»، (و دعای عذاب قبر را می خواند).

عذاب و نعمت ها و وسعت و تنگی قبر را فقط میت درک می کند نه دیگران. همانگونه که انسان در خواب می بیند که در جای تنگ و وحشتناک و یا در جای وسیع و سرسبزی بسر می برد، پروردگار قبر را در جمله نعمت ها تذکر میدهد: {ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ} (۲) بعد او را می میراند و وارد گورش می گرداند. اما نسبت از نگاه دیگران، جایش هیچگونه تغییری نکرده است و او همچنان در اتاقش و در رختخواب خود خوابیده است. ارواح بندگان در عالم برزخ به لحاظ جایگاه و منازل متفاوت اند.

در روز قیامت سر انجام افراد مومن به بهشت و از افراد کفار به دوزخ می انجمد: {وَتُنذِرُ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ} (۳) بترسانی و ( همه مردمان را ) از روز گردهم آیی ( قیامت ) که شك و تردیدی در وقوع آن نیست بیم دهی . ( در آن روز ، مردمان دو گروه بیش نیستند ) گروهی در بهشت بسر می برند و دسته ای در آتش دوزخ . تأمل در آفرینش انسان و جهان و همچنین در غرض و هدف شرایع آسمانی، قطعی بودن روز رستاخیز را روشن می سازد. جهان و انسان به سوی یک آفرینش ثابت و وجود کاملتری متوجهند که فنا و زوال

۱- صحیح البخاری: کتاب الدعوات - باب التَّعَوُّذِ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ: ج ۲ رقم الحدیث: ۶۳۶۶ و صحیب عبد الجبار، المسند الموضوعی

الجامع للکتب العشرة، بیروت، دارالفکر، عام النشر: ۲۰۱۳ م: الجزء ۱۲ ص ۱۵.

۳-(عیس-۳)

۱-(شوری-۷)

نپذیرد و آن هم قیامت خانه ابدی است. بناء قیامت حق و لی زمان دقیق قیامت و این که در چه زمانی اتفاق می افتد معلوم نیست.

### **مطلب سوم: انذار به ذلت و خواری در روز آخرت:**

الله جل جلاله در قرآن کریم مردم را بیم داده است از اینکه مردم برای حساب و کتاب در پیشگاه الله جل جلاله عرض می شوند، از روزیکه در آن روز نه مال و نه اولاد کدام فایده دارد، مگر کسیکه به قلب سلیم به نزد الله بیاید، روزیکه مردم در آن روز وقوف میکنند، در آن روز همه مردم را سراپا برهنه مشاهده میکنی، و در آن روز همه مردم منتظر پاداش عمل شان هستند، که کسانی به سوی جنت میروند که حیات ابدی است، و یا به سوی دوزخ می روند، که عذاب ابدی است، پس چنین روزی است که الله متعال در سوره مریم میفرماید: ( وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ) (۱)

ای پیغمبر! ظالمان را از روز حسرت (که رستاخیز است) بترسان آن هنگامی که کار از کار میگذرد و (همه چیز دنیا پایان میگیرد و وقت حساب و کتاب فرا میرسد، و ستمکاران می بینند که) ایشان در غفلت (عمر گرانیه را) بسر برده اند و (به قیامت و بهشت و دوزخی) ایمان نداشته اند.

هدف مشرکین اند که آنان را از روز حسرت بیم دهد آن روز را بنام روز حسرت یاد کرده اند و روزی قیامت را الله جل جلاله بخاطری روز حسرت گفته است که در آن روز اهل دوزخ افسوس و حسرت زیادی می خورند و هم چنان اهل جنت کسانی که نایل به درجات بالا شده اند افسوس و حسرت می خورند که ای کاش ما هم در درجات بالاتری از این میداشتیم. والله متعال از این روز حسرت بندگان خود را انذار داده است تا اینکه بندگان الله تلاش کنند تا از جمله اشخاص که در حسرت و افسوس هستند نباشند.

حالت روز آخرت بسا دشوار است، که حتی مادر چگر گوشه اش را وضع میکند، مردم شبیه افراد نشه سرگردان و پریشان اند همانگونه که الله می فرماید: (يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ

۱- (مریم-۳۹)

بِسُغَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ (۱) روزی که زلزله رستاخیز را می‌بینید ( آن‌چنان هول و هراس سرتا پای مردمان را فرا می‌گیرد که حتی ) همه زنان شیردهی که پستان به دهان طفل شیرخوار خود نهاده‌اند ، كودك خود را رها و فراموش می‌کنند . و جملگی زنان باردار ( از خوف این صحنه بيمناك ) سقط جنین می‌نمایند ، و ( تو ای بیننده ) مردمان را مست می‌بینی ، ولی مست نیستند و بلکه عذاب خدا سخت ( وحشتناك و هراس‌انگیز ) است ( و توازن ایشان را به هم زده است و لذا آنان را آشفته و خراب ، با چشمان از حذقه به درآمده و با گامهای افتان و خیزان و با وضع بی‌سر و سامان و حال پریشان می‌بینی).

روز قیامت را بسیار یک روز هول ناک معرفی کرده است که مردم آن روز را به چشمانشان مشاهده میکنند و این مشاهده کرده در قلب های شان خوف و ترس را پیدا میکند و شدت و هول قیامت را الله ج در این ایه در سه مورد ذکر کرده است.

۱- قیامت به اندازه هول ناک است که این هول و شدت هر مادر شیر دهنده را از شیر دادن اولادش غافل می کند.

۲- هر زن حامله حمل خود را قبل از وقت یا بروقت خود وضع میکند.

۳- از خاطری که حالت قیام شدید است همه مردم به صورت نشه اند در حالیکه در حقیقت نشه نمی باشند چون از خاطر یک حالت سخت است عقل هوش خود را از دست می دهند. (۲)

چنانچه عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنه گفته است: می بینی مردم را نشه از خوف هول قیامت و همچنان الله ج در جای دیگری در مورد میفرماید: (يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (۳) ( آنان عذاب عظیمی دارند ) در آن روزی که علیه آنان زبان و دست و پای ایشان بر کارهائی که کرده‌اند گواهی می‌دهند. (۴)

۱- (الحج-۲)

۲- (تفسیر الکبیر، ج ۲۳ ص ۶).

۳- (النور-۲۴)

۴- البیضاوی، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر بن محمد الشیرازی البیضاوی (المتوفی: ۶۸۵هـ)، أنوار التنزیل و أسرار التاویل (تفسیر البیضاوی). ج ۵. بیروت، دارالفکر، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۸ هـ: ج ۲ ص ۶۵۲.

الله متعال روز قیامت را روز معرفی کرده است که در آن روز همه وجود انسان بر علیه انسان و یا بر نفع انسان شاهی می دهد، پس چنین روزی است تا باید که از آن روز انسان هراس داشته باشد و نیز جای دیگری الله متعال میفرماید: **(إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَاباً قَرِيباً يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً)**(<sup>۱</sup>) ما شما را از عذاب نزدیکی بیم می دهیم ( که رخ می دهد در ) آن روزی که انسان همه کارهائی را که کرده است می بیند ، و انسان کافر فریاد بر می آورد : کاش من خاک می بودم.

پروردگار با اشکال و انواع متعدد پیرامون روز آخرت انسان ها را انذار میدهد که در این جا به برخی از آیه های می پردازیم که پیرامون انذار در آخرت آمده است **همانگونه که خداوند می فرماید: {يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ \* تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ \* قُلُوبٌ يُومِنُذٍ وَاجِفَةٌ \* أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ}** ( ۲ ) ( رستاخیز و قیامت برپا گردد ) در آن روزی که ( نفخه اول ، در صور دمیده می شود و ) زلزله ای در می گیرد ( و دنیا خراب می گردد و همگان می میرند ). سپس ( نفخه دوم ، در صور دمیده می شود و زلزله نخستین ) زلزله دیگری به دنبال خواهد داشت ( که مردگان زنده می گردند مراد از الراجفه نفخه نخستین صور است که در جهان می پیچد و جهان را می لرزاند و خراب می گرداند . برخی گفته اند : مراد زلزله کره زمین و از هم پاشیدن آن است . مراد از الراجفه نفخه دوم است که بعد از نفخه اول قرار دارد و اعلام فرا رسیدن روز رستاخیز و قیامت است . مراد از **وَاجِفَةٌ**: مضطرب و پریشان . لرزان و نگران . تپنده و آشفتگی دلها است . آنقدر ترس قلب و چشم را فرا میگیرد شبیه آن که مردم در بحر بالای کشتی باشند، و امواج آن را از ورطه به ورطه دیگری بکشاند، از ترس کسی حملش را بگذارد، اطفال پیرشوند حتی شیطان پا به فرار بگذارد. بجز قلب مسلمان همه قلبها در هراس و ترس است.

**{فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاعَةُ}** ( ۳ ) هنگامی که صدای هراس انگیز گوش خراش ( نفخه صور دوم ) برآید. مراد از نفخه صور دوم است که به دنبال برخورد اجرام و کرات آسمانی بر اثر تخریب جهان ، طنین انداز می گردد

صدای کوبنده ترس و لرز را در اندام کفار و مشرکین می اندازد: **{الْقَارِعَةُ}** مراد سرآغاز قیامت است که جهان را در هم می کوبد و هول و هراس آن ، دلها را به تپش می اندازد . البته چنین خوف و فزع و وحشت و هراسی ، کافران و منافقان و مشرکان و فاجران را در بر می گیرد، **{ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ نِزْلَةُ ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ}** ( ۴ ) در حالی که چشمانشان ( از هول و هراس ) به زیر افتاده است ، و

<sup>۱</sup> - (النباء- ۴۰)

۴ - (نازعات ۶-۹)

۱ - (عبس ۳۰).

۱ - (معارج ۴۴)

خواری و پستی ایشان را فرو گرفته است . ( بدیشان گفته می شود : ) این همان روزی است که به شما وعده داده می شد و مؤمنان در شادی و شادخواری بوده و دور از شدائد و مصائب می باشند.

هراس و ترس از گرفتن اعمال نامه بدست چپ: **{وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ \* فَسَوْفَ يَدْعُو ثُبُورًا \* وَيَصْلَى سَعِيرًا}**(<sup>۱</sup>) و اما کسی که از پشت سر نامه اعمالش بدو داده شود، مرگ را فریاد خواهد داشت و هلاک خود را خواهد طلبید، و به آتش سوزان دوزخ در خواهد آمد و خواهد سوخت. سپس اقرار نموده به زبان خود به گناهش اعتراف می نماید. در جای دیگری نیز چنین آمده است: **{وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيهِ}**(<sup>۲</sup>) و اما کسی که نامه اعمالش به دست چپش داده شود ، می گوید : ای کاش هرگز نامه اعمالم به من داده نمی شد ! بیزاری از شرک و پیامد آن در روز قیامت: **{قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ}**(<sup>۳</sup>) :وای بر ما ! ما ستمگر بوده ایم ) و با کفر ورزیدن ، بر خود ستم کرده ایم ، و هم اینک به آتش می سوزیم ( سپس با اعتراف به گناه و با چیغ و فریاد از خداوند می خواهند که از آتش رهایی یابند، اما خواست و طلب آنان بشکل قطعی رد میشود، حتی برای شان گفته میشود: **{قَالَ اخْسَؤُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُون}**؛ ( خداوند بدیشان ) می گوید : بتمرکید در آن ! و با من سخن مگوئید. مراد از ( اخْسَؤُوا ): چخ ! ساکت ! این واژه برای راندن و دور کردن سگ به کار می رود و نسبت به انسان ، برای ساکت کردن خوار کننده است.

حسرت بخاطر از دست دادن فرصت انجام نیکو در دنیا: **{وَجِءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى \* يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي \* فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ}**(<sup>۴</sup>) در آن روز دوزخ را حاضر آورند ( و نشانش دهند ) . در آن روز انسان به خود می آید ، ولی چنین به خود آمدنی کی سودی به حال او دارد ؟ ! خواهد گفت : کاش برای زندگی خود (خیرات و حسناتی ) پیشاپیش می فرستادم ! در آن روز (خداوند کافر را چنان عذابی می رساند که ) هیچ کس عذابی همسان عذاب او را بدو نمی رساند. روزیکه دوزخ به دوزخیان بر ملا گردید و دوزخیان از عذاب الله و واقعیت روز رستاخیز متیقن شدند باخود می گویند کاش پاداشی و عملی از خود تقدیم میداشتم.

حسرت و ندامت کفار فاصله گرفتن از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم: **{وَيَوْمَ يَعَضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا}**(<sup>۵</sup>) و در آن روز ستمکار ( کفرپیشه ) هر دو دست خویش را ( از شدت حسرت و ندامت ) به دندان می گزد و می گوید : ای کاش ! با رسول خدا راه ( بهشت را ) برمی گزیدم ( و با قافله انبیاء به سوی خوشبختی جاویدان و رضای یزدان سبحان حرکت می کردم . ای وای ! من ، بر خود چه کردم ؟ ) . گزیدن انگشت کنایه از

۲- (انشقاق ۱۲)

۳- (الحاقه ۲۵)

۴- (انبیاء ۱۴)

۵- (مؤمنون-۱۰۸)

۶- ( فجر ۲۳- ۲۴)

۱- ( فرقان ۲۷- )

بالاترین درجه پشیمانی است، یعنی ای کاش پیامبر را وسیله و سبب رسیدن به بهشت می‌گرفتم، همانگونه که واژه ویلتی: معنای تحسر و ارمان را افاده میکند.

## مبحث سوم

### حکمت و فوائد انذار در قرآن:

خداوند متعال بشریت را خلق کرد و وجود او را به مادیات و معنویات نیازمند ساخت. بدون تردید همانطور که جسم انسانی برای ادامه زندگی به آب، خوراک و غیره نیازمند است روح انسانی نیز نیازمند خوراک روحانی می باشد زیرا، انسان مرکب از جسم و روح است، پس جسم را با غذا، روح و روان را با قرآن باید تزکیه کرد.

حکمت و فوائد انذار نقش مهم در جامعه امروزی و در تزکیه نفس انسان دارد که باید فهمیده شود بدین منظور حکمت های نهفته از انذار در قرآن کریم را از آیه ها میبردازیم تا فوائد و حکمت های قرآنی را در باب انذار در یابیم و آنها را قرار ذیل است:

### مطلب اول: تا تبلیغ پیامبر به همه برسد:

پیامبر اسلام نه تنها خودش حتی پیروانش بهترین و الگوترین امت ها و انسان ها خوانده شده اند زیرا از ویژگی های نیکو برخوردار بودند همانگونه که خداوند می فرماید: { كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ } (۱) شما ( ای پیروان محمد ) بهترین امتی هستید که به سود انسانها آفریده شده اید ( مادام که ) امر به معروف و نهی از منکر می نمایند و به خدا ایمان دارید . و اگر اهل کتاب ( مثل شما به چنین برنامه و آئین درخشانی ) ایمان بیاورند ، برای ایشان بهتر است ( از باور و آئینی که برآیند . ولی تنها عده کمی ) از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق ( و خارج از حدود ایمان و وظائف آن ) هستند .

کتابیکه هزار و چهارصد سال قبل در بیشتر از هزار آیه، از اموری سخن بگوید که به راز آفرینش انسان، چگونگی شکل گیری ابرها، نقش بادهای در تعاملات هستی، ویژگیهای زمین، مأموریت کوه ها، ساختار هندسی آسمانها و بسی دیگر از پدیده های طبیعی می پردازند و سپس در هیچ یک از عبارات و اشارات خود پیرامون این امور، با حقایق علمی جدید تصادم هم نکند؛ شایسته است مطابق آن عمل، به واژه های تبشیری آن شاد و با مفاهیم اندازی آن در ترس و هراس بود. در باب تمایز و ویژگی های اخلاق وی همین کافی است که با افتخار تمام فرمودند: ( إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ ) من برای اتمام و تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شده ام در این مورد الله متعال

۱. (آل عمران ۱۱۰)

میفرماید: **{لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا}** <sup>(۱)</sup> تا این که جهانیان را (بدان) بیم دهد) و آن را به گوش ایشان برساند. بیم دهنده به همه انس و جن، مراد از عالمین انس و جن است، بخاطر آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم به سوی هر دو جنس انس و جن فرستاده شده بود، تا آنان را از عذاب و پیامد زشت کفر و شرک بیم دهد. <sup>(۲)</sup>

ناگفته نباید گذاشت که رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برای تمام جن و انس است و جز کسانی که از او پیروی نموده و به رسالت او ایمان آورده اند ایمان از کسی دیگر پذیرفته نمی شود. الله متعال میفرماید: **{وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَئِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ}** <sup>(۳)</sup> ما تو را برای جملگی مردمان فرستاده ایم تا مژده رسان ( مؤمنان به سعادت ابدی ) و بیم دهنده باشی ، ولیکن اکثر مردم ( از این معنی ) بی خبرند. به تائید آنچه بالاتذکر رفت پروردگار یکبار دیگر تاکید می ورزد که وظیفه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم تبشیر به خیر و بیم از دوزخ است همانگونه که می فرماید: **{وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا}** <sup>(۴)</sup> ما تو را جز به عنوان بشارت دهنده ( مؤمنان به بهشت ) و بیم دهنده ( کافران به دوزخ ، به سوی مردم ) فرستاده ایم. همانگونه که ابن عباس <sup>(۵)</sup> رضی الله عنه می فرماید: پیامبر اسلام به همه گان فرستاده شده است به انس و به جن چنانکه به سیاه و سفید پوست فرستاده شده اند. <sup>(۶)</sup>

و درجایی دیگری در همین مورد الله متعال میفرماید: **{وَأَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَن بَلَغَ}** <sup>(۷)</sup>. این قرآن به من وحی شده است تا شما و تمام کسانی را که این قرآن بدانها می رسد بدان بیم دهم. اگر پرسشی مطرح شود که هدف از ارسال پیامبران علیه السلام به عنوان مژده دهنده چه خواهد بود، در پاسخ باید نوشت که تا آن حجت و دلیل بر غفلت و بیخبری مردم از شریعت باقی نماند همانگونه که خداوند در این مورد ارشاد فرمودند: **{رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ}**

۱- (الفرقان-۱)

۲- (قرطبی، تفسیر قرطبی ج ۱۳ ص ۲)

۳. (سبأ ۲۹)

۴. (فرقان آیه ۵۶)

۵. عبد الله بن عباس بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف القرشی الهاشمی أبو العباس المدنی پسر کاکای رسول الله صلی الله علیه می باشد، وی صحابی جلیل ترجمان قرآن، مفسر بزرگ و شاگرد مکتب مکه مکرمه بود. وی سه سال قبل از سال فیل در قبیله بنی هاشم چشم به جهان گشود، در سال ۶۸ ه در طائف وفات یافت. وی از تعداد بسیاری از صحابه روایت نموده و تعداد بیشتری نیز از وی روایت نموده اند (ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج ۴ ص ۳۸۰ - ۳۸۳-۳۸۴)

۶. قاسمی، محاسن التأویل ج ۸ ص ۱۴۹

۷- (الانعام-۱۹)

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا} (۱) ما پیغمبران را فرستادیم تا ( مؤمنان را به ثواب ) مژده رسان ، و ( کافران را به عقاب ) بیم دهنده باشند ، و بعد از آمدن پیغمبران حجّت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند ( و نگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می فرستادی ، ایمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می گرفتیم ) . و خداوند غالب و حکیم است.

هدف کلی از انذار در قران کریم سود جویی خردمندان و بیم رسانی بی خردان است، به ویژه آنانیکه دل زنده هستند: {لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ} (۲). هدف از فرستادن پیامبر صلی الله علیه وسلم، این است که (تا افراد زنده و بیدار دل ) را با آن بیم دهد، و بر کافران ( اتمام حجّت شود) فرمان عذاب مسلّم گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از همان نقطه آغازین بعثت به یک نکته همیشه سفارش می ورزید، آنکه خداوند را به تنهایی پرستش نماید، تا آنکه شما را به پیامد نیکو مژده دهم، و از پیامد بد آن بترسانم آنجا که می فرماید: {أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ} (۳) ترجمه: ( ای پیغمبر ! بدیشان بگو : ) این که جز خدا را نپرستید . بیگمان من از سوی خدا بیم دهنده ( کافران به عذاب دوزخ ) و مژده دهنده ( مؤمنان به نعمت بهشت ) هستم. انی سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به قومش است، یعنی شما را از عذاب بیم میدهم که اگر به کفر و شرک ادامه دهید. (۴)

بخاطر آنکه رسول الله صلی الله علیه وسلم مردم را به سوی الله متعال دعوت می نمود وی یگانه چراغ تابناک بی بدیل در آسمان اسلام است همانگونه که پروردگار می فرماید: {وَدَاعِيَ إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا} (۵) و به عنوان دعوت کننده به سوی خدا طبق فرمان الله، و به عنوان چراغ تابان. کسیکه وعده و وعید نهاد و خداوند هستی به وسیله وی نیز انسان را از گمراهی رهانید و به سوی راه راست هدایت فرمود که خود بزرگترین مژده در حق یک مسلمان است. در ضمن این آیات به مسلمانان خطاب می کند که: شما را به رحمت و خشنودی آفریدگار و باغهای پر از نعمت و همیشگی بشارت باد.

۱ ( نساء ۱۶۵ )

۲- (یس-۷۰)

۳. ( هود ۲ )

۴- (اسماعیل، روح البیان، ج ۴ ص ۹۱)

۵. ( احزاب ۴۶ )

## مطلب دوم: انذار به امید هدایت و رهایی:

راهیابی گروهی که پیش از پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از برنامه سعادت بخش و هدایت آفرین الهی آگاه نبوده اند یکی از اهداف انذار است. در مورد الله متعال میفرماید: **{لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ}** (۱) اما (مشرکان) می‌گویند: (محمد صلی الله علیه وآله وسلم) خودش آن را از پیش خود ساخته است (و به دروغ به خدا نسبت داده است) بلکه قرآن (سخن) حقی است که از سوی پروردگارت (بر تو) نازل شده است تا گروهی را (از خشم خدا) بترسانی که پیش از تو پیغمبری برای آنان نیامده است، شاید هدایت یابند (و به سوی حق رهنمود شوند).

عربهایی که پیغمبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم به سویشان روا نه گردیده است، پیش از او پیغمبری به سویشان فرستاده نشده است، و تاریخ بعد از اسماعیل علیه السلام که نیای نخستین عربها است تا روزگار محمد صلی الله علیه وآله وسلم پیغمبری را ثبت و ضبط نکرده است. خداوند بزرگوار این کتاب حق را برای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نازل کرده است تا آنان را بدان بیم بدهد، حتی رسالت ابراهیم تنها به قومش بود هدایت یافتن و رهایی گردیدن ایشان با این کتاب امید می‌رود، چه در این کتاب حقی است که فطرتها و دلها را مخاطب قرار می‌دهد. کسانی که خدا قرآن را بر پیغمبرش صلی الله علیه وآله وسلم نازل کرد تا ایشان را بدان بیم بدهد، همراه خدا معتقد به خداگونه‌ها و معبودهای دیگری بودند.

هدف و فایده دیگری انذار، بیدار ساختن مردمان از خواب غفلت، ایجاد زمینه عبرت آموزی و متذکر ساختن افراد به حقایق فراموش شده است و سرانجام تذکر، رستگاری است، در مورد الله متعال میفرماید: **{لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّنْ نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ}** (۲) تا قومی را (با آنها) بیم دهی که پیش از تو بیم دهنده‌ای (از پیغمبران خدا) به سوی ایشان نیامده است، شاید مایه عبرت و بیداری آنان گردد. اعراب امت امی بودند که بعد از حضرت اسماعیل به آنان کدام پیامبری نیامده بود. (۳)

۱- (السجدة - ۳)

۲- (القصص-۴۶)

۳- (طبری، تفسیر الطبری، ج ۱۸ ص ۵۹۰)

به تائید آن الله متعال میفرماید: **{ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيُنذِرَ أُولَئِكَ الْآلِيَاب }** (۱) این قرآن به عموم مردم ابلاغ می‌گردد تا ترسانده شوند و بدانند که خداوند یکی بیش نیست، و خردمندان (از خواندن قرآن) پند و اندرز گیرند (و خویشان را در پرتو آن از آتش دوزخ دور کنند و به بهشت برسانند. مقصود اساسی از این ابلاغ و رساندن پیام، و از این انذار و ترساندن تمام، این است که مردمان بدانند: **(أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ)** ترجمه: که خداوند یکی بیش نیست. معلوم است که مقصود تنها دانستن مردمان نیست، بلکه مقصود پابرجا داشتن زندگی خودشان بر پایه این دانستن است، هدف پرستش خدای یگانه است، چون خدائی جز او وجود ندارد. اعتقاد به الوهیت یگانه، پایه برنامه کامل زندگی است. اعتقاد نیز تنها عقیده محض مستقر در دلها نیست، حدود عقیده بسی فراخ تر و بالاتر از اعتقاد محض و راکد است که باید به آن توجه جدی داشت.

### مطلب سوم: انذار به افراد فرهیخته:

انذار زمینه ساز تقوا و تقوا مایه یی نیل به رحمت خاص الهی است، یکی از سنت های الهی همان است که پروردگار از جنس انسانها پیام رسانان را با پیام الهی می فرستد تا آنچه که خود می دانند و مردم نمی دانند ابلاغ کنند همانگونه که حضرت نوح علیه السلام به قومش گفت: **{ أَلْبِغْتُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ }** (۳) من مأموریت‌هایی (محوّله از سوی) پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و شما را پند و اندرز می‌دهم و از جانب خدا چیزهایی (به من وحی می‌گردد و) می‌دانم که شما نمی‌دانید. برای مردمان رسالت آسمانی را به ارمغان آورده است. آنچه با خود دارد دلسوزی و امانتداری است. از سوی خدا چیزی را می‌داند که آنان نمی‌دانند.

دعوت نوح به قومش گران آمد و با واکنش شدید مردم روبرو شد تا آنکه خطاب به آنان چنین آمد: **{ أَوْعِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ }** (۴) ترجمه: آیا تعجب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد، تا (از عواقب اعمال خلاف) بیم تان دهد، و (در پرتو این دستور) پرهیزگاری پیشه کنید و شاید مشمول رحمت (الهی) گردید. هدف رسالت، بیم دادن است، بیم دادن برای تحریک دلها با

۱- (ابراهیم - ۵۲)

۲- (الجوزی، زاد المسیر فی علم النفسی، ج ۲ ص ۵۲۲)

۳- (الاعراف ۶۲)

۴- (الاعراف- ۶۳)

احساسات تقوا. دلها برانگیخته شوند و پرهیزگار شوند، آنهم بدست کسیکه از خودشان، به نام صدیق و امین شهرت داشته باشد، و بر زبان خودشان به آنان صحبت نماید.<sup>(۱)</sup> در نهایت امر رحمت الله را بدست آورند، همانگونه که حضرت نوح علیه السلام فراتر از این هدف چیزی نمی خواست، مصلحتی و هدفی فراتر از این هدف بزرگ و سترگ نمی طلبید. نشانه کوری و کوردلی ایشان دوری گرفتن از هدایت، و نپذیرفتن دلسوزی خالصانه و اندرز حکیمانه، و گوش فرا ندادن به بیم دهنده است، در نتیجه حقائق را تکذیب کرده اند و ایمان نیاورده اند، به بیم دهندگان تمسخر کردند تا آنکه جزای استهزاء خویش را مشاهده کردند.

در واقع پیام نوح علیه السلام پیام همه پیامبران به قومش بود، همانگونه که هود علیه السلام به قومش پیرامون دعوت فرمود: ﴿ اُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ - أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلْنَا خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَرَادَّكُمْ فِي الْخَلْقِ بَسْطَةً فَادْكُرُوا آيَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴾<sup>(۲)</sup> من احکام و اوامر پروردگار خود را به شما می رسانم و من اندرزگویی امینی برای شما هستم ( و در آنچه می گویم یکرنگ و راستگویم و از خود چیزی نمی گویم ). آیا تعجب می کنید از این که ( کتاب آسمانی پر ) اندرزی از سوی پروردگارتان بر زبان مردی از خودتان به شما برسد تا شما را بیم دهد . به یاد آورید آن زمانی را که شما را بعد از قوم نوح وارثان زمین کرد و شما را در میان مردمان از سلطنت شکوهمندتر و از مملکت فراختر و از قدرت جسمانی بیشتری برخوردار کرد . پس نعمتهای خدا را به یاد آورید ( و شکر آنها را بگزارید ) باشد که رستگار شوید . همان گونه که نوح برای دعوت به توحید به سوی قوم خود فرستاده شد، حضرت هود علیه السلام نیز به سوی قوم عاد<sup>(۳)</sup> که خودش از آنان بود فرستاده شد. جنیان همان روز با پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم بیعت نمودند و تعدادشان به هفتاد هزار جنی میرسید، تا آنکه هنگام نماز صبح صادق بیعت خاتمه یافت.<sup>(۴)</sup>

یعنی هر آنچه به مصلحت شما باشد در پی آن هستم تا شما را به آن رهنمائی داشته باشم. °تسلیم گمان و خرافه شدن ، سخت زیان آور و خطرناک است ، ولیکن زیانبخش تر و خطرناک تر از آن ، این است که آدمی هر مجهول و نادانسته ای را منکر شود، و غیب را نپذیرد به بهانه ی

<sup>۱</sup>- ( مجموعه از نویسندگان، تفسیر الوسیط، ج ۳ ص ۱۴۵۳ )

<sup>۲</sup>- ( الاعراف - ۶۸ )

<sup>۳</sup>- ( قوم عاد از نسل نوح و از ذریه کسانی بودند که در کشتی همراه نوح بودند. )

<sup>۴</sup>- ( ماوردی، النکت و العیون، ج ۶ ص ۱۲۱ )

اینکه توانائی درک و دسترسی به آن را ندارد، این همان حجت بی ریشه ای بود که کفار در برابر فرستاده شدگان پیشکش می نمودند و با گفته های نا بخردانه عمداً می خواستند فرماندهی و رهبری پیامبران علیه السلام را مورد ایراد قرار دهند، و بدین وسیله خویشان را از انجام وظائفی که بدیشان واگذار می کرد برهانند.

### مطلب چهارم: انذار به شرک جوئی :

یکی از منت های بزرگی خداوند بر ما انسان ها آن است که پیامبران را برانگیخت، چه زیبا آنکه از جنس بنی آدم هستند. عنایتی که خداوند بزرگوار با روانه کردن پیغمبری از سوی خویش به پیش برخی از آفریدگانش نشان میدهد، منتی است که جز از فیض کریم و لطف الهی برنمیجوشد همانگونه که خود می فرماید: **{ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ }** (۳) بی گمان خداوند بر مومنان ( صدر اسلام ) منت نهاد و تفضل کرد بدانگاه که در میانشان پیغمبری از جنس خودشان برانگیخت. این منت تنها به اعراب است و بس، هدف کلی از ارسال آنان همانا رهنمای بندگان الله به راه راست است، تا آنکه همگان را به وسیله کتاب هدایت به سمت و سوی الله سمت و سو دهند و حجتی بر کسی در آخرت باقی نماند همانگونه که خود می فرماید: **{ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ }** (۲) بر آنان آیات او را میخواند و ایشان را پاکیزه میدارد و بدیشان کتاب و حکمت میآموزد. اگر انسان درباره تنها این منت بیندیشد، این منت او را به لرزه و هراس می اندازد تا بدان حد که نمیتواند در برابر خدا قامت خود را راست نگاه دارد. هدف از جمله (وَيُزَكِّيهِمْ).

و ایشان را پاکیزه میدارد یعنی آنان را پاک میکند و بلندشان میدارد و از آلودگیهایشان میزداید. دلها و اندیشه ها و احساساتشان را پاک میدارد. خانه ها و کالاهای و ناموسها و نمازهایشان را پاکیزه مینماید. زندگی و جامعه و نظامشان را تمییز میکند و طهارت می بخشد. آنان را از آلودگیهای شرک و بت پرستی و خرافه و افسانه، و از مراسم و شعائر و عادات و تقالید پستی که انسان و انسانیت را لکه دار و ننگین میکند، میزداید و می پالاید. ایشان را از چرک و کثافت زندگی جاهلی، و از لوث وجود آنچه که افکار و آداب و مفاهیم و معیارها و ارزشها را آلوده میسازد، پاک و پاکیزه میگرداند. (۳)

4- ( سیوطی، الذمیر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۲ ص ۳۶۷ )

5- ( آل عمران ۱۶۴ )

۳- ( سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۲ ص ۸۹ )

از آنجا که شرک اساس کفر و بی باوری را نسبت به اسلام تشکیل میدهد پروردگار آن را گناه نابخشیدنی عنوان نمود که باید اندیشه هارا از آن پاک داشت چنین که می فرماید: { إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا } (۱) (بی گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را ( از کسی ) نمی آمرزد و بلکه پائین تر از آن را از هر کس که بخواهد ( و صلاح بداند ) می بخشد. هر که برای خدا انباز بگیرد، به راستی بسی گمراه گشته است ( و خیلی از حق پرت شده است ). قاعده ه ی قرآنی همین است که انسان نباید بغیر از الله جل جلاله به کسی دیگری دست عاجزی، بیچارگی، مشکل کشایی، جلب منفعت را بلند کند و از او چیزی بخواهد، زیرا به شرک مبتلا می شود. الله متعال حرام پنداشت مغفرت آنکه به شرک بمیرد، همانگونه امیدواری مشرک به مغفرت. (۲)

از آنچه بالا تذکر رفت دیده شد که یکی از اهداف و حکمت از انذار دستور به حفاظت حریم الهی از اعتقادات شرک آمیز، متفرع بر فرمان انذار به پیامبران در مورد نفی معبودی به جز حق ذکر شده است، در مورد الله متعال میفرماید: (يَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ) (۳) خداوند به دستور خود، فرشتگان را همراه با وحی ( آسمانی که حیات بخش انسانها است ) بر هر کس از بندگان ( به نام انبیاء ) که خود بخواهد نازل می کند ( تا به مردم بیاموزند ) که جز من ( که آفریننده جهان و جهانیانم ) خدائی نیست؛ پس ( با انجام حسنات و دوری از سیئات ) از ( غضب و عذاب ) من بپرهیزید. هدف از روح در این آیه قرآن کریم است، و یا آنکه هدف قرآن و سنت هر دو مراد است. روح به معنای وحی است.

### مطلب پنجم: انذار به تخویف:

در قرآن کریم بارها افراد کافر به شیوه های متفاوت تراسنیده میشوند، همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به کفار را چنین می ترساند خداوند فرمودند:

(إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) (۴) ( ما شما را از عذاب نزدیکی بیم می دهیم ( که رخ می دهد در ) آن روزی که انسان همه کارهائی را که کرده است می ببیند ، و انسان کافر فریاد برمی آورد : کاش من خاک می بودم ! هدف از کُنْتُ تُرَابًا : کاش من خاک می بودم ! یعنی شخص کافر از مشاهده این همه عذاب و هول و هراس ، آرزو می کند که کاش از آغاز زاده نمی شدم و از مرحله خاک فراتر نمی رفتم ! یا این که می گوید : ای کاش ! بعد از آن که زادم و انسان شدم و مُردَم ، هرگز پس از مردن و

۲- ( خازن، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۱ ص ۳۵۶ )

۳- (النحل - ۲)

۴. (نبأ ۴۰)

خاك شدن ، زنده شدن در میان نمی بود ، و آن گونه که خودم در دنیا معتقد بودم که رستاخیزی در میان نیست ، همچنان می بود!<sup>۱</sup>

پیامبران همیشه مردم را از عذاب بزرگ بیم میدادند همانگونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم بیم میداد: (إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ) (۲) من می ترسم عذاب روز بزرگ (قیامت) گریبانگیر شما شود. ترس و بیم دبی تنها ویژه کفار نیست بلکه افراد مسلمان از ایساد شدن از حضور پروردگار بیم دارد همانگونه که الله متعال می فرماید: (إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا) (۳) ما (از عذاب) پروردگارمان می ترسیم ؛ از (عذاب) روز بس ترشو و سخت اخموئی (که قیامت نام دارد) .

حتی پیامبر صلی الله علیه وسلم از نافرمانی الله متعال در ترس و هراس است چه رسد به افراد دیگر پروردگار چنین می فرماید: (قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ) (۴) بگو: من (هم مانند سائر انسانهای مال اندیش) اگر نافرمانی پروردگار کنم از عذاب روز بزرگ (قیامت) می ترسم.

#### مطلب ششم: انذار به تهدید:

تهدید برگرفته شده از: هد: خرابی و ویرانی که در اثر سقوط چیز سنگینی حاصل میشود، اما تهدید به بمعنی بیم دادن و ترساندن است. تهدید یکی از راه های دیگری انذار دهی است همانگونه که الله متعال می فرماید: (وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ) (۵) و برای خدا همگونها و همتاهائی (از بتان) قرار داده اند تا (مردمان را) از راه خدا گمراه کنند . (ای پیغمبر! به این کافران) بگو: (از این چند روزه زندگی) بهره و لذت ببرید ، چرا که بازگشت شما به سوی آتش دوزخ است (و در آنجا جز کباب شدن و عذاب دیدن نمی بینید) .

قرآن کریم انسانها را بارها در قرآن کریم تهدید به عذاب میکند به ویژه آنانی را که به خداوند شریک می آورند چنانکه خود می فرماید: (وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا) (۶) چگونه من از چیزی که (بی جان است و بت نام دارد و از روی نادانی) آن را انباز (خدا) می سازید می ترسم؟ و حال آن که شما از این نمی ترسید که برای خداوند (جهان که همه کائنات گواه بر یگانگی او است) چیزی را انباز می سازید که خداوند دلیلی بر (حقانیت پرستش) آن برای شما نفرستاده است؟ پس کدام يك از دو گروه (بت پرست و خداپرست) شایسته تر به امن و امان (و نترسیدن از مجازات یزدان) است ، اگر می دانید (که درست کدام و نادرست کدام است)

حتی هدف از نزول قرآن کریم تهدید کفار به عذاب همیشگی است همانگونه که الله متعال می فرماید: (فِيمَا لَيْنَدِرْ بِأَسَا شَدِيداً مِنْ لَدُنْهُ) (کتابی) که ثابت و پابرجا (و معتدل و مستقیم ، و هم

۱. (خرم دل، مصطفی ج ۱ ص ۶۲۹)

۲. (شعراء ۱۳۵)

۳. (انسان ۱۰)

۴. (انعام ۱۵)

۵. (ابراهیم ۳۰)

۶. (انعام ۸۱)

برپا دارنده جامعه انسانی و پاسدار کتب آسمانی ( است . ( خداوند آن را فرو فرستاده است) تا ( به وسیله آن ، کافران را ) از عذاب شدید ( دنیوی یا اخروی) خود بترسانند.

### مطلب هفتم: انذار به وعید:

یکی از اهداف مقدس کتاب الله و جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم همانا وعده به بهشت و عذاب الهی است، قرآن کریم مشرکین را همیشه به عذاب وعده سپرده است: (لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ) (۱) ( هدف از فرو فرستادن آن ، این است که ) تا افراد زنده ( بیدار دل ) را با آن بیم دهد ، و بر کافران ( اتمام حجّت شود و ) فرمان عذاب مسلّم گردد .

یکی از سنت های الهی است که کفار را سرنگون نموده و جایگزین آنان افراد نیکوکار را مسکن میدهد، همانگونه که در گذشته ها صورت گرفته است خداوند می فرماید: (وَأَنسُكِنْتُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ) (۲) و ما شما را پس از ایشان در سرزمین ( آنان ) سکونت می بخشیم این ( پیروزی ) از آن کسانی است که از جاه و جلال من بترسند و از تهدید من بهراسند. بطور نمونه میتوان از قوم تبع یاد کرد که بخاطر سرکشی و نافرمانی هلاک شدند خداوند نیز می فرماید: (وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمِ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ) (۳) و اصحاب آیکه ، و قوم تبع ، هر يك از آنان ، فرستادگان الهی را تکذیب کردند و وعده عذاب من درباره ایشان تحقق یافت. پس وعده خدا به بهشت و وعید الله متعال به دوزخ کاملاً حق و عملی شدنی است که باید از آن بهراسید.

### مطلب هشتم: انذار بخاطر اتمام حجّت:

هدف و حکمت و فایده یی اساسی دیگر انذار آن است که مردم حجّتی بر خداوند نداشته باشند، بلکه حجّت خداوند، بر آنان تمام گردد هیچ کس همانند الله متعال جایی برای عذرو بهانه باقی نگذاشته است از این رو الله متعال پیامبران را فرستاد و کتاب ها و قوانین را نازل فرمود تا در روز قیامت برای مردم حجّت و بهانه ای نباشد، که برای مان انذار دهنده نبودند، و یا یکی از سنت های پروردگار بخاطر دعوت به توحید است همانگونه که خود میفرماید: ﴿ إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا - وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَاسٍ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (۴) ما به تو ( ای پیغمبر، قرآن و شریعت را ) وحی کردیم ، همانگونه که پیش از تو به نوح و به پیغمبران بعد از او وحی کردیم ، و ( همانگونه که ) به ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، نوادگان ( او که برخی از آنان پیغمبران خدا بودند ) ، عیسی

۱. (یس ۷)

۲. (ابراهیم ۱۴)

۳. (ق آیه ۱۴)

۴. (النساء-۱۶۵)

، ایوب ، یونس ، هارون ، و سلیمان وحی کردیم ، و به داود زبور دادیم . و ما پیغمبران زیادی را روانه کرده ایم که سرگذشت آنان را قبلاً برای تو بیان کرده ایم ، و پیغمبران (دیگر) زیادی را ( به میان مردم روانه کرده ایم ) که سرگذشت آنان را برای تو بیان نکرده ایم . ( و شیوه وحی به موسی این بود که ) خداوند حقیقَةً ( از پشت حجاب بدون واسطه ) با موسی سخن گفت . ما پیغمبران را فرستادیم تا مؤمنان را به ثواب ( مژده رسان ، و ( کافران را به عقاب ) بیم دهنده باشند، و بعد از آمدن پیغمبران حجّت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند ( و نگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می فرستادی ، ایمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می گرفتیم ) . و خدا چیره حکیم است ( و کارهایش از روی حکمت و قدرت انجام می پذیرد).

آیات بالا پیرامون پیامبران صحبت میدارد که جهت بیم دادن و مژده رساندن پیام الهی را با خود به ارمغان آورده اند. کاروان یکتا پرستی است که این چنین برگزیدگانی را از میان مردمان در خود جمع آورده است: نوح ، ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق ، یعقوب ، نوادگان ( یعقوب ) ، عیسی ، ایوب ، یونس ، هارون ، سلیمان ، داود، موسی علیه السلام و کسان دیگری که الله متعال داستان ایشان را برای پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم در قرآن روایت فرموده است، و سایر پیغمبرانی که الله متعال در قرآن برای پیغمبر خود از ایشان صحبت فرموده است پنج تن از آنان عرب بود و بس: مثل: هود، صالح، اسماعیل، شعیب و محمد صلی الله علیه وسلم<sup>۱</sup> کاروان پیامبران از اقوام گوناگون و نژادهای متفاوت هستند، و از سرزمینها و نقاط مختلف فراهم آمده اند، و در دوره ها و زمانهای جداگانه ای به زنجیره این کاروان پیوسته اند. نه حسب و نسبی، و نه نژاد و میهنی ، و نه زمان و محیطی ، آنان را از یکدیگر جدا می سازد. جملگی از سوی آن منبع بزرگوار آمده اند. همگی آن نور راهنما را با خود حمل کرده اند. آنان یکسره برای ادای وظیفه بیم دادن و مژده رساندن آمده اند. همه ایشان کوشیده اند تا زمام قافله بشریت را بگیرند و به سوی آن نور ببرند.

هدف دیگر آنکه تا بعد از آمدن پیغمبران حجّت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند و نگویند که اگر پیغمبری به سوی ما می فرستادی ، ایمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می گرفتیم اگر الله متعال پیامبرانش را به سوی مردم نمی فرستاد، مردم در روز قیامت با الله متعال وارد جدال می شدند و می گفتند: چگونه ما را عذاب می دهی و به دوزخ می اندازی درحالی که کسی رانزدهما نفرستادی تا برنامه ات را به ما ابلاغ کند، طوری که الله متعال میفرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّا

<sup>۱</sup> - (قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۶ ص ۱۶)

أَهْلُكُنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نُنزَلَ وَنُخزَى (١) اگر ما پیش از نزول قرآن و آمدن پیغمبر اسلام ایشان را با عذابی نابود می کردیم روز قیامت می گفتند: پروردگار! چرا در دنیا پیغمبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آن که در آخرت خوار و رسوا شویم و به دوزخ گرفتار آئیم.

از آنجا که خدا میداند خردی که به انسانها بخشیده است خود به تنهایی دستگاه ناقص و ابزار ناتوانی برای دستیابی به هدایت است، و جز در پرتو رهنمود و یاری و دستگیری وحی آسمانی راهیاب نمی گردد، حکمت و رحمت خداوند بر آن قرار گرفته است که پیغمبران را به میان انسانها بفرستد، و مردمان را مؤاخذه و بازخو است نفرماید مگر آنگاه که پیام آسمانی به گوش آنان برسد و اوامر یزدان بدیشان ابلاغ گردد: { وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا } (٢) و ما (هیچ شخص و قومی را) مجازات نخواهیم کرد، مگر این که پیغمبری (برای آنان مبعوث و) روان سازیم یعنی الله هیچ قریه ظالم را قبل از ارسال پیامبران برای شان هلاک نخواهد کرد. (٣) بعثت پیغمبران یکی از بدیهیاتی است که از این نصّ قرآنی جلوه گر می آید. تازه اگر از بدیهیّات آن نباشد، یکی از مقضیات قطعی و حتمی بشمار است. مراد این است که عذاب بدون بیان صحیح نیست، و این است که خداوند ستمگران و منحرفان را کیفر نمی دهد، مگر این که پیغمبری را به میانشان بفرستد تا راه و چاه را بدیشان بنمایاند. ین هم مرحمت خدا است در حق بندگان که ایشان را عذاب و عقاب نرساند مگر این که قبلاً عذرایشان را با فرستادن پیغمبری به میان ایشان بخواهد، و آنان را با آئین آسمانی آشنا سازد.

در روز قیامت وقتی که الله متعال از اولین تا آخرین انسان را جمع می کند برای هرامتی پیامبرش را حاضر می نماید تا علیه آنها شهادت دهد به این که رسالت پروردگارش را به آن قوم ابلاغ و حجت را برای شان تمام کرده است در این مورد نیز الله متعالی میفرماید: { فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا يَوْمَئِذٍ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تَسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا } (٤) ای محمد حال اینان چگونه خواهد بود آن گاه که از هر ملتی گواهی از پیغمبران برای شهادت بر قوم خود بیاوریم و تورا نیز به عنوان شاهدی بر قومت از جمله اینان بیاوریم. در آن روز کسانی که کفر را برگزیده و از فرمان پیغمبر سر

١- (طه-١٣٤)

٢- (اسراء ١٥)

٣- (شکوکانی، فتح القدیر، ج ٢ ص ١٨٦)

٤- (النساء-٤١-٤٢)

بر تافته اند دوست می دارند که کاش همگان گونه که مردگان را در خاک دفن می کنند و خاک بر پیکرشان می ریزند، ایشان را نیز در دل خاک دفن می کردند و زمین مزار ایشان را بر روی آنان صاف می کردند و همچون مردگان در خاک پنهان می شدند و چنین شرمندگی و درد و رنجی را نمی دیدند در آنروز آنان نمی توانند کردار یا گفتاری را از الله متعال پنهان سازند، بناء آرزو میکنند کاش همانند حیوان، و یا مردگان میبودند که همسان زمین از آنان پرسیده نمیشد. هدف آنکه در روز قیامت از هر ملّتی شاهدهی را حاضر می آوریم که قبلاً پیغمبرشان بوده است و هم اینک باید بر آنان گواهی دهد، و تو را نیز حاضر می سازیم تا شاهد اینان باشی و بر ایشان گواهی دهی. هر ملّتی حاضر و نمایان است. برای هر ملّتی هم شاهدهی است، که گواه بر اعمالشان است، کسانی را می بینیم که ایستاده اند و در صحنه نگاه داشته شده اند، در حالی که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بر پای خاسته است و به گواهی پرداخته است، آنچه گریبا نگیر کفار و مشرکین می گردد، خواری و رسوائی و شرمندگی و پشیمانی است و بس! اقرار به گناهان و اعتراف به بدیها و پستی ها است! اما در این روز دیگر پشیمانی سودی ندارد و اقرار و اعتراف بی بها و بی فایده است! به تاکید آیه قبلی الله متعال فرمودند: **{وَيَوْمَ نُبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيداً عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيداً عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَاناً لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ}**(<sup>۲</sup>) روزی که در میان هر ملّتی گواهی از خودشان بر آنان می گماریم که در دنیا پیغمبرشان بوده است و تو را ای محمد بر اینان که هم اکنون در جهان هستند و یا این که بعد ها به وجود می آیند گواه می گیریم و از تو درباره عملکرد مسلمانان به قرآن و دوری گزیدنشان از آن می پرسیم قرآنی که برنامه کامل و جامعی دربر دارد.

شهادت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم به عنوان گواه بر آنان می ایستد، از این رو کسانی که از پیروی پیامبران سرپیچی کرده اند و نسبت به راه و روش آن ها روی گردان شده اند وقتی در دنیا مورد عذاب الهی قرار گرفته اند قطعاً چاره یی جز اعتراف به ظلم و ستم خود نداشته اند، در این مورد الله متعال میفرماید: **{وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۱۱ فَلَمَّا أَحْسَبُوا أَنَّهَا بَأْسُنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ۱۲**

<sup>۱</sup>- (سخاوی، مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ۸۴)  
<sup>۲</sup>- (النحل-۸۹)

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاءِلِكُمْ لَعَّكُم تَسْأَلُونَ 13 قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ 14 فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيداً خَامِدِينَ 15} (۱)

چه بسیار شهرها و آبادی هایی که مردمش ستمگر بودند و آن ها را در هم کوبیدیم و پس از آنان نسل های دیگری پدید آوردیم آنان هنگامیکه عذاب ماه را احساس می کردند ناگهان پای به فرار می گذاشتند، اما به عنوان تمسخر و استهزاء برایشان گفته شد: نگریزید، و به سوی زندگانی پر ناز و نعمتی که در آن بسر می بردید و به سوی کاخ های پرزرق و برق خویش باز گردید، شاید خدمتگزاران و اطرافیان تان به شما نیاز داشته باشند و از شما کمکی و چیزی خواسته شود و به رأی و نظر تان محتاج باشند. می گویند: وای بر ما ما ستمگر بوده ایم و با کفر ورزیدن بر خود ستم کرده ایم و اینک در آتش می سوزیم، پیوسته این فریاد ایشان خواهد بود و «وای بر ما» را تکرار می کنند تا این که آنان را ریشه کن و نابود می کنیم، همچنین وقتی در قیامت به سوی سرنوشت وحشتناک خویش سوق داده می شوند و قبل از انداخته شدن به دوزخ از آن ها در مورد گناهان شان سوال شود، زبان اعتراف می گشایند.

همچنان الله متعال میفرماید: ﴿تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ 8 قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ 9 وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ 10 فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسُحْقاً لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ﴾ (۲) دوزخ از شدت خشم بر ایشان نزدیک است پاره پاره شود، هر زمان که گروهی بدان انداخته می شوند، خازنان دوزخ از آنان می پرسند: آیا پیغمبر هشدار دهنده ای به میان شما نیامده بود تا شما را از چنین روزی بترساند. می گویند: آری پیغمبران هشدار دهنده ای به میان ما آمدند ولی ما انکار کردیم و به پیامبران گفتیم: الله متعال به هیچ وجه چیزی را به نام وحی برای کسی نفرستاده است و شما در گمراهی بزرگی هستید. و می گویند: اگر گوش می کردیم یا می اندیشیدیم هرگز از زمره دوزخیان نمی گشتیم این گونه است که به گناه خود اعتراف می کنند پس

۱- (الانبیاء-۱۱-۱۵)

۲- (الملك-۸-۱۱)

دوری از رحمت الله متعال بهره دوزخیان باد. سحق وادی در دوزخ است، و یا آنکه به معنای بعدا آمده است.<sup>۱</sup> هدف از نذیر، یعنی پیامبر که شما را از عذاب الله بیم میداد.<sup>۲</sup> و هنگامی که در آتش دوزخ از هر سو عذاب آنها را احاطه می کند و فریاد می کشند نگهبانان جهنم به آن ها می گویند: **{قَالُوا أَوْلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ}**(۳) نگهبانان دوزخ به آنان می گویند: آیا پیغمبران شما دلایل روشن را برای شما نیاوردند. می گویند: آری. می گویند: پس برای نجات تان هر چه می خواهید دعا کنید، ولی دعای کافران به جایی نمی رسد و بی فایده است و جز سردرگمی نتیجه ندارد.<sup>(۴)</sup>

---

<sup>۱</sup>- (طبری، تفسیر الطبری، ج ۲۳ ص ۱۲۶)

<sup>۲</sup>- (نسفی، مدارک النزیل، ج ۳ ص ۵۱۳)

<sup>۳</sup>- (الغافر - ۵۰)

<sup>۴</sup>- (ابو محمد حسین بن مسعود بغوی، مولف: تفسیر البغوی، ج ۴ ص ۱۱۵)

## فصل دوم

### انذار دهندگان و گستره (وسعت) انذار

#### مبحث اول

#### انذار دهندگان در قرآن کریم:

قرآن کریم بشارت ها و مژده ها را گاه با صراحت بیان فرمود، و گاه در قالب کنایه و اشارت. اگر پرسشی مطرح شود که هدف از ارسال پیامبران علیه السلام به عنوان داعی الی الحق چه خواهد بود، در پاسخ باید نوشت که تا آن حجت و دلیل بر غفلت و بیخبری مردم از شریعت باقی نماند همانگونه که خداوند در این مورد ارشاد فرمودند: **{رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَاسٍ لِّئَلَّا يُكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةً بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا}** (۱) ما پیامبران را فرستادیم تا ( مؤمنان را به ثواب ) مژده رسان ، و ( کافران را به عقاب ) بیم دهنده باشند ، و بعد از آمدن پیامبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند ( و نگویند که اگر پیامبری به سوی ما می فرستادی ، ایمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می گرفتیم ) . و خدا چیره حکیم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از همان نقطه آغازین بعثت به یک نکته همیشه سفارش می ورزید، آنکه خداوند را به تنهایی پرستش نماید، تا آنکه شما را به پیامد نیکو مژده دهد، و از پیامد بد آن بترسانم آنجا که می فرماید: **{أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ}** ( ۲ ) ( ای پیامبر ! بدیشان بگو: ) این که جز خدا را نپرستید . بیگمان من از سوی خدا بیم دهنده ( کافران به عذاب دوزخ ) و مژده دهنده ( مؤمنان به نعمت بهشت ) هستم. این هشدار بزرگ است برای کفار است. مردمان را از عذاب دوزخ بیم میدهد، همانگونه که آنان را به بهشت آنان را بشارت میدهد، ضمیر راجع به سوی الله متعال است. (۳)

از آنجا که هیچ کس چون خدا معذرت خواهی را دوست ندارد، از این رو خداوند پیامبران را فرستاده و کتابهایش را نازل کرد تا در روز قیامت برای مردم حجت و بهانه ای نباشد که ما از آمدن پیامبران خبر نداشتیم. ( ۴ ) بعد از آمدن پیامبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی

۱- (نساء ۱۶۵)

۲. (هود ۲)

۳- (محمد بن علی بن محمد شوکانی ملقب به بدرالدین شوکانی، مولف: فتح القدير، ج ۲ ص ۵۴۶)

۴. (شوکانی، فتح القدير، ج ۱ ص ۶۲۱)

نماند. تا آنکه نگویند که اگر پیامبری به سوی ما می فرستادی ، ایمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می گرفتیم، و اصلاً گمراه نمیشدیم و به دوزخ افکنده نمی شدیم.<sup>۱</sup>

قرآن کریم بهترین تکیه گاه و نیکوترین وسیله تبشیر و تنذیر است که باید بخاطر رسانیدن پیام خداوند از آن استفاده برده شود: **{فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِهِ لِسَانَكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا}** (۲) ما قرآن را به زبان تو ( که عربی است ) ساده و آسان فراهم آورده ایم ، تا به وسیله آن ، پرهیزگاران را ( به رضا و نعمت خدای مهربان ) مژده دهی ، و مردمان سرسخت ( دشمن حق و طرفدار باطل ) را با آن ( از ناخوشنودی و عذاب پروردگار ) بترسانی . هدف از قوم لد سه توجیح است، مردم فاجر، خصومت جویان، جدل در باطل، یعنی کسانی که به ناحق خصومت، جدل نموده و فاجر هستند. (۳)

اخبار قرآن از پیامبران گذشته نیز چنین نشان می دهد که آنان از والاترین مردم در میان قبایل خویش از نظر منزلت و جایگاه خانواده خود بودند. و بخاطر نشر و بخش حقایق به پا برخاستند و پیام الهی را به قوم و قبائل خویش رسانیدند، گاه گاه معجزه های دست داشته های شان را به مردم به نمایش گذاشتند اما تعدادی از آنان اطاعت نموده به آنان ایمان آورد ولی تعداد دیگری از آنان فاصله گرفتند و به تهدید آنان قدم برداشتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نیز در برابر مشرکین به پا برخاست و آنان را از عذاب آخرت بیم میداد، همانگونه که آنان را به سوی خداوند فرا می خواند آنجا که خداوند می فرماید: **{وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَّلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا}** ( ۴ ) ما قرآن را با ( ماده و محتوای ) حق نازل کرده ایم ، و نازل شده است تا حق را ( در زمین ) پابرجا کند ، و تو را جز به عنوان نویدرسان و بیم دهنده نفرستاده ایم . هدف از **بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ**: قرآن را همراه با احکام و دستورات حق فرستاده ایم و گمانی در آن نیست. مراد از **بِالْحَقِّ نَزَّلَ**: برای پیاده کردن حق آمده است. قابل یاد آوری است که در قرآن کریم اطلاق انذار به دونوع شده است که در مطالبی ذیل موارد انرا ذکر می نمایم. (۵)

۱. ( شهاب الدین محمود بن عبدالله الوسی، مؤلف: روح المعانی ج ۷ ص ۳۷۸ )

۲. ( مریم ۹۷ )

۳. ماوردی، ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب البصری البغدادی، مشهور به ماوردی، النکت و العیون ، انتشارات دار الکتب العلمیة - بیروت لبنان، سال نشر: ۲۰۰۴ م ج ۳ ص ۳۹۱ (إسراء ۱۰۵)

۴- ( ابو حیان، البحر المحیط، ج ۷ ص ۱۲۲ ) .

## مطلب اول: انذار دهنده الله جل جلاله:

در این شکی نیست که الله جل جلاله مُنذِر بوده برای بندگان در اصل و دیگران نیز در مورد تابع ذات وی می باشند، روی این منظور رسول الله صلی الله علیه و سلم به فرمان الله متعال به دیگران بیم رسانی میکند، در واقع همان انذار که از جانب الله به پیامبرش رسانیده میشود وحی است، شبیه همان رفتار، گفتار مسلمانان به یکدیگر پیرامون مسائلی انذاری نیز بر گرفته شده است کتاب الله است، که پروردگار در آیه های بیشماری به ما دستور داده است تا با قرآن کریم به دیگران بیم رسانی و مژده دهی نمائیم. در یکی از آیه های قرآنی پروردگار انذار را وابسته به خود دانسته چنین ارشاد می فرماید: **{فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى}** (۱) من شما را از آتش هولناکی بیم می‌دهم که شعله ور می‌شود و زبانه می‌کشد. در این آیه پروردگار بیان داشته و روشن گردانیده که انذار به بندگان را بر خود واجب فرموده است. من شما را از آتشی بر حذر می دارم که تلظی شعله و زبانه میزند. (۲)

از سوی دیگر پروردگار همگان را از عذاب روز قیامت بیم میدهد که بسیار نزدیک است آنجا که می فرماید: **{إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا}** (۳) ما شما را از عذاب نزدیکی بیم می‌دهیم ( که رخ می‌دهد در) آن روزی که انسان همه کارهائی را که کرده است می‌بیند، و انسان کافر فریاد برمی‌آورد که: ای کاش من خاک می‌بودم. سوره عمه با پیام بلند و بالائی خاتمه می یابد، پیامیکه حقیقت آن والا، و صحنه عرضه آن بالاتر است. بیم دادن و برحذر داشتن و اندرز دادن و نصیحت کردن به افرادی که به بیراهه در حرکت اند.

در آیه دیگری پروردگار انذار را وابسته به قرآن کریم میداند، یعنی هدف از ارسال قرآن همانا انذار همگانی است، تا آنکه مردم از عالم غیب آگاهی یافته و از کج روی ها بهراسند آنجا که می فرماید: **{إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ}** (۴) ما قرآن را در شب پرخیر و برکتی فرو فرستاده‌ایم. ما همواره بیم‌دهنده ( کافران و مشرکان و ظالمان، با ارسال پیامبران به طرف شان )

۱- (اللیل - ۱۴)

۲- ( قرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۲۰، ص ۸۶)

۳- (النبا - ۴۰)

۴- (الدخان - ۳)

بوده‌ایم ( و کتابها برایشان فرو فرستاده‌ایم. یعنی قرآن را در شب قدر بیکباریگی فرو فرستادیم، سپس به شکل تدریجی در ماهها و روزها نازل شد. (۱)

این قرآن هم آخرین حلقه از این سلسله است. آن کسانی که نخستین بار قرآن کریم برایشان نازل گردید زیر حمایت کامل پروردگار زندگی کردند. مستقیماً با الله متعال تماس و پیوند داشتند. پروردگار ایشان را پیش از هر چیز با خودشان آشنا و از خودشان آگاه کرد، و قبل از هر چیز بدیشان فهماند و آگاهشان کرد که آنان را می بیند، و بر ایشان نظارت می نماید. در هر حرکتی و در هر چیزی که بر دل‌هایشان می گذشت آگاه است، همانگونه که آنان را اطمینان داد که او نزدیک است و به فریادشان می رسد.

پس مبدأ اصلی انذار، ذات اقدس الهی است و انذار بالاصاله به او منتسب است: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبْرَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾ (۲) ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انذارکننده بوده‌ایم. باز هم شیوه قرآنی بخاطر انذار بهتر به آن پسنده نکرد در آیه دیگری عذاب را بسیار جدی و نزدیک خواند آنجا که می فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا﴾ (۳) و ما شما را از عذاب نزدیکی بیم دادیم.

اگرچه براساس آیات یاد شده انذار افزون بر پیامبران به گروهها و امور دیگری نیز نسبت داده شده است اما پیامبران و به ویژه نقش پیامبر خاتم، حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در این انذار مهم بوده است. انذار به کفار قریش انانکه منکر از زنده شدن بعد از مرگ هستند، عذابیکه بسیار نزدیک است، یعنی هر آنچه در آینده به وقوع بپیوندد بسیار نزدیک است؛ پروردگار در آیه های بی‌شمار پیرامون عالم غیب صحبت کرد، و همگان را فرمان داد تا در آیه های قرآنی باندیشند، اما آنانیکه از نگرستن و تدبر به آیات قرآن غافل گردند، الله متعال آنان را گمراه می سازد، و کسانی را که او گمراه بسازد، هیچ شخص دیگری نمی تواند ایشان را هدایت دهد و یا به راه راست رهنمود کند. پس الله خوب آگاه از غفلت این انسان و فراموشکار است.

### **مطلب دوم: انذار دهنده انبیاء علیهم الصلوة والسلام:**

یکی از وظایف بزرگ پیامبران و یا هدف اساسی از بعثت آنان همانا مزده دهی و بیم رسانی به انسان ها بود، همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اسوه و الگوی امت محمدی است ،

۱- ( محمد بن جریر طبری مؤلف:، تفسیر الطبری، ج ۳ ص ۴۴۸ )

۲- (الدخان-۳)

۳- (النباء-۴۰)

۴- ( صابونی، صفوه التفسیر، ج ۳ ص ۴۸۵ )

همانگونه که امت محمدی اسوه و الگوی مردم جهان اند. امتی که با داشتن والاترین آئین مقیاس و الگویی برای سنجش شخصیت و فضیلت در میان همه امتهای هستند. لذا پیدا است که چه مسؤولیت بزرگ و وظیفه سترگی بر عهده پیامبران پیروان آنان گماشته شده است، پس تاثیر الگوپذیری از رسول الله در زندگی ما نقش مهمی را ایفا می نماید.

وابستگی با پیامبران باعث قبولیت عمل میگردد همانگونه که رسول الله صلی الله علیه وسلم مطابق وحی عمل می نمود، بناء همگام بودن با پیامبر باعث قبولیت عمل نزد الله می شود زیرا فرمانبرداری از پیامبران باعث رضایت و اطاعت از الله متعال است، همانگونه که می فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ} (۱) ای مؤمنان! از خدا و پیامبر اطاعت کنید، و کارهای خود را (با انجام معاصی) باطل مگردانید. فرمانبرداری از پیامبر در واقع اطاعت از کتاب و سنت است.<sup>۲</sup> وسیله دوستی و فرمان برداری از الله، سپس از پیامبرش زمینه مغفرت را فراهم میکند، تاثیر مثبت دیگر الگوگیری از پیامبران، به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم همانا الگوگیری از مرد و مردانگی و نشانی آشکار از منزلت والای اخلاقی و محبت می باشد، کسیکه از روی محبت و دوستی با او برخورد می نمود سلام می کرد تا ترشروی و بی محبتی بر مهر و دوستی پیشی نگیرد، تا آنکه محبت الله و فرستاده وی به قلب ها خانه کند، و در نقش قدم آنان قدم گذاشتن را فضیلت دانند، آنگاه است که رضایت الله بدست می آید: {قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ} (۳) بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است. جمال مردانه و کمال انسانی رسول خدا حکایت از محبت دارد و گویای آن است که همه صفات او به گونه ای بود که نگاه هر بیننده ای را به سوی خود می کشید که چشم از او بر نمی داشت. به همین سبب نیز کسانی که دل از همه چیز عاری داشتند در اولین برخورد بدون هیچ کینه و حسدی به او نگاه می کردند و مشتاقش می شدند.

پیامد فرمانبرداری و ترس از انذار پیامبران به ویژه پیامبر الله خلیفها نیکو است، همانگونه که همصحبتی و فرمانبرداری از رسول الله صلی الله علیه وسلم وسیله خوشنودی خداوند را فراهم می آورد، خدایکه نیکوکاران را باهم در سرای آخرت حشر و محشور میدارد، تنها راه رسیدن با آنان به انذار آنان گوش فرا دادن است، و به مژده های آنان خرسند بودن است، از آنچه میگویند

۱. (محمد ۲۳)

۲. (طبری، تفسیر الطبری، ج ۸ ص ۴۹۸)

۳. (آل عمران ۳۱)

اطاعت کردن و از آنچه نهی می فرمایند دوری جستن است، پس اطاعت از الله در واقع اطاعت از رسول الله است: ﴿وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾ (۱) و کسی که از خدا و پیامبر ( با تسلیم در برابر فرمان آنان و رضا به حکم ایشان ) اطاعت کند ، او ( در روز رستاخیز به بهشت رود و همراه و ) همنشین کسانی خواهد بود که خداوند بدیشان نعمت ( هدایت ) داده است ( آنان عبارتند ) از پیامبران و راستروان و شهیدان و شایستگان ( یعنی سایر بندگان که درون و بیرونشان به زیور طاعت و عبادت آراسته شد ) ، و آنان چه اندازه دوستان خوبی هستند !

گوش فرا دادن به اذار های الهی و نبوی باعث کامیابی دارین میشود: از شیوه رفتار و گفتار پیامبران بر می آید که آنان بهترین افراد و برگزیده گان خدوندی هستند، چرا که او کسی است خداوند او را تربیت کرده و برای بشریتش قده و الگو قرار داده است. رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم زیباترین نمونه و مثل سخاوت و کرم و جودت را برای بشریت رقم زده است، و پروردگار بارها در قرآن کریم به اطاعت و فرمان برداری از وی و از سایر پیامبران سفارش نموده و مسئولیت آنان در قبال مردم بسیار مهم دانسته و بارها می فرماید که وظیفه آنان رسماً اذار و تبشیر است، همانگونه که می فرماید: ﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (۲) ما پیامبران را فرستادیم تا ( مؤمنان را به ثواب ) مژده برساند، و ( کافران را به عقاب ) بیم‌دهنده باشند، و بعد از آمدن پیامبران حجت و دلیلی بر خدا برای مردمان باقی نماند (و نگویند که اگر پیامبری به سوی ما می فرستادی، ایمان می آوردیم و راه طاعت و عبادت در پیش می گرفتیم ) و خداوند غالب و حکیم است ( و کارهایش از روی قدرت و حکمت انجام می پذیرد. یعنی بدون حجت و برهان اگر آنان عذاب ببینند حتما در روز آخرت میگویند که پروردگار اگر بر ما رسول می فرستی به آنان ایمان می آوردیم و سزاوار بهشت هم میشدیم. <sup>۳</sup>

استحکام رابطه دوستی با پیامبر وسیله رفتن به بهشت فراهم میکند: حضرت رسول اکرم، قائد اعظم، از چنان ویژگی های معنوی و ظاهری، و کمالات و امتیازات، و شکوهمندی ها و فضیلت ها، و مکارم اخلاق و محاسن اعمال برخوردار بودند که همه دلها به هوای ایشان به پرواز درمی آمد، و همه جان خودشان را فدای او می کردند؛ همینکه سخن از دهان مبارک

۱. ( نساء ۶۹ )

۲- (النساء-۱۶۵)

۳- ( رازی، مفاتیح الغیب ج ۲۰ ص ۳۱۲ )

آنحضرت درمی آمد؛ صحابه گرامی ایشان فوراً امتثال می کردند؛ و همینکه راهنمایی و توصیه ای از ناحیه آنحضرت صادر می شد، برای اجرای آن از یکدیگر سبقت می گرفتند. ۱. کسیکه از الله و رسولش به اندازه توان و طاقت خویش فرما بردارد خداوند وی را وارد بهشت نموده و اما کسیکه از وی روی گردانی نماید او را وارد دوزخ می نماید.

با در نظر داشت همه موارد بالا خداوند پیامبرش را الگو و سرمشقی یگانه برای امتیانش برگزید همان زیبای نیکو و سرشت نیکوی وی باعث شد که پروردگار وی را بهترین قده و الگو بخواند آجا که فرمودند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (۲) مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. پیامبر بهترین الگو از برای صاحبان اندیشه و خردمندان است که بتوانند از طرز رفتار و گفتار وی سود ببرند. ۳. ابن عباس رضی الله عنه گفته است که رسول الله صلی الله علیه و سلم بهترین قده برای کسانی است که ثواب آخرت را از درگاه ایزد منان استدعاء نموده و از روز بعثت در هراس هستند. همانگونه که خداوند را به کثرت یاد میکنند؛ همان پیامبریکه نه ادعای خدایی میکند و غیب فهمی، تنها مردم را بسوی خدا فرا می خواند و مسئولیتش را در قبال مردم درک نموده است آنجا که می فرماید ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (۴) بگو: من مالک سودی و زیانی برای خود نیستم، مگر آن مقداری که خدا بخواهد و (از راه لطف بر جلب نفع یا دفع شر، مالک و مقتدرم گرداند) اگر غیب می دانستم، قطعاً منافع فراوانی نصیب خود می کردم (چرا که با اسباب آن آشنا بودم) و اصلاً شرّ و بلا به من نمی رسد (چرا که از موجبات آن آگاه بودم. حال که از اسباب خیرات و برکات و از موجبات آفات و مضرات بی خبرم، چگونه از وقوع قیامت آگاه خواهم بود؟) من کسی جز بیم دهنده و مرده دهنده مؤمنان (به عذاب و ثواب الله) نمی باشم.

پیامبران، که اندازگران الهی هستند، این وظیفه بزرگ و ستودنی را از جانب الله دریافتند، و از جایگاه ویژه ای برخوردار اند، همانگونه که الله متعال در برخی آیات هدف از برانگیختن

۱. (شهبه، حمد بن محمد بن سولیم أبو شهبه، السیرة النبویة علی ضوء القرآن والسنة، ناشر: دار القلم - دمشق، سال نشر: ۱۴۲۷ هـ ج ۱

ص ۳۲)

۲. (احزاب ۲۱)

۳. الوسی، روح المعانی ج ۸ ص ۵۸۸)

۴. (خازن، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۳ ص ۴۱۸)

۵- (الاعراف - ۱۸۸)

پیامبران، نزول وحی و فرستادن قرآن، بشارت و بیم دادن مردم معرفی شده است. طوریکه می فرماید: **{وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ}** (۱) ما پیامبران را جز (به عنوان) بشارت دهنده و بیم دهنده، نمی فرستیم. بناء از این دانسته می شود که: هر کس که این قرآن بدو برسد، و با زبانی که آن را بداند به معنی قرآن پی ببرد و محتوای آن را درک کند، حجت یزدان به وسیله قرآن بر او ثابت می شود. اگر بعد از رسیدن قرآن بدو سرکشی کند و آن را دروغ بخواند، سزاوار عذاب می گردد. زیرا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم به اطلاع ایشان می رساند که وظیفه اش تنها رسانیدن پیام الهی است. به تائید آیه قبلی در آیه دیگری نیز شبیه همان آیه قبلی آمده است که: **{وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ}** (۲) این قرآن بر من وحی شده، تا شما و تمام کسانی را که این قرآن به آنها می رسد، بیم دهم (و از مخالفت فرمان خدا بترسانم).

ارشادات پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم نه تنها در صلح بلکه در جنگ و انذار نیز خالی از حکمت نبود، جنگهای رسول خدا صلی الله علیه وسلم جنگها و انذار دهی اسوه و الگو و مبتنی بر فضیلت بوده که به انسان می آموزد چگونه می تواند هم يك انسان با فضیلت و هم يك رزمنده و جنگجو باشد و چگونه در همان حال که شمشیرها بر هم اصطکاک می یابد انسانیت می تواند محترم شمرده شود. جنگهای رسول الله و کسانی که در پرتو هدایت او راه می سپرند و او را در جنگ و صلح اسوه خود قرار می دهند نوعی عبادت است، چرا که اعتلای حق و تلاش و جنگ در این راه عبادت شمرده می شود زیرا فرمان پروردگار بود که: **{إِنَّمَا أَنْتَ نَذِيرٌ}** (۳) {تو فقط بیم دهنده ای}.

از آغاز دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم دعوتش را عمومیت داده، مردم را میان پذیرش اسلام که حقیقت و اصول و ارکان آن را بر ایشان روشن ساخته بود، و یا صلح مخیر قرار می داد، همانگونه که در برابر آزار و اذیت پیشتر بردبار و پر حوصله و آرام بود، تا آنکه اجازه جهاد و کشتار کفار بمیان آمد، زیرا خطاب پروردگار بود که به مردم بگوید: **{قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ}** (۴) بگو ای مردم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم! اما زمانیکه مسئله

۱- (الانعام-۴۸)

۲- (الانعام- ۱۹)

۳- (هود- ۱۲)

۴- (الحج- ۴۹)

جدی تر میشود، {إِنَّهُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ} (۱) او فقط بیم‌دهنده شما در برابر عذاب شدید (الهی) است. عذابی که بسیار زودتر فرا خواهد رسید. گامی جلوتر از آن عذاب، بیم‌دهنده‌ای پیشی گرفته است، تا نجات دهد هر که را که بشنود و بپذیرد. همانند کس که فریاد برآورد و دیگران را از آتشی بر حذر دارد که واگیر است. سپس در جای دیگری نیز آمده است: {فَإِنِّي نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ} من بیم‌دهنده شما هستم، رویاروی من عذاب سختی قرار گرفته است (آن اندازه نزدیک است که هر آن به انسان برسد). ابولهب گفت: از همین حالا تا غروب مرگت باد! آیا ما را برای این کار دعوت کرده‌ای و به فریاد خوانده‌ای؟! خداوند نازل فرمود: (تبت یدا ابي لهب وتب . . .) یعنی: نابود باد ابولهب! و حتماً هم نابود می‌گردد. { (۲) داستان این ماجرای بسیار طولانی است،

### مطلب سوم: انذار دهنده قرآن کریم:

از آنجا که قرآن کریم با فطرت سلیم انسانی سازگاری نزدیک دارد، و همیشه با منطق فطری واقعی ساده در پیچیده‌ترین مسائل با آن به خطاب می‌پردازد. بناء سخن پیرامون انذار و تبشیر نیز در شریینی‌های قرآنی می‌افزاید و مایه دلگرمی مومنین و سردرگمی کفار قرار می‌گیرد، پس قرآن کریم در آیه کفار را به مناظره فرا میخواند، سپس قرآن کریم را وسیله انذار همگانی معرفی نموده و آن را وسیله آمرش و تقرب به خداوند می‌داند آنجا که می‌فرماید: {قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ} (۳) ای پیامبر! به کسانی که بر رسالت تو گواهی می‌خواهند (بگو: بالاترین گواهی گواهی کیست) تا او بر صدق نبوت من گواهی دهد؟ (بگو: خدا میان من و شما گواه است) (بهترین دلیل آن این است که) این قرآن به من وحی شده است تا شما و تمام کسانی را که این قرآن بدانها می‌رسد بدان بیم‌دهم. هدف آنکه قرآن جهت انذار و بشارت نازل آمده است، تا به وسیله قرآن کریم اهل مکه و آنانکه در اطراف مکه اند تا قیام قیامت بیم داده شوند. (۴)

روند انذار قرآنی تغییر جهت میدهد، همانگونه که همگان هویدا است قرآن کریم از جانب الله نظر به شرایط و وضعیت همان وقت اندک اندک نازل می‌گردد. در پاره‌ای از آیت می‌آید که رسالت اسلام برای جملگی مردمان است، خدا یگانه و یکتا است، خدا فرزند و شریک ندارد.

۱- (السبا-۴۶)

۲- (طبری، تفسیر الطبری، ج ۲۴ ص ۶۷۷)

۳- (الانعام-۱۹)

۴- (ابو حیان، الحبر المحيط، ج ۴ ص ۴۶۰)

خدا مالک سراسر این جهان هستی است، این جهان هستی با حکمت و تدبیر و تقدیر او اداره می شود... با وجود همه اینها مشرکان شرک می ورزند، و افراد مفتری افتراء می زنند، و به انذار پیامبر تعدادی توجه جدی نمیکنند بناء قرآن کریم یکبار دیگر به همگان ابلاغ می نماید که: **(تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا)**<sup>(۱)</sup> والا مقام و جاوید کسی است که فرقان، (یعنی جدا سازنده حق از باطل) را بر بنده خود (محمد) نازل کرده است، تا این که جهانیان را (بدان) بیم دهد (و آن را به گوش ایشان برساند. قرآن به همگان نازل آمده است، که شامل همه بنی آدم میشود، از عرب گرفته تا عجم، از کتابی گرفته تا مشرک، خطاب قرآن کریم متوجه همه آنان است.

چه زیباست واژه تبارک: که از باب تفاعل برکت است، بیانگر کثرت و زیادت برکت و رفعت و والایی آن است، روند قرآنی واژه بزرگوار الله متعال را ذکر نکرده است، و بلکه به اسم موصول بسنده نموده است تا آنکه بلغت قرآن را همگانی سازد. روند سوره قرآن را فرقان نامیده است، یعنی جدا سازنده حق از باطل، زیرا قرآن جداسازنده حق از باطل، و هدایت از ضلالت است، همانگونه که برنامه منظم در زندگی است، قرآن برنامه روشنی را برای سراسر زندگی ترسیم می کند، بدان گونه که در دل و درون مستقر است، و بدان گونه که در واقعیت مجسم است، پس بیشک که ارزش والای هدایت و انذار را دارد.

بدون شک قرآن مجید تا قیامت میان هدایت و گمراهی، ایمان و کفر، اسلام و جاهلیت، خشنودی خداوند و عدم آن، یقین و گمان، و حلال و حرام چنان فرق گذاشته است که در هیچ یک از کتب آسمانی نظیر آن دیده نمیشود. به طور مثال، فرق توحید و شرک را چنان به وضوح بیان کرده است که امکان هیچگونه احتمال و اشتباهی در آن باقی نگذاشته است و همانا بر اعجاز آن دلالت مینماید، که در صورت عدم پذیرش حق انذار کرده است.<sup>(۲)</sup> پیوسته از آیه های قرآنی فهمیده میشود که قرآن تنها کتاب هدایت اعراب نیست، انذار های قرآنی شامل همه افراد دنیا میشود، از سوی دیگر انذار های قرآنی تنها در دنیا و آخرت فشرده نمی شود بلکه شامل دنیا و آخرت است همانگونه که الله متعال فرموده است: **{وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا}**

<sup>۱</sup>-(الفرقان-۱)

<sup>۲</sup> - قاسمی، محمد قاسم، اصول و مبادی فهم قرآن کریم، زاهدان، انتشارات مکی، چاپ اول، ۱۳۹۱ هـ: ج ۱ ص ۱۶.

<sup>۳</sup> - ( اُمّ القری یعنی مادر شهرها و اصل آبادانیها نامیده شده است، بدان علت که مشتمل بر کعبه است، کعبه هم نخستین خانه ای است که برای مردمان ساخته شده است تا در آن الله متعال را پرستش کنند، و محل گرد هم آیی ایشان، و پناهگاه و مأوای امن و امان انسانها و حتی همگی جانداران باشد. از آنجا دعوت همگانی ساکنان زمین سرچشمه گرفته است، و پیش از آن دعوت همگانی نبوده است، مؤمنان نیز با ندای این دعوت به حج و زیارت آن می روند تا به خانه ای سر بزنند که این دعوت از آنجا سرچشمه گرفته است و برجوشیده است)

وَتُنذِرِيَوْمَ الْجَمْعِ لَأَرَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ<sup>(۱)</sup> این چنین (روشن و گویا) قرآن بزرگواری را که به زبان عربی است به تو وحی می‌کنیم تا اهل مکه و دور و بر آن را (از خشم خدا و عذاب دوزخ) بترسانی و (همه مردمان را) از روز گردهم‌آیی (قیامت) که شک و تردیدی در وقوع آن نیست بیم دهی. (در آن روز، مردمان دو گروه بیش نیستند) گروهی در بهشت بسر می‌برند و دسته‌ای در آتش دوزخ. تا آنکه بدین وسیله باشندگان مکه مکرمه و اطراف و اکناف مکه یعنی همه مردم.<sup>۲</sup> از آنکه چرا مکه را ام القری خوانده است؟ چهار قول است: شاید بخاطر آنکه قریه‌ها را در خود دارد همانند جمع آوری مادر فرزندان را، و یا آنکه نخستین خانه در روی زمین است که دیگر اماکن از آن نشئت گرفته است. و یا آنکه قابل تعظیم است همانند مادر، و یا بخاطر آنکه همه مردم از اطراف و اکناف زمین به آن در نماز روی می‌آورند. اما حولها شامل همه روی زمین میشود. (۳)

از آیه بالا به خوبی فهمیده میشود که دعوت اسلام محدود به ساکنان مکه نیست بلکه شامل کسانی میشود که در دور و بر مکه یعنی اطراف و اکناف دنیا زندگی می‌کنند، همانگونه که دیده شد دعوت اسلامی بعد از مرزهای آن مناطق نیز گذشت و دعوت اسلامی را جهانگیر شد تا آنکه در سراسر دنیا صدای نعره الله اکبر طنین انداز شد.

### مطلب چهارم: انذاردهنده مومنین اعم از انس و جن:

از جمله مواردی که در مجموعه اثبات گواهی بر رسالت رسول الله صلی الله علیه وسلم داخل می‌شود: تسلیم شدن در مقابل دستورات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و اینکه ایشان خاتم انبیاء و امام اتقیاء و سید مرسلین و حبیب و خلیل رب العالمین است. همانگونه که هر ادعای نبوتی بعد از ایشان گمراهی و هوا پرستی است. و ایشان به سوي تمام جن و انس فرستاده شده تا حق و هدایت و نور و روشنی را به آنان عرضه کند. (۴)

همانگونه که ایمان متوجه انسانها است به همان پیمانها متوجه جنیات نیز است، بناء هردوی آن گروه مسئولیت انذار رسانی به هم نوع خویش را دارند، تا آنان را از داشته‌های قرآن کریم باخبر ساخته و از نافرمانی خدا و فرستاده اش بر حذر دارند، همانگونه که پروردگار می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا

۱- (الشوری-۷)

۲- (قرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۱۶ ص ۶)

۳- (ماوردی، النکت و العیون، ج ۲ ص ۱۴۲)

۴. الطحاوی، طحاوی، صدر الدین محمد بن علاء الدین علی بن محمد ابن ابی العز الحنفی، الأذرعی الصالحی الدمشقی، شرح العقیده الطحاویة، ناشر: دار السلام للطباعة والنشر والتوزیع والترجمة، سال نشر: ۲۰۰۵م، ج ۱ ص ۷

قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ} (۱) مؤمنان را نسزد که همگی بیرون بروند ( و برای فراگرفتن معارف اسلامی عازم مراکز علمی اسلامی بشوند ). باید که از هر قوم و قبیله‌ای، عدّه‌ای بروند ( و در تحصیل علوم دینی تلاش کنند) تا با تعلیمات اسلامی آشنا گردند، و هنگامی که به سوی قوم و قبیله خود برگشتند ( به تعلیم مردمان بپردازند و ارشادشان کنند) و آنان را ( از مخالفت فرمان پروردگار ) بترسانند تا ( خویشان را از عقاب و عذاب خدا برحذر دارند و از بطالت و ضلالت ) خودداری کنند.

راستی این همه تحول و دگرگونی ایمانی انس و جن چگونه به وجود آمد؟ حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ایجاد این انقلاب عظیم درونی و اخلاقی انس و جن چه شیوه و اسالیبی را به کار گرفتند؟ و در این راستا از چه وسایل و ابزاری استفاده نمودند؟ بی تردید انتخاب شیوه و ابزار مناسب در موفقیت دعوت و اصلاح تأثیر به سزا و نقشی غیر قابل انکار دارد، بناء قرآن کریم کتاب الله بهترین ره‌نما و وسیله دعوت آن پیامبر بود، کتابی که حتی جنیات با شنیدن آن ایمان آوردند، سپس به قوم و هم‌فکران خویش به انذار پرداختند، همانگونه که الله فرموده است:

{وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ} (۲) ای پیامبر ! خاطر نشان ساز ( زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند . هنگامی که حاضر آمدند ، به یکدیگر گفتند : خاموش باشید و گوش فرا دهید . هنگامی که ( تلاوت قرآن ) به پایان آمد ، به عنوان مبلّغان و دعوت‌کنندگان ( همجنسان خود ، به آئین آسمانی ) به سوی قوم خود برگشتند " مُنْذِرِينَ " : بیم‌دهندگان . یعنی این گروه با شنیدن قرآن مسلمان شدند و برای تبلیغ اسلام و اشاعه خبر دین جدید به سوی هم‌نوعان خود برگشتند و داعیان الی‌الله شدند. جنیان هفت نفر بودند، سه تن از حران، و چهار تن از نصیبین، نام آنان عبارت بود از: حی و حسی و مسی، و شاصر و ناصر، و اُرد و اِبیان و اُحقم. (۳)

ابن مسعود رضی الله عنه داستان به تفصیل بیان میدارد، فشرده داستان آن است که زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم از طائف به سوی مکه برگشت، بدان هنگام که از خیر و خوبی تقیف مایوس گردید. وقتی که به سرزمین نخله رسید. در دل شب برخاست و به نماز شب پرداخت . گروهی از جنیانی که خداوند متعال بزرگوار از ایشان یادکرده است از کنار او گذشتند. به تلاوت پیغمبر صلی الله علیه و سلم گوش فرادادند. هنگامی که از نمازش فارغ شد، پشت کردند و به

۱- (التوبه - ۱۲۲)

۲- (الأحقاف - ۲۹)

۳- ( ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۷ ص ۲۹۷)

سوي قوم و قبيله خود رفتند و به ترساندن و بيم دادن ايشان پرداختند. آنان ايمان آوردند و بدانچه شنيدند پاسخ مثبت دادند. تا آخر داستاني كه خبر آنان در سوره جن آمده است.<sup>(۱)</sup>

---

<sup>۱</sup>- (طبری، تفسير الطبری، ج ۱۷ ص ۴۷۳ - ۴۷۴)

## مبحث دوم

### گستره (وسعت) انذار

دامنه دعوت به خدا بسیار فراخ است، همانگونه که بیم دهندگان نیز به کثرت آمده اند، من جمله سردار بشریت، هرگاه در صدد آگاهی از گُنه و ماهیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم بر آمدیم، بهتر است تا صداقت و امانتش را بیازماییم، به خطوط چهره اش بنگریم، و به بررسی کردار و گفتارش بپردازیم، و حرکات و سکناتش را زیر نظر بگیریم، در این مورد پیامبر صلی الله علیه و سلم از ابتدای زندگی با مردم و اقوام خود در تماس و معامله و همدم و همنشین و هم عشرت بودند، و برای مردم فرصت کافی جهت بررسی و پژوهش ژرف و شناخت کامل در مورد ایشان فراهم بوده است، از آن جهت قریش قبل از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و سلم را با صداقت و امانت داری توصیف و نامگذاری کردند خیلی خوب می دانستند که دارای این صفات و ویژگیهای والاست، و در ابتدای دعوت به آنها گفت: آیا اگر به شما خبر دهم که در پشت این درّه لشکری برای یورش به شما در کمین است حرفم را تصدیق می کنید؟ گفتند: آری، چون هرگز از تو دروغ نشنیده ایم. این سخن از آنجا آغاز شد که پروردگار به پیامبرش فرموده بود: **{وَأَنْزِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ}** (۱) بناء پیامبر بر آن شد تا دستور پروردگارش را بجا آورد و چنین هم کرد، آنان بسوی توحید فرا خواند و از شرک بر حذر داشت، و به واکنش سخت ابو لهب روبرو شد، تا آنجاییکه سوره لهب پیرامون همین موضوع نازل گردید.

آیه های فراوانی در قرآن عظیم الشان در مورد آنکه پیامبران بشیر و نذیر به همگان هستند آمده است بناء ستایش فراوان، سزاوار آن خدایی است که پیامبران را برای هدایت مردم، ابلاغ دین راستین و بشارت به خیر فرستاد؛ تا آن دین را بر همه آیین ها پیروز و آن فرستاده را گواه، بشارت آور و هشدار دهنده گرداند که مردم را به راه راست فراخواند و در فرا راه زندگانی آنان، چراغی بس روشن و تابان و سرمشقی پسندیده و نیکو باشند.

شخصیت پیامبران نمونه ای برای یک دوره و یا یک نسل، یک ملت، یک مذهب و یا مکان معینی نیست. یک نمونه والای جهانی و همیشگی برای همه ی مردم و همه ی نسل ها است بخاطر آنکه وظیفه آنان بشارت به خیر و ترس از دوزخ است: **{وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ}** (۲) وظیفه پیامبران تنها مژده دادن و بیم دادن است) و ما پیامبران را جز به عنوان مژده رسان و بیم رسان نمی فرستیم. بخاطر آنکه قرآن کریم وسیله تنذیر به شر و تبشیر به خیر است.

۱- (الشعراء ۲۱۴)  
۲. (انعام ۴۹)

## مطلب اول: انذار به همه امتها:

عمومیت انذار صرف به یک شخص و یا یک قوم اختصاص ندارد، بلکه همه امتها و همه افراد جامعه را در بر می‌گیرد: از جمله: فرموده الله متعال که میفرماید: {وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ} (۱) و هر امتی در گذشته انذارکننده‌ای داشته است. هیچ ملّتی ( از ملّتهای پیشین ) نبوده است که بیم دهنده‌ای به میانشان فرستاده نشده باشد. اگر پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم از قوم خود تکذیب دیده است ، این سرشت اقوام در استقبال از پیغمبران بوده است . این کار نه از قصور و کوتاهی پیغمبران بوده است ، و نه از کم و کاست دلیل و برهان بوده است. دلایل و براهین به شکل‌های گوناگون در این باب فراوان است.

{وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ} (۲) ما به هر شهر و دیاری که پیامبری را فرستاده‌ایم، سران و متنعّمان آنجا گفتند: ما بدانچه آورده اید باور نداریم. در این صورت ، پیامبران علیه السلام بیم دهنده و ترساننده‌ای بیش نیست ، و قدرت بشری آنان در این حدّ و مرز متوقّف می‌شود. آنان نمی‌توانند پند و اندرز آسمانی را به دل دلمردگان که همچون آرمیدگان در گورها هستند فرو برند، همانگونه که نمی‌توانند مردگان آرمیده در گورها را شنوا گردانند.<sup>۳</sup> به همین علت است که پروردگار همگان را از نعمت رهنما و فرستاده شدگان مستفید گردانیده است همانگونه که خود می‌فرماید: {وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ} (۴) همین گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو ( پیامبر ) بیم‌دهنده‌ای مبعوث نکرده‌ایم مگر این که متنعّمان (خوشگذران و مغرور از ثروت و قدرت) آنجا گفته‌اند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم ( که بت‌پرستی را بر همگان واجب کرده است) و ما هم قطعاً ( بر شیوه ایشان ماندگار می‌شویم) و به دنبال آنان می‌رویم. به گفته مفسران مفاد آیات فوق آن است که برای هر امتی فرستاده‌ای و برای هر زمانی پیشوایی خواهد بود. با آنکه پروردگار به همه مردم در هر قریه بیم دهنده فرستاده است، ولی در برابر آنان افراد طغیانگر و سرکش ایستادگی نموده و مانع دعوت آنان میشدند.<sup>۵</sup>

۱- (الفاطر- ۲۴)

۲- (السبا - ۳۴)

۳- ( سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۴ ص ۱۹۳)

۴- (الزخرف - ۲۳)

۵- ( قاسمی، محاسن التاویل، ج ۸ ص ۳۸۵)

این هم داستان مکرر، و موضعگیری همیشگی در طول روزگاران بوده است. مستی ناز و نعمت و قدرت، دلها را سخت می‌دارد، و فطرت را تباه می‌نماید، و آن را فرو می‌پوشاند، به گونه‌ای که دیگر فطرت دلایل هدایت را نمی‌بیند، و خویشان را بزرگتر از هدایت می‌بیند، و بر باطل پای می‌فشارد، و در برابر نور باز نمی‌گردد.

قرآن کریم تراوی ارزشها را جلو ایشان می‌گذارد و ارزشها را آن گونه که مقبول خدا است بدیشان نشان می‌دهد. برایشان روشن می‌سازد که افزایش رزق و روزی و کاهش آن، ارتباطی با ارزشهای ثابت اصیل ندارد، و دال بر رضایت یا خشم خدا نیست، و عذابی را باز نمی‌دارد و به عذابی نمی‌کشاند. بلکه افزایش و کاهش رزق و روزی جدایی از حساب و کتاب و سزا و جزا و رضایت و خشم خدا است.<sup>(۱)</sup>

### مطلب دوم: انذار به جنیان:

جنیات همسان آدمیان مکلف اند و اهل تبشیر و تنذیر هم هستند همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید: {وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ} (۲) یو جن وانس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند. این آیه بیانگر آن است که هدف از آفرینش آدمیان و اجنه عبادت است و آنان نیز مکلف به پرستش خداوند می‌باشند و این فرمان بر هر دو جنس می‌باشد و پیامبر صلی الله علیه و سلم برای تقلین یعنی دو گونه انسان و اجنه مبعوث شده است، اما هدف جنیان و انسان‌های خوشبخت اند هر چند تعداد دیگری آن را به تعریف و شناخت تفسیر نموده اند.<sup>(۳)</sup> با اثبات این مطلب که اجنه مکلف هستند این نیز معلوم می‌شود که آنان برای طاعت و عبادت خویش پاداش یافته و در نتیجه‌ی نافرمانی خود سزاور عذاب می‌گردند. از آنجا که جنیان مانند انسان‌ها در درجات و در پرستش پروردگارشان با هم فرق دارند؛ در میان ایشان افراد درستکار و جز آن وجود دارد، پس نیاز است که اهل انذار و تبشیر باشند بدین منظور است که الله متعال فرمودند: {يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَافِرِينَ} (۴) (در آن روز خداوند بدیشان می‌گوید: ای جنیان و ای انسانها! آیا پیامبرانی از خودتان به سوی شما نیامدند و آیات (کتابهای آسمانی) مرا برایتان بازگو نکردند و شما را از رسیدن بدین روز (و روبرو شدن در آن

<sup>۱</sup>- (سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۱ ص ۹۱)

<sup>۲</sup>- (الذاریات ۵۶)

<sup>۳</sup>- (خازن، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۴ ص ۱۹۷)

<sup>۴</sup>- (الانعام-۱۳۰)

با خدا ( بیم ندادند؟! ) پس چگونه این روز را فراموش کردید و در تکذیب آن کوشیدید ؟ در پاسخ ( می‌گویند: ما علیه خود گواهی می‌دهیم ( و اقرار می‌کنیم که پیامبران آمدند و دین خدا را تبلیغ کردند و ما را از قیامت ترساندند، ولی ما ایشان را تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند چیزی را از سوی خود نفرستاده است و جز زندگی این جهان، زندگی دیگری وجود ندارد. آری ) زندگی جهان، آنان را گول زد و ( به خود مشغول داشت و امروز جز اعتراف چاره‌ای ندارند) و علیه خود گواهی می‌دهند ( و می‌گویند ) که ایشان کافر بوده‌اند ( و مستحقّ عذاب جاویدان و خوفناک پروردگارانند). داستان جنیان زمانی اتفاق می افتد که پروردگار از رسیدن به آسمان آنان را باز میدارد، در نتیجه آنان بر آن شدند تا ببینند که در دنیا چه اتفاق افتیده است تا آنکه به تلاوت قرآن کریم رو برو شدند.<sup>(۱)</sup>

این پرسشی است برای بیان داشتن و ثبت و ضبط کردن و قطعی و حتمی نمودن، چه آنکه الله متعال می داند در دنیا چه کارهائی می کرده اند. پاسخ بدین پرسش هم اعتراف آنان به استحقاق داشتن و سزاوار بودن این جزا و سزا در آخرت است . خطاب رو به جنیان است همان گونه که رو به آدمیزادگان است، آیا پروردگار پیغمبرانی را از خود جنیان به سوی جنیان روانه فرموده است ، همان گونه که انسانهایی را به سوی انسانها ارسال داشته است ؟ تنها الله متعال آگاه از کار و بار این موجود پنهان از دیدگان انسان است . نص قرآنی را می توان بدین مفهوم معنی کرد که آنان می شنیده اند چیزهائی را که بر پیغمبران نازل می شده است، و به سوی قوم خود برمی گشته اند و ایشان را بیم می داده اند فهمید.

از آنجا که همه مخلوقات حمد و ثنای خداوند را میگویند، به ویژه انسانها و جنیبات خطاب الهی متوجه آنان است پس عمومیت انذار، جنیبات را نیز شامل می‌شود. عمومیت انذار به این معناست که در میان همه امتها انذارگر برانگیخته می‌شود و هیچ امتی بدون منذر نمی‌ماند. و این عمومیت در حدّ اقتضاست؛ یعنی فعلیت آن در مورد همگان و رسیدن آن به یکا یک افراد منوط به این است که در مسیر آن مانعی پدید نیاید، زیرا با توجه به اینکه جهان ماده محل برخورد و تزامم علل و اسباب با یکدیگر است، ممکن است پیام انذار به برخی انسانها نرسد و حجّت الهی بر آنان تمام نگردد از این افراد در قرآن با عنوان "مستضعف" یاد و امر ایشان به خداوند واگذار شده است.<sup>(۲)</sup>

<sup>۱</sup> - (اسماعیل، روح البیان، ج ۸ ص ۴۸۷)

<sup>۲</sup> - شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، انتشارات: رهبر، اصفهان، چاپ: هژدهم، ج ۱ ص ۲۹۶۳.

بر این اساس انذار، گرچه عام است؛ ولی مستلزم دریافتن یکایک افراد یک امت نیست گرچه انذار برای همگان لازم و سودمند است؛ اما گروههای خاصی بر اثر برخورداری از زمینه‌های تأثیرپذیری بهتر، انذار در حق آنان سودمندتر است یا به علت وجود مانع قوی‌تر نیاز بیشتری به انذار دارند.<sup>(۱)</sup> پس ایجاب میکند که این دو گروه به صورت خاص مورد تأکید قرار بگیرند، و به فرمان الله متعال عمل نمایند، در نتیجه خود رهیاب و دیگران را نیز به راه درست هدایت نمایند همانگونه که خداوند از جنیبات میگوید: {وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ} (۲) ای پیامبر! خاطر نشان ساز (زمانی را که گروهی از جنیان را به سوی تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند، هنگامی که حاضر آمدند، به یکدیگر گفتند: خاموش باشید و گوش فرا دهید. هنگامی که (تلاوت قرآن) به پایان آمد، به عنوان مبلغان و دعوت‌کنندگان (همجنسان خود، به آئین آسمانی) به سوی قوم خود برگشتند در حالیکه به ایشان بیم دهنده بودند.

اجنه در همین زمینی که ما در آن به سر می‌بریم زندگی می‌کنند. جایی بر روی زمین نیست مگر آنکه اجنه در آن با ما شریک هستند. اما در مورد سن و سال آن‌ها و مدت زمان عمری که می‌کنند و آیا هزاران سال یا ده‌ها هزار سال عمر می‌کنند، این جزو مسائل غیبی بوده و نمی‌توان سخن راست و صحیحی را جز با دلیلی از کتاب و سنت بیان نمود و از چیزی در آن مورد پیروی نمی‌کنیم.<sup>(۳)</sup>

### مطلب سوم: انذار به خدا ترسان :

انذار به گروه خدا ترسان نیز شامل می‌شود، در مورد الله متعال میفرماید: {إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ} (۴) ای پیامبر! از عناد قوم خود ناراحت مباش (با این قرآن) می‌ترسانی که نهانی از پروردگارشان می‌هراسند و نماز را چنان که باید می‌خوانند، هر کس پاکی پیشه کند (و خویشتن را از کثافات معاصی پاکیزه دارد) پاکی او برای خودش است و (خود از آن سود می‌برد. به هر حال) بازگشت (همگان، اعم از کافران و مؤمنان) به سوی خدا است (و سرانجام به حساب عاصی و مطیع خواهد رسید. اینان کسانی‌اند که بیم دادن و برحذر داشتن، ایشان را سودمند می‌

<sup>۱</sup> - (تفسیر نمونه: ج ۱ ص ۲۹۷۵).

<sup>۲</sup> - (الاحقاف - ۲۹)

<sup>۳</sup> - (قرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۱۹ ص ۴-۵)

<sup>۴</sup> - (الفاطر - ۱۸)

افتد. اینان کسانیند که از پروردگارشان می ترسند، هر چند او را ندیده اند. نماز را چنان که باید می خوانند تا با پروردگارشان تماس بگیرند و او را عبادت و پرستش کنند. اینان کسانی اند که از تو بهره مند می شوند و استفاده می کنند، و سخنان تو را می شنوند و فرمان تو را می برند.

پیامد انذار رسانی دو بخش بزرگ را شامل میشود، نخست آنکه انذار به سود کسی نمی انجامد همانند آنکه پیامبران کفار را بیم میدادند، اما آنان دل شنوا نداشتند و ایمان هم نیاوردند، دیگر آنکه بیم رسانی مایه عبرت و نزدیکی به خداوند میشود همانند پند گیری مسلمانان از انذار های قرآنی که هر کدام جایگاه ویژه را در خود دارد، انذار بهترین نمونه رهیابی برای متقیان است همانگونه که الله متعال می فرماید: **{إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ}**<sup>(۱)</sup> تو تنها کسی را می ترسانی، ( و با بیم دادنت بدو سود می رسانی ) که از قرآن پیروی کند، و پنهانی از ( خداوند ) مهربان هراس داشته باشد. چنین کسی را به گذشت و پاداش ارزشمندی مژده بده. مراد از ذِکْر: در اینجا قرآن است - بنا به ارجح اقوال - کسی هم که از قرآن پیروی کند، و از خدا بترسد بدون این که او را دیده باشد، او از بیم دادن سود می برد. انگار تنها او است که بیم دادن خطاب بدو شده است، و انگار تنها پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم او را به بیم دادن اختصاص داده است.

هر چند بیم دادن را به طور عام فرموده است. اما میان همگان و میان دریافت بیم دادن حائل و مانع ایجاد گردیده است، و این است که بیم دادن منحصر به کسی شده است که از قرآن پیروی کرده است و پنهانی از پروردگار مهربان ترسیده است این چنین کسی هم پس از سود بردن از بیم دادن، شایان مژده دادن بدو گردیده است.

با آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به همگان یکسان بیم رسانی میکرد، اما پروردگار پیامد عملکردش را متوجه اش ساخته و میفرماید که تنها انذار رسانی شما به کسانی سود میرساند که از خدا ترس داشته باشند آنجا که می فرماید: **{إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهَا}**<sup>(۲)</sup> وظیفه تو تنها و تنها بیم دادن و هوشدار باش به کسانی است که از قیامت می ترسند. کسانی که روح حق جوئی و حق طلبی دارند. به هدف که ترساندن و هوشدارباش دادن وظیف تو است، وظیفه تو آن است کسی را از قیامت بترسانی که ترساندن بدو سود برساند. آن کسی که دلش حقیقت قیامت را احساس می کند و از قیامت می ترسد و برای قیامت کار می کند، و انتظار می کشد یزدان

<sup>۱</sup> - (یس - ۱۱)

<sup>۲</sup> - (النازعات - ۴۵)

سبحان که صاحب قیامت است قیامت را در موقع و موعد مقرر و معین خود برپا گرداند. آن گاه هول و هراس و بزرگی و عظمتی به تصویر می کشد که قیامت در ذهنها و اندیشه ها پدید می آورد. زندگی دنیا نسبت به زندگی آخرت را به تصویر می زند و راه درست را پیش روی میگیرد.

به تائید آیه های بالا باز هم یکبار دیگر پروردگار به پیامبر چنین ارشاد می فرماید که: کسانی را در پناه این دعوت بدارد که مخلصانه آن را دریافت می دارند، و با دل رو به خداوند یگانه می کنند و خشنودی او را می جویند. اصلاً کمترین ارج و بهائی به ارزشی از ارزشهای نادرست جامعه جاهلی ندهد، و برای معیارها و میزانهایی کوچک انسانها هیچگونه توجه و نگرشی نداشته باشد، آنجا که فرمود: **{وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ}**(<sup>۱</sup>) با آن (چیزهائی که در قرآن آمده است) کسانی را بترسان که (چون به جهان دیگر ایمان دارند، از هول و هراس رستاخیز بیمناکند و) می ترسند از این که در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و کتاب) گردآورده می شوند. (آنجائی که در آن) برای آنان جز خدا یاورومیانجیگری (که بتواند ایشان را از عذاب دوزخ برهاند) وجود ندارد. آنان (را از آن روز بترسان، تا امروز که فرصت باقی است) شاید پرهیزگاری پیشه کنند (و آن وقت به بهشت روند).

انذار در باب خاشعین را می توان به دو بخش بزرگ تقسیم کرد:

### اول: آنانکه نادیده از پروردگار در ترس اند:

مسئولیت پیامبران همین است که زیر دستان خویش را انذار دهند، اما شیوه استفاده از انذار های آنان وابسته به افراد است، انذار به بعضی ها سودمند واقع میشود، و به آنانیکه سودمند واقع می شود که ایمان به غیب و چیزهای پوشیده از چشم داشته باشند، آنان به خیر بشارت داده میشوند همانگونه که خداوند می فرماید: **{إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ}**(<sup>۲</sup>) (تو تنها کسی را می ترسانی (و با بیم دادنت بدو سود می رسانی) که از قرآن پیروی کند، و پنهانی از (خداوند) مهربان هراس داشته باشد. چنین کسی را به گذشت و پاداش ارزشمندی مژده ده.

<sup>۱</sup>- (الانعام - ۵۱)

<sup>۲</sup>- (یس - ۱۱)

منظور از غیب در اینجا خداوند متعال، کتاب های آسمانی، پیامبران و جهان آخرت و مقصود از ایمان نیز در اینجا یقین و اطمینان درباره ی وجود تمامی آنهاست. دینی که عقل را به سوی ایمان به خداوند مهربان و حسیب و رقیب و وحی هدایت گر و روز قیامت، راهنمایی می کند و در نتیجه نفس و وجود انسانی راه درست خود را در پیش می گیرد و زندگی حقیقی او سر و سامان می یابد.

به آیه بالا الله متعال پسندیده نکرد در تفسیر آنانیکه به غیب ایمان دارند نیز اضافه نمود که: اینان کسانی اند که بیم دادن و برحذر داشتن، ایشان را سودمند می افتد. اینان کسانی اند که از پروردگارشان می ترسند، هر چند او را ندیده اند. نماز را چنان که باید می خوانند تا با پروردگارشان تماس بگیرند و او را عبادت و پرستش کنند. اینان کسانی اند که از تو بهره مند می شوند و استفاده می کنند، و سخنان تو را می شنوند و فرمان تو را می برند همانگونه که می فرماید: **{إِنَّمَا تُذِرُ الَّذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ}** (۱) ای پیامبر! از عناد قوم خود ناراحت مباش) تو کسانی را (با این قرآن) می ترسانی که نهانی از پروردگارشان می هراسند و نماز را چنان که باید می خوانند. هر کس پاکی پیشه کند (و خویشتن را از کثافات معاصی پاکیزه دارد) پاکی او برای خودش است و (خود از آن سود می برد. به هر حال) بازگشت (همگان، اعم از کافران و مؤمنان) به سوی خدا است (و سرانجام به حساب عاصی و مطیع خواهد رسید).

غیبی که در اینجا بدان اشاره شده است شامل ترسشان از پروردگارشان می گردد، پروردگاری که او را ندیده اند. همچنین شامل ترسشان از پروردگارشان می گردد ترسی که پنهان از دیده ها داشته اند. هر دوی این معنی ها پسندیده و مهم است، و درک و فهم پاک، و برداشت آگاهانه است، و با پاداش بزرگی که روند قرآنی آن را مختصر و چکیده ذکر می کند همخوانی دارد، و آن آمرزش و بخشیدن گناهان، و اجر و پاداش فراوان است. دل با خدا در پنهان و نهان، و در غیبی باشد که چشمها آن را نمی بینند و از آن آگاه نمی گردند، ترازوی حساسی در دل بشری، و ضمانت زندگی در درون است.

---

<sup>۱</sup>-(الفاطر-۱۸)

دوم: آنانکه از ایستادن در حضور پروردگار در روز محشر می ترسند:

حضور در محشرگاه از دیدگاه قرآنی حالات متفاوت دارد و آن هم قرار ذیل است:

۱. مردم در دشت پهناور در روز قیامت گرد هم جمع می شوند: {فَأَيُّهَا هُم بِالسَّاهِرَةِ} (۱): ناگهان همگان ( به پا می‌خیزند و ( در دشت پهناور و سفید محشر آماده می‌شوند. هدف از السَّاهِرَةِ: دشت و بیابان سفید و هموار و پهناور است. مراد صحرائی محشر است که هم آخرین و اولین در حضور پروردگار می ایستند(۲)

۲. مردم در آن روز بزرگ در حضور پروردگار می ایستند تا مورد باز پرس قرار بگیرند: {يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ} (۳) همان روزی که مردمان در پیشگاه پروردگار جهانیان( برای حساب و کتاب ) برپا می‌ایستند. هدف از يَقُومُ النَّاسُ: مردمان به فرمان خدا سر از گورها به در می‌آورند.

۳. در آن روز نه تنها انسانها بلکه فرشتگان نیز حضور می یابند: {وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا} (۴) و پروردگارت بیاید و فرشتگان صف صف حاضر آیند. مراد تجلّی ذات اقدس و ظهور نشانه‌های قدرت و عظمت او است ، به گونه‌ای که جای انکار شناخت خدا برای کسی باقی نمی ماند ، گویی همگان با چشم خود ذات بی‌مثال کبریائی را می‌بینند، و در حضور وی صف بستگان اند.

۴. محشر بعد از زنده شدن دوبار و پس از نفخ صور دوم صورت می‌گیرد همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه می فرماید: در حدیث ابوسعید خدری رضی الله عنه در صحیحین نیز آمده: {فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ تَنْشَقُّ عَنْهُ الْأَرْضُ} (۵) من اولین کسی هستم که قبرش شکافته می شود. این دو حدیث بر زنده شدن مردگان از قبرهایشان در روز قیامت و رفتن به سرزمین محشر دلالت دارد و در این دو فضیلتی برای پیامبر صلی الله علیه وسلم وجود دارد که اول از همه زنده می شود.

مردم در روز قیامت پای برهنه و تن برهنه حشر خواهند شد: وعن عائشة، رضي الله عنها، قالت: سمعتُ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، يقول: «يُحْشَرُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُفَاةً عُرَاءَ غُرْلًا» قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ الرَّجَالُ وَالنِّسَاءُ جَمِيعًا يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ،؟ قال: «يَا عَائِشَةُ الْأَمْرُ أَشَدُّ

۱- (نازعات ۱۴)

۲- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸ ص ۳۱۴- الشوکانی، فتح القدر ج ۵ ص ۴۵۳

۳- (مطففین ۶)

۴- (فجر ۲۲)

۵- (بخاری، صحیح بخاری، ج ۲ ص ۴۱۲)

من أَنْ يُهَمَّهُمْ ذَلِكَ) (۱) از عایشه (۲) رضي الله عنها روایت شده که گفت: از رسول الله صلي الله عليه وسلم شنیدم می فرمود: مردم در روز قیامت پاي برهنه، تن برهنه و ختنه نشده حشر می گردند. گفتیم: یا رسول الله صلي الله عليه وسلم مردان و زنان همه شان یکدیگر شان را می بینند؟ فرمود: ای عایشه رضي الله عنها، کار بزرگتر از آنست که این فکر به سراغ شان برود. پروردگار از هیبت همین روز در بسا از آیه های قرآنی بیم میدهد و قابل ترس هم است، آنجا که فرمود: {وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ} (۳) با آن (چیزهائی که در قرآن آمده است) کسانی را بترسان که (چون به جهان دیگر ایمان دارند، از هول و هراس رستاخیز بیمناکند) و می ترسند از این که در پیشگاه پروردگارشان (برای حساب و کتاب) گردآورده می شوند. (آنجائی که در آن) برای آنان جز خدا یاور و میانجیگری (که بتواند ایشان را از عذاب دوزخ برهاند) وجود ندارد. آنان (را از آن روز بترسان، تا امروز که فرصت باقی است) شاید پرهیزگاری پیشه کنند (و آن وقت به بهشت روند).

بدون شک سخن از قیامت همانند سخن از واقعیت های اسلامی است که هرگز شک و شبهه را قبول نمی نماید، آنچه باورمندی به قیامت را قطعی ساخته داشته های قرآن عظیم الشان است که در مورد قیامت مرارا و تکرارا تذکر رفته است، بخاطر وضاحت و قطعیت قیامت به برخی از دلایل قرآنی می پردازیم تا در روشنی همان دلایل اهمیت ثبوت قیامت را خوبتر بفهمیم. در پاره دیگری از آیه های قرآنی آمده است که نخست مرگ سپس زندگی و سر انجام گرد آمدن در روز قیامت قطعی است: {قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ} (۴) بگو: خداوند شما را (از نیستی به هستی می آورد و) زنده می کند، سپس (بعد از به پایان آمدن اجلتان) شما را می میراند، سپس (بعد از دوران برزخ و ماندگاری در گورها، شما را دوباره زنده می کند و) در روز قیامت که در آن تردیدی نیست شما را گرد می آورد، ولیکن بیشتر مردم (به علّت نیندیشیدن و تأمل نکردن، قدرت خدا را بر ایجاد رستاخیز) نمی دانند. اگر از جانب خداوند متعال حسابی در کار و پاداشی در پیش نباشد،

۱. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج ۴ ص ۲۱  
 ۲. عایشه بنت ابي بكر الصديق التيمية، أم المؤمنين، مادرش و أمها أم رومان بنت عامر بن عويمر بن عبد شمس بن عتاب، یگانه همسر باکره پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم قبل از هجرت با وی عقد نمود و در شوال سال دوم هجری در سن نه سالگی با وی همبستر شد. فقهی ترین زنان، یکی از کسانی که بیشترین احادیث را از جمله زنان روایت نموده است. وی در سال ۵۷ ه و یا در سال ۵۸ هجری وفات نمود. (ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، انتشارات: دار الجیل، سال نشر: ۱۹۹۲ ج ۴ ص ۱۸۸)

۳- (الانعام - ۵۱)

۴- (جاثیه ۲۴)

دعوت دینی که مجموعه ای از فرمانهای پروردگار و اوامر و نواهی اوست، کمترین اثری در بر نخواهد داشت پس باید بدین وسیله افراد کافر را بیم داد.

در روز قیامت سر انجام افراد مومن به بهشت و از افراد کفار به دوزخ می انجامد: **{وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ}** (۱) بترسانی و (همه مردمان را) از روز گردهم آبی (قیامت) که شک و تردیدی در وقوع آن نیست بیم دهی. (در آن روز، مردمان دو گروه بیش نیستند) گروهی در بهشت بسر می برند و دسته ای در آتش دوزخ. تأمل در آفرینش انسان و جهان و همچنین در غرض و هدف شرایع آسمانی، قطعی بودن روز رستاخیز را روشن می سازد. جهان و انسان به سوی یک آفرینش ثابت و وجود کاملتری متوجه اند که فنا و زوال نپذیرد و آن هم قیامت خانه ابدی است. بناء قیامت حق و لی زمان دقیق قیامت و این که در چه زمانی اتفاق می افتد معلوم نیست.

پرسش در مورد چگونگی قیام قیامت از زمان بعثت تا امروز ادامه دارد زیرا در هر عصر هستند تعدادی از افراد که در قطعیت های قیام قیامت شک و شبه دارند: **{يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا \* فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذُكْرَاهَا \* إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا}** (۲) از تو درباره قیامت می پرسند که در چه زمانی واقع می شود؟ تو را چه آگهی و خبر از آن؟ (تو چیزی از آن نمی دانی). آگاهی از زمان قیامت، به پروردگارت واگذار می گردد (و اطلاع از وقوع آن کار پروردگار تو است؛ نه تو. مشرکین مکه بشکل استهزاء از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد وقوع قیامت پرسیدند، قرآن خبر داد که علم قیامت نزد پیامبر نیست. (۳) دانستن وقوع قیامت تنها به الله مربوط است. (۴)

علم وقوع قیامت ویژه خداوند و بشکل ناگهانی بوقوع می پیوندد و هیچ کس وقت آمدن قیامت را جز پروردگار نمی داند که چه وقت خواهد فراه رسید: **{يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ نَقَلْتُ فِي السَّمَاءَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ}** (۵) راجع به قیامت از تو می پرسند و می گویند: در چه زمانی (دنیا به پایان می رسد و) قیامت رخ می دهد؟ بگو:

۴- (شوری ۷)

۲- (النازعات ۴۲-۴۴)

۳. قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخرزجي شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، دار الكتب المصرية - القاهرة سال نشر ۱۹۶۴ ج ۱۹ ص ۲۰۹

۴. هروی، محمد الأمين بن عبد الله الأرمي العلوي، تفسير حدائق الروح والريحان في روابي علوم القرآن، ناشر، دار طوق النجاة، بيروت - لبنان سال نشر ۱۴۲۱ هـ ج ۳۱ ص ۹۴

۵- سوره الاعراف ۱۸۷

تنها پروردگارم از آن آگاه است ، و کسی جزء او نمی تواند در وقت خود آن را پدیدار سازد ( و از پایان این جهان و سرآغاز آن جهان مردمان را بیاباها نند اطلاع از هنگامه قیامت ) برای ( ساکنان ) آسمانها و زمین سنگین و دشوار است ( و هرگز دانش ایشان بدان نمی رسد ) . قیامت ناگهانی به وقوع می پیوندد و بر سرتان می تازد . از تو می پرسند : انگار تو از ( شروع ) قیامت باخبری ؟ بگو : اطلاع از آن ، خاصّ یزدان است ، ولیکن بیشتر مردمان ( این مسأله و فلسفه آن را چنان که باید ) نمی دانند.

### مطلب چهارم: انذار به افراد بیخبر:

قرآن کریم از بی توجهی زیانکاران نسبت به الله متعال، مسائل غیبی و صدها مسائل دیگری مربوط به آن را به غفلت تعبیر می کند: ﴿لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ أَفَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ﴾ (۳) سپس به انسان بی باور خطاب می شود) تو از این ( دادگاه بزرگ و چیزهایی که می بینی و خواهی دید ) غافل بودی ، و ما پرده از جلو چشمان تو به کنار زده ایم و امروز چشمانت کاملاً تیزبین شده اند . بدین وسیله پروردگار افراد زیانکار را در محکمه عدل الهی حاضر کرده ، او را به قیامت و عذابش انذار می کند و می گوید: تو از این حقیقت ، یعنی انقطاع اسباب و انساب و رجوع همه اشیا به مبداء قهار در قیامت ، غافل بودی امروز سزاوار عذاب هستی. (۴)

دنیاگرایان تنها به ظاهر حیات دنیا چشم دوخته اند و از باطن آن که آخرت است غافلند. جهنم و بهشت و نیز غوطه ور بودن تبهکاران در جهنم و تنعم بهشتیان در آغوش نعمتهای بهشتی را هم باور ندارند. پس ایجاد میکند تا آنان را از خواب غفلت بیدار ساخته و انذار داد تا پیرامون آخرت نیز باندیشند و مستحق اجر و پاداش شوند، در این مورد پروردگار می فرماید: ﴿لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ (۵) تا قومی را بیم دهی که پدران و نیاکان ( نزدیک ) ایشان ( توسط پیامبران ) بیم داده نشده اند، و به همین علت است که غافل و بیخبر ( از قانون آسمانی، نسبت به خدا و خود و مردمان ) هستند.

در جای دیگری الله متعال برای محمد صلی الله علیه وسلم یاد اوری از موسی علیه السلام میکند و میفرماید: ﴿وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ

۱- (ق ۲۲)

۲. جوزی، جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد، زاد المسیر فی علم التفسیر، ناشر، دار الکتب العربی - بیروت، سال نشر ۲۰۰۲م ج ۴ ص ۱۶۱

۳- (یس - ۶)

مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ} (۱) تو در کنار کوه طور نبودی بدان گاه که ما ( موسی را برای برگزیدن او به عنوان پیامبر ) ندا در دادیم (تا فرمانهای صادره الهی را بشنوی و هم اینک برای دیگران روایت نمائی ). ولی ( ما این اخبار را به تو می‌رسانیم ) به خاطر مرحمتی که پروردگارت نسبت به تو دارد، تا قومی را ( با آنها) بیم دهی که پیش از تو بیم دهنده‌ای (از پیامبران خدا ) به سوی ایشان نیامده است، شاید مایه عبرت و بیداری آنان گردد. با آنکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم نداء را نشنیده است ، و تفصیلات قرآن را راجع بدان نداء ننگاشته است . و لیکن این رحمت خدا است که بدین قوم او می‌شود و خدا آن اخبار را بر او می‌خواند، اخباری که دالّ بر صدق پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است در مسائلی که ایشان را بدانها دعوت می‌کند، تا این قوم را بترساند، قومی که پیش از او بیم هنده ای به سویشان نیامده است . رسالت‌های موجود در میان بنی اسرائیل، پیرامون ایشان بوده است ، ولی پیغمبری مدتهاست از زمان نیایشان اسماعیل به سوی آنان فرستاده نشده است.(۲)

همچنان در مورد مشرکین مبنی بر ادعاء شان که قرآن را محمد ساخته است، پروردگار ارشاد فرمود: {أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ} (۳)

اما ( مشرکان ) می‌گویند: ( محمد ) خودش آن را از پیش خود ساخته است ( و به دروغ به خدا نسبت داده است ) بلکه قرآن ( سخن ) حقّی است که از سوی پروردگارت ( بر تو ) نازل شده است تا گروهی را ( از خشم خدا ) بترسانی که پیش از تو پیامبری برای آنان نیامده است ، شاید هدایت یابند ( و به سوی حق رهنمود شوند ). عربهایی که پیغمبر اسلام محمد صلی الله علیه و آله و سلم به سویشان روا نه گردیده است ، پیش از او پیغمبری به سویشان فرستاده نشده است ، و تاریخ بعد از اسماعیل علیه السلام که نیای نخستین عربها است تا روزگار محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبری را ثبت و ضبط نکرده است . خداوند متعال این کتاب حقّ را برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرده است تا آنان را بدان بیم بدهد. یعنی انظار به آنانیکه: {إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ} (۴)

۱- (القصص - ۴۶)

۲- (سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۱ ص ۱۰۷)

۳- (السجدة - ۳)

۴- (یونس - ۷)

مسئلاً کسانی که ( به روز رستاخیز و زندگی دوباره ایمان ندارند و ) دیدار ما را انتظار نمی‌کشند، و به زندگی دنیوی بسنده می‌کنند ( و گمان می‌برند که جهان دیگری پس از این جهان وجود ندارد ) و به این جهان دل می‌بندند ( و برای جهان دیگر، تلاش نمی‌نمایند )، و از آیات ( قرآنی و نشانه‌های جهانی ) ما غافل و بی‌توجه می‌مانند.

## مبحث سوم

### جایگاه و نقش اصلاح گران اجتماعی در رساندن انذار:

داعیان باید اسباب، نتایج، روشها و تازه های دعوت را بررسی کنند و در مورد تعهدی که نسبت به معلم بشریت - صلی الله علیه وسلم - به عهده دارند، از خدا بترسند زیرا آنها، وارثان حقیقی پیامبرانند و کسانی هستند که این امانت بر دوش آنها گذاشته شده است. لذا هر اشتباهی که فرد داعی مرتکب می‌شود، در امت، تأثیر می‌گذارد. در درجه اول دعوتگران، مسئول اشتباهات و شکستها هستند؛ چرا که آنان ناخدایان کشتی ای هستند که اگر آنرا به ساحل امنیت سوق دهند، به خواست خدا، نجات پیدا می‌کند.

داعیان، باید رسالتشان را آنطور که خدا خواسته است، به انجام رسانند. زیرا هدف داعی که همان اقامه دین و غلبه صلاح و نیکی و نابودی و درهم پیچیدن فساد در دنیا است، باید برایش روشن باشد، سخن نیکو باعث محو گناه خواهد شد، زیرا پاداش اعمال وسیله افزایش داعی است همانگونه که الله متعال می‌فرماید: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَفُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا - يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِغِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا } (۱) ای مؤمنان! از خدا بترسید ( و خویشان را با انجام خوبیها و دوری از بدیها از عذاب او در امان دارید ) و سخن حق و درست بگوئید. در نتیجه خدا ( توفیق خیرتان می‌دهد و ) اعمالتان را بایسته می‌کند و گناهانتان را می‌بخشاید. اصلاً هر که از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری کند، قطعاً به پیروزی و کامیابی بزرگی دست می‌یابد.

نقش پیامبران پیرامون انذار کاملاً واضح و روشن است همانگونه که خود می‌گوید: (قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُدْعِيكُم إِلَى اللَّهِ وَرَأْسُكُمْ إِلَهُ) (۲) بگو: ای مردم! من تنها و تنها بیم دهنده آشکاری برای شما هستم و بس ( دیگر نه عقاب و عذاب شما در دست من است و نه حساب و کتاب شما مربوط به من ).

### مطلب اول: نقش اصلاحات در جامعه با استفاده از انذار

۱- (احزاب ۷۰-۷۱)

۲. (حج ۴۹)

اصلاح به معنای بازسازی امور و حرکت در مسیر تعالی و کمال در هر چیزی، مسئولیتی بزرگ، خطیر و سخت است و نیازمند دانش های بسیار و قدرت و توانایی های بالفعل شخص در بخش ها و حوزه های مختلف می باشد. از این روست که آن را ویژه کسانی دانسته است که از این توانایی و علم و قدرت برخوردار باشند.<sup>(۱)</sup>

البته از آن جایی که اصلاحات دارای سطوح مختلف است، هرکسی در سطحی که از دانایی و علم و قدرت آن برخوردار می باشد، لازم است که به آن اقدام کند. از این روست که اصلاح گری را وظیفه و مسئولیت عمومی مسلمانان دانسته اند. هر کسی در هر سطحی که قرار دارد می باید این مأموریت و مسئولیت را به با استفاده از انذار دادن به انجام برساند.

زیرادر سطوح عالی تنها شماری می توانند به این کار اقدام کنند و از عهده آن برآیند، که ارکان اساسی اصلاح گری را که تبشیر و انذار است به درستی آگاهی داشته باشند. از این روست که مسئولیت اصلاحات بر عهده نخبگان جامعه قرار داده شده است، طوری که الله متعال میفرماید:

{وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ} (۲)

و نتوانند مؤمنان که همگی به سفر روند چرا از هر گروهی دسته ای به سفر نروند تا دانش دین خویش را بیاموزند و چون بازگشتند مردم خود را هشدار دهند، باشد که از زشتکاری حذر کنند. روایتهای متعددی درباره تفسیر این آیه و تعیین گروهی ذکر شده است که باید با تعلیمات دینی آشنا شوند و وقتی که به سوی قوم خود برگشتند ایشان را بیم دهند. آنچه به عقیده ما با معنی آیه جور درمی آید این است: مؤمنان همه نمی توانند بیرون بروند. بلکه از هر دسته ای جماعتی از ایشان بیرون می روند - بطور متناوب می روند و می مانند، گاهی این جماعت و وقت دیگری آن جماعت - تا این جماعت با بیرون شدن و سپاهیگری و جهاد و حرکت پا به پای این عقیده، با تعلیمات دینی آشنا شوند، و مردمانی از قوم خود را که در خانه و کاشانه مانده اند با چیزی که دیده اند و با مسائلی که از این آئین در اثنای جهاد و حرکت آموخته اند بترسانند.

این است که این آئین برنامه پویایی است و کسی آن را نمی فهمد مگر شخصی که گام به گام آن می جنبد و حرکت می کند. پس کسانی که برای جهاد بیرون می روند بهتر از دیگران از دین آگاهی پیدا می کنند، زیرا اسرار و معانی دین برایشان جلوه گر و روشن می شود، و در اثنای

<sup>۱</sup> - (قواعد و رهنمون های بیداری اسلامی، شیخ محمد بن صالح العثیمین، کابل: انتشارات عازم، سال انتشار: ۱۳۸۹. ج ۱ ص ۲۱۰.

<sup>۲</sup> - (التوبه - ۱۲۲)

حرکت گام به گام با دین ، آیات دین و تطبیقات عملی آن پیدا و هویدا می آید. ولی کسانی که می نشینند آنان محتاج این هستند که مطالب را از اشخاصی بیاموزند که جنبیده اند و به تلاش ایستاده اند. زیرا آنان ندیده اند چیزی را که بیرون روندگان دیده اند، و نیاموخته اند چیزی را که آنان آموخته اند، و به اسرار و رموز این آئین پی برده اند، اسرار و رموزی که بیرون روندگان از آنها اطلاع پیدا کرده اند، بویژه اگر بیرون رفتن ایشان با پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد. بطور کلی بیرون رفتن به فهم و شعور و اطلاع و آگاهی بهتر کمک می کند.

شاید این مخالف چیزی باشد که به ذهن متبادر می شود. این که کسانی که از جنگ و جهاد و حرکت واپس می مانند، آنان افرادی هستند که برای آموزش آداب و مطالب دینی فرصت و فراغت بیشتری دارند! اما این گمانی بیش نیست . این اندیشه با سرشت این آئین نمی سازد و جور در نمی آید... حرکت اساس این آئین است . بدین خاطر است که آداب و مطالب این آئین را نمی فهمند و نمی آموزند مگر کسانی که در سایه این آئین حرکت کنند و برای استقرار آن در واقعیت زندگی مردم به جهاد و تلاش ایستند، و با حرکت عملی این آئین را بر جاهلیت پیروز گردانند. (۱)

هرکسی در هر پست و مسئولیتی که قرار می گیرد می بایست نقش اصلاح گری خویش را فراموش نکند و با شناخت مطلوب و وضعیت کنونی، اقدامات اصلاحی را انجام دهد؛ زیرا انسان مسلمان، انسانی حقیقت گرا و کمال گرا و درعین حال واقع بین است. با شناخت از واقعیت و آگاهی از آرمان های بلند انسانی در همان حوزه عمل می کند و گام برمی دارد. (۲)

### ۱. تلاش موظفین دعوت گراز طریق تبشیر و انذار به دعوتگری:

هرکسی اگر به مسئولیت تکیه می زند و یا از سوی مسئولان بالاتر ماموریتی می یابد می بایست نسبت به بازسازی امور و اصلاح آن مورد بازخواست قرار گیرد. از این روست که موسی (علیه السلام) هنگامی که به کوه طور می رود، برادر خویش را به جانشینی می گذارد و به او یادآور می شود تا امور را در مسیر اصلاحی آن قرار دهد و در اصلاح آن از طریق تبشیر و انذار بکوشد و از روش های مفسدان و کارهای آنان پیروی نکند، و تنها بخاطر اصلاحات بکوشد همانگونه که پیامبران عمل می نمودند من جمله حضرت موسی علیه السلام که پروردگار پیرامون وی می فرماید: {وَوَاعِدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ

<sup>۱</sup>- (سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۲ ص ۱۹۲)

<sup>۲</sup>- (قواعد و رهنمون های بیداری اسلامی: ج ۱ ص ۲۴).

نَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ} (۱) و ما با موسی، سی شب و عده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش (با او)، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش. و (آنها) را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی منما!». دعوت پیامبران همیشه همپای بشارت و بیم دادن بوده است، و از آنجا که ارتباط بین دعوت بسوی خدا و تبشیر و انذار بسیار استوار است قرآن در چندین آیه وظیفه ی رسولان را به بشارت و بیم دادن منحصر کرده است.

اصولاً انجام اصلاحات، امری لازم و همیشگی است، زیرا هر چیزی در یک فرآیند نیازمند تغییر می باشد و امور اجتماعی و انسانی به شدت تحت تاثیر وسوسه های شیطانی و هواهای نفسانی قرار می گیرند و از مسیر اصلی و کمالی خود دور می شوند؛ از این روست که اصلاحات دایمی از طریق تبشیر و انذار مساله همه جوامع بشری است. (۲)

---

۱- (الاعراف - ۱۴۲)

۲- (قواعد و رهنمون های بیداری اسلامی: ج ۱ ص ۸۲).

## ۱. آوردن اصلاحات توسط تبشیر و انذار در جامعه:

اصلاحات در جامعه افزون بر این که جامعه را به سوی کمال سوق می دهد و از تباهی فرصت ها و ظرفیت ها رهایی می بخشد موجب می شود تا از عذاب های استیصال و بلاهای دنیوی جامعه در امنیت قرار گیرد. از این روست خداوند جل جلاله همواره بر اصلاح گری توجه می دهد؛ زیرا انجام اقدامات اصلاحی از سوی مصلحان جامعه و با کمک مردم موجب می شود تا خشم خداوند در دنیا گریبانگیر جامعه ای نشود. (۱) از آنجا که بشارت و بیم دادن پیامبران هم دنیوی است و هم آخری، زیرا اطاعت کنندگان از فرمان خدا و رسولان را در دنیا به حیات طیبه و زندگی پاک بشارت می دهند: {فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ ۗ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ} (۲) چرا در قرون (و اقوام) قبل از شما، دانشمندان صاحب قدرتی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند؟! مگر اندکی از آنها، که نجاتشان دادیم! و آنان که ستم می کردند، از تنعم و کامجویی پیروی کردند؛ و گناهکار بودند (و نابود شدند)!. این اشاره پرده برمی دارد از سنت و قانونی از سنتها و قانونهای یزدان که جاری و ساری در میان ملتها است. ملتی که فساد و تباهی در میان ایشان به سبب بنده گرداندن مردمان برای غیر یزدان به شکلی از اشکال را ئج می گردد، و کسانی در آن میان پیدا می شوند و برای دفع همچون تباهی و فساد به پا می خیزند و به تلاش می ایستند، این چنین ملتی نجات پیدا می کند، و خدا آن را به عذاب و هلاک گرفتار نمی سازد. ملتی که ستمگران در میانشان به ستم می پردازند، و تباهکاران به تباهی می نشینند، و کسانی هم در این میان پیدا نمی شوند که برای دفع ظلم و فساد برخیزند و به تلاش ایستند، یا کسانی در این میان پیدا می شوند که این بیداد و تباهی را زشت و ناپسند بشمارند، ولی نیرو و توانی آن چنانی ندارند که واقعیت زندگی تباه شده را دریابند و در آن تأثیر بگذارند، در حق چنین ملتی سنت و قانون خدا اجراء و روان می شود و دامنگیرش می گردد، یا نابود و ریشه کن می شود و برمی افتد، و یا دچار فروپاشی یا پریشانی و نابسامانی می گردد. زیرا پروردگار هیچ قومی را که به اصلاحات دست و پا زنند هلاک نخواهد کرد: {وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا

۱- (قواعد و رهنمون های بیداری اسلامی: ج ۱ ص ۸۲).

۲- (هود - ۱۱۶)

مُصْلِحُونَ} (۱) و چنین نبود که پروردگارت آبادیها را بظلم و ستم نابود کند در حالی که اهلش در صدد اصلاح بوده باشند!

زیبنده نیست برای هیچ کسی که دست به فساد بزند، و به ویژه آنانیکه آغازگر فساد باشند، زیرا هر آنکه سنت حسنه را بگذارد برایش اجر است، همانگونه که آغازگران سنت سیئه جزای بدی است: {وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ} (۲) و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید، و او را با بیم و امید بخوانید! (بیم از مسؤولیتها، و امید به رحمتش. و نیکی کنید) زیرا رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است! به بازچه گرفتن شعائر الله انسان را از دایره انسانی بیرون داشته و باعث گناه های بزرگ می گردد، به ویژه آنانیکه پیرامون ذات الله بی پروایی می کنند: {وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ} (۳) خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید!) و خداوند شنوا و داناست.

در آیه ۲۲۴ سوره بقره تظاهر به اصلاح امور مردم با دستاویز قرار دادن اموری نادرست و باطل چون سوگند خوردن های دروغین، باز می دارد و آن را عاملی برای خشم و غضب الهی و نزول عذاب برمی شمارد. داستان های قرآن از اقوامی چون قوم ثمود که به عذاب و خشم الهی دچار شده اند، بیانگر این مطلب است که آنان نسبت به اصلاح امور جامعه کوتاهی می ورزیدند و با هرگونه حرکت اصلاحی مخالفت می کردند. (۴)

پیرامون دعوت بسوی خدا در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (مثلي و مثل ما بعثني الله به، كمثل رجلٍ أتى قوماً، فقال: يا قوم إنني رأيت جيشاً بعيني، و إنني أنا النذير العريان، فالنجاء النجاء، فأطاعه طائفة من قومه، فأدلجوا، و النطلقوا فنجوا، و كذّبه طائفة منهم، فأصبحوا مكانهم، فصبّحهم الجبش، فأهلكهم و اجتاحتهم، فذلك مثل من أطاعني فاتبع ما جئت به، و مثل من عصاني و كذّب بما جئت به من الحق) (۵) یعنی مثل من و رسالتی که بدان مبعوث شده ام مانند مردی است که نزد قومی می آید و می گوید: ای قوم! من با دو چشم خود دیدم

۱- (هود - ۱۱۷)

۲- (الاعراف - ۵۶)

۳- (البقره - ۲۲۴)

۴- قواعد و رهنمون های بیداری اسلامی: ج ۱ ص ۹۵.

۵- (بخاری، صحیح بخاری، ج ۵ ص ۵۰۰)

لشکری یورش بر شما در راه است، و من بیم دهنده غریانم (ضرب المثل مردی است که او را بدون لباس زندانی کردند به این امید که با بدن لخت فرار نکند، ولی چون شنید که علیه قوم او نقشه می کشند با آن حال خارج شد و به قبیله اش هشدار داد)، پس برای نجات خود شتاب کنید، دسته ای از قومش از او اطاعت کردند و بیرون رفتند، ولی عده ای همچنان در جای خود ماندند، و شامگاه دشمن آنها را گرفتار و نابود ساخت، پس این هم ضرب المثل من است، هر کس مرا اطاعت کند، و از شریعتی که با خود آورده ام پیروی نماید از عذاب خدا نجات خواهد یافت، و کسی که اطاعت نکند و حقی را که بدان مبعوث شده ام تکذیب کند هلاک خواهد شد.

به هر حال ترک هر گونه اصلاحاتی یا خودداری از انجام آن یا حتی تظاهر با اصلاحات خود از مهم ترین علل و عواملی است که جامعه را به تباهی می کشاند و خشم الهی را سبب می شود.

### **مطلب دوم: روش های مؤثر دعوت در اصلاح سازی جامعه:**

دعوت در اصلاح سازی جامعه نقش کلیدی دارد، هر چند برخی از افرادی که فقه و آموزه های دعوت را نیاموخته اند، از دعوتگران اسلامی خرده می گیرند که از روش انذار و بیم دادن و تبشیر در دعوت استفاده می کنند و می گویند: فلانی واعظ است، و از آنها عیبجویی می کنند به اینکه چرا فلسفه ی اموری که مردم را بدان دعوت می کنند برایشان بیان نمی کنند، از این رو از ایشان در خواست می کنند که از روش واعظی و ترسانیدن و بیم دادن و ترغیب و تشویق دست بردارند.

این منتقدان نیازمند تجدید نظر در موضعگیری شان نسبت به دعوتگران در پرتو قرآن و احادیث رسول الله ص که اسلوب دعوت را تبیین کرده اند، می باشند. خداوند نسبت به بندگان خود مهربان و رحیم است، و از نشانه های مهربانی او زنده کردن و منور ساختن درون و روان انسانها با وحی و الهام و نور خود می باشد

### **الف: بشارت و تشویق:**

یکی از عوامل و روشهای نیک و مؤثر تربیت و اصلاح فرد و جامعه، مسئله تشویق و ترغیب است بدینگونه! توصیف، تمجید، سخنان محبت آمیز، وعده های نیک، بشارتهای شریین، خیرهای سرورآفرین و اعطای مقامات، درجات و پاداشهای شایسته برای افراد نیک و لایق تذکر و یاد آوری مزایا و عواید، در انسان شوق و انگیزه می آفریند و این شوق نیز او را به اعمال نیک، به ایثار و فداکاری و به تلاش و کوشش بیشتر در راه تقواء و فضیلت سوق میدهد. پیامبران نیز از سوی خداوند آمده اند که رحمتهای بی پایان، نعمتهای بی شمار الهی، و درجات و الای را که خداوند جل

جلاله به عنوان پاداش اعمال نیک برای نیکان و بندگان صالح خویش آماده ساخته است برای ایشان مژده و خیر دهد و آنان را با الطاف و عنایات الهی و پاداش و لذایز بهشت و زندگی ابدی آخرت آشنا سازند و از این طریق آنان را بسوی اعمال نیک بکشانند اصلاح و تربیت اساسی ترین روش پیامبران است در دعوت انسان به سوی خداوند جل جلاله که در آیات تربیتی قرآن نیز این روش را بوضوح می بینیم و به همین جهت قرآن مجید پیامبران را مبشرین و منذرین می نامد.

### ب: انذار و تحذیر:

انسان طبیعتاً از خطرات، شرور، عذاب و مجازات سخت واز بدبختی و هلاکت، وحشت بیم دارد و اگر باعواقب خطرناک و شرور بار گناهان و مجازات شدید و درد ناک اعمال زشت، آشنا باشد و اگر عذاب و آتش جهنم و نکبت، بدبختی را که در انتظار ستمگران می باشد باور کننده قطعا مواظب اعمال، کردار و گفتار خود خواهد بود. و از هر آنچه گناه و زشتی است اجتناب خواهند نمود.

پیامبران آمده اند تا این حس را در انسان بیدار سازند عواقب نکبت بار اعمال زشت: عذاب درد ناک و آتش سوزان جهنم و قهر و خشم الهی نسبت به ناصالحان و گنهگاران را تذکر دهند و انسان را از مجازات سخت اعمال زشتشان بترسانند و از این طریق آنان را از کفر، شرک، گناه، فساد و آلودگی باز دارند و اصلاحشان کنند به همین جهت است که قرآن مجید پیامبران را منذر یعنی ترساننده و بیم دهنده می نامند. (۱) همانگونه که الله متعال فرمود: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا﴾ (۲) چه کسی ستمکارتر از کسی است که با آیات پروردگارش پند داده شود و او از آنها روی بگرداند ( و درس نگیرد و فرمان نپذیرد، و عاقبت معاصی و گناهانی را که کرده است ) و آنچه را که با دست خود پیشاپیش فرستاده است ، فراموش کند ؟ ! ما بر دلهای آنان ( به سبب کفر گرائیشان ) پرده‌هایی افکنده‌ایم تا آیات را نفهمند ( و نور ایمان به دلهایشان نتابد ) و به گوشه‌هایشان سنگینی انداخته‌ایم ( تا ندای حق را نشنوند ) و لذا هرچند آنان را به سوی هدایت بخوانی ، هرگز راهیاب نمی‌شوند ( و به دین حق نمی‌گروند ). استناد و متکی بودن به پدران آنان را از راه راست منحرف میساخت، کفار بیشتر به عملکرد گذشتگان خویش می بالیدند، و آئین شرکی آنان را دست می شماردند، و ایستادگی در برابر بت

۱- (قواعد و رهنمون های بیداری اسلامی: ج ۱ ص ۱۱۹).

۲- (الکھف - ۵۷)

ها را امر ناپسند تلقی داشتند، به سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم اتکاء نداشتند و آن را دروغ محض می پنداشتند همانگونه که الله متعال می فرماید: **﴿قَالُوا أَجِئْنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ﴾**<sup>(۱)</sup> گفتند: آیا به پیش ما آمده‌ای ( و دست‌اندر کار تبلیغ شده‌ای ) تا ما را بر آن داری که بُتانی را رها سازیم که پدرانمان آنها را پرستیده‌اند و تنها خدا را پرستیم و بس؟ ( ماهرگز چنین نخواهیم کرد.) پس چیزی را بر سرما بیاور که ( در برابر نافرمانی از خود) به ما وعده می‌دهی، اگر از راستگویانی.

---

<sup>۱</sup> - (الاعراف- ۷۰)

## فصل سوم

### اسباب عدم قبول انذار و واکنش انذار شده گان

کسانی که دعوت پیامبران را اجابت می کنند يك جماعت و امت را تشکیل می دهند، و نیازمند کسی هستند که رهبری و تدبیر امور سیاسی آنها را بر عهده گیرد، رسولان الهی در حال حیات خود چنین وظیفه ای را عهده دار شده اند، و شبانه روز بخاطر اعلاى کلمة الله تلاش می ورزیدند، اما تبلیغ آنان بر تعداد موثر واقع نمیشد، در این فصل ما بر آن شدید تا علل و عوامل عدم پذیرش انذار را به بررسی بگیریم که چگونه آنان در برابر تبلیغ بهترین آفریننده سرباز میزدند و خود و قوم خویش را گمراه ساخته و مستحق عذاب شدند. و آنها قرار ذیل است:

#### مبحث اول

#### اسباب عدم قبول انذار:

هر پیامبری قومه را به راه راست دعوت می کرد، و حق را برایشان روشن می ساخت، و بسوی آن فراخوانی می کرد، و این امر مورد اتفاق بین همه پیامبران بوده، سپس هر پیامبری در پی اصلاح های پدید آمده در شهر و عصر خود گام می نهاد، انحراف هم اشکال گوناگونی دارد، و به هیچ ضابطه ای منحصر نمی شود.

بدین منظور هر پیامبری در صدد درست کردن و اصلاح های موجود در عصر خویش بود، مثلاً نوح - علیه السلام - با بت پرستی مبارزه می کرد، همچنین ابراهیم، و هود پیامبر - علیهما السلام - در برابر زیاده خواهی و ستمگری و زورگویی قوم خود به پاخواست، و صالح فساد و پیروی از مفسدان را در میان قوم خود انکار می کرد و با آن مبارزه نمود، و لوط پیامبر - علیهما الصلاة والسلام - با جرم و جنایت خبیث لواط که در میان آن قوم رواج یافته بود وارد جنگ شد، همچنین شعیب با گناه و جریمه ی کم فروشی و خیانت در ترازو و پیمانانه مقاومت نمود، و به همین روش، همه این جرم و جنایات و گناه و معصیتهایی که امتها مرتکب می شدند انحراف تلقی می شود، و پیامبران این را بیان می کردند. اما تعداد زیادی انذار را از پیامبران نپذیرفتند، و در برابر آنان از هرگونه تلاش بخاطر متوقف ساختن آنان دریغ نورزیده اند.

از این رو کسانی که از پیروی پیامبران سرپیچی کرده اند، و نسبت به راه و روش آنها معترض بوده اند، در دنیا مورد سرزنش و نکوهش شدید و در آخرت نیز مورد عذاب الهی قرار گرفته اند. تا آنجا که در آخرت قطعاً چاره ای جز اعتراف به ظلم و ستم خود نداشته اند، سوالی که

اینجا مطرح میشود آن است که چه چیز باعث شد که آنان به انذار دلخوشی نشان ندادند؟ و در برابر آن سخت ایستادند؟ در این مبحث به نقاط کلیدی همان اسباب و علل می پردازیم و آن هم قرار ذیل است:

### مطلب اول: اسباب درونی:

بدون شک علل و عوامل بیشماری در این زمینه وجود دارد، اما در قرآنکریم، مسئله اسباب درونی عدم قبول انذار در آیات فراوانی تعقیب شده و عوامل اصلی آن تبیین گشته است که در این مطلب برخی عوامل را مورد بحث قرار می دهیم:

#### ۱. هواپرستی :

اولین و مهم ترین عامل اسباب عدم قبول انذار هوا پرستی است که ام المفسد و اساس و مبنای سایر انگیزه ها به شمار می رود. هوی به معنی تمایل به شهوات است و گفته اند در اصل از واژه (هوی) به معنی سقوط از بلندی گرفته شده است، چرا که سبب می شود انسان سقوط کند و در دنیا گرفتار انواع مصائب و در آخرت گرفتار آتش دوزخ شود. (۱) همانگونه که الله متعال میفرماید: {كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ} (۲) هر زمان که پیامبری چیزی را می آورد که با هواها و هوسهای آنان سازگار نبود، دسته ای (از پیامبران) را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند. تاریخ بنی اسرائیل تاریخ کهنی است. موضعگیری ایشان در برابر پیغمبر صلی الله علیه وسلم اسلام نخستین و آخرین موضعگیری نیست! ایشان بر سرکشی و رویگردانی، سر باز زدن از پیمان یزدان، هواها و هوسهای خویش را معبود خویشان قرار دادند. شاید به همین خاطر است که الله متعال تاریخ بنی اسرائیل را بر ملت مسلمان، مفصل بیان می فرماید. تا این که مسلمانان همچون بنی اسرائیل عمل ننمایند.

این است آثار شوم هواپرستی که نه تنها انذار در آن ها اثر نمی گذارد بلکه باعث ریختن خون پیامبران نیز میشود.

بدتر از آن نیست که: به دنبال هواها و هوسهایشان راه می افتند بدون هرگونه ضابطه و قاعده ای که بدان مراجعه کنند، و بدون هرگونه اصل و اصولی که وسیله ارزیابی قرار دهند و بدان بسنجند، و بدون نوری که حق را از باطل برایشان جدا سازد پس تکذیب پیامبران و فرمانبرداری از هوا و خواهش پیامدهای زشت در پی دارد همانگونه که الله می فرماید: {وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا

<sup>۱</sup> - (تفسیر نمونه: ج ۱۱ ص ۸۷۲).

<sup>۲</sup> - (المائدة-۷۰)

أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ} (۱) آنان تکذیب کردند و بدنبال هواهای خویش رفتند (یعنی تکذیب میکنند حق را و قتیکه برایشان بیاید، و هر کاری هم ثابت و ماندگار می ماند (و هیچ چیز در جهان از میان نمی رود، و انسان جزا و سزای کردار بد و نیک خود را می بیند).

امام قتاده میگوید: یعنی خیر واقع شدنی است به اهل خیر و شر واقع شدنی است به اهل شر. (۲) روی این منظور منشأ اصلی تکذیبها و مخالفتها از انذار الهی هواپرستی است که به آنها اجازه نمیداد که در برابر حق تسلیم شوند و از سوی دیگری علاقه مندی شان به بی بند و باری و به دست آوردن لذات بی قید و شرط و آلودگیهایشان به گناهان بزرگ و ستمگریها، از جمله موانع پذیرش دعوت حق بوده چرا که قبول دعوت مسئولیتهائی را به دنبال دارد که به آنها اجازه نمیداد که چنین اعمالی را انجام دهند. (۳) به تائید آیه های بالا پروردگار از منافقین صحبت به میان می آورد سپس در مورد آنان می فرماید: { أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ } سخن از آن منافقانی می گوید که کور دل و غافل بودند. آن کسانی که از مجلس پیغمبر خدا (صلی الله علیه و سلم) بیرون می آمدند، بدون این که چیزی از سخنانی را بیاموزند که می فرموده است، چیزی که بدیشان سودی برساند و راهیاب و رهنمونشان گرداند، و دلهایشان را برای تقوا و پرهیزگاری برانگیزد و به جوش و خروش در آورد، و ایشان را به یاد حساب و کتاب و سزا و جزائی بیندازد که در انتظار مردمان است، اما آنان به عملکرد زشت خویش مصر بوده و تلاش پیامبر صلی الله علیه و سلم را به باد مسخره می گرفتند. این تکذیب و دروغ شمردن آیات به خاطر پیروی از هواها و هوسهایشان است نه این که به حجت و برهان استناد جویند و تکیه کنند، و نه این که در باره حق ثابت و استوار و پایداری بیندیشند و پژوهش کنند که در همه چیز این هستی پیرامونشان است.

---

<sup>۱</sup>-(القر- ۳)

<sup>۲</sup>-(معالم تنزیل للبعوی: ج ۶ ص ۹۱۱).

<sup>۳</sup>-(تفسیر نمونه: ج ۱۱ ص ۸۷۲).

## ۲- حب دنیا:

دومین عامل قساوت قلب، و عدم قبول انذار، دلبستگی به زیب و زینت ناپایدار دنیا بوده، دنیا پرستان کسانی هستند که محور افکار و اندیشه ها، گفتار و نگرش هایشان را امور دنیا تشکیل می دهد. توجه و تعلق خاطرشان به لذت ها و نعمت های دنیاست و به آخرت نمی اندیشند و جهان آخرت برای آن ها جاذبه ای ندارد. بنابراین انذار بر منکران آخرت اثر نمی گذارد. (۱) همانگونه که الله فرمود: {ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ سَمِعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ} (۲) این به خاطر آن است که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح دادند؛ و خداوند افراد بی ایمان (لجوج) را هدایت نمی کند. آن ها کسانی هستند که خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده است.

دین مقدس اسلام تنها دین متعلق به فرد نیست، بلکه دین جامعه، و جماعت است، اغلب احکام دین به امور اجتماعی تعلق داشته، و ارتباط انسان را با جامعه تحکیم و تقویت می نماید، حدود و بعضی از مجازات ها نیز برای نگهداشت امنیت جامعه بنیانگذاری شده است. مثلاً بعد از گفتن کلمه ی توحید که هدف آن توحید و یک پارچه ساختن تمامی ملت هاست، همچنان زکات که رکن دیگر اسلام است، اساس آنرا شفقت بر اعضای جامعه انسانی به ویژه، مردم فقیر و مسکین تشکیل می دهد، اسلام مخالف جدی ترك دنیا نمودن است، و پیامبر (صلي الله عليه وسلم) می فرماید: (لا رهبانية في الإسلام) در اسلام گوشه نشینی و انزوا گرایی وجود ندارد. زیرا این گوشه نشینی ها منافی با اساس اسلام که ارتباط دادن بین انسانیت است، می باشد. اما نه به آن حد که سخت دلبستگی به دنیا فانی داشته باشیم، اگر باز چنین شد بدون شک زیانکار خواهیم بود: {إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنُّوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ} (۳) مسلماً کسانی که (به روز رستاخیز و زندگی دوباره ایمان ندارند و) دیدار ما را انتظار نمی کشند، و به زندگی دنیوی بسنده می کنند (و گمان می برند که جهان دیگری پس از این جهان

۱- (سید قطب ابراهیم حسین الشاربی (المتوفی: ۱۳۸۵هـ)، فی ظلال القرآن. ۶ مج. دار الشروق: القاهرة، الطبعة: السابعة عشر - ۱۴۱۲

هـ: ج ۵ ص ۵۲۳.)

۲- (النحل-۱۰۷-۱۰۸)

۳- (یونس - ۷)

وجود ندارد) و به این جهان دل می‌بندند (و برای جهان دیگر، تلاش نمی‌نمایند)، و از آیات (قرآنی و نشانه‌های جهانی) ما غافل و بی‌توجه می‌مانند.

{فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ} (۱) اما آن کسی که طغیان و سرکشی کرده باشد. و زندگی دنیا را (برگزیده باشد و بر آخرت) ترجیح داده باشد. قطعاً دوزخ جایگاه (او) است. طغیان و سرکشی در اینجا فراگیرتر از معنی نزدیکی است که به ذهن متبادر می‌گردد. صفتی است برای هر کسی که از حق و هدایت در بگذرد و تجاوز بکند. و گستره آن فراخ تر از طغیانگران و سرکشان صاحب قدرت و شوکت و جبروت و عظمت است، چرا که شامل هر کسی می‌گردد که از هدایت منحرف شود، و زندگی دنیا را بر زندگی آخرت ترجیح دهد، و دنیا را بجای آخرت برگزیند، و کار و تلاش خود را تنها به زندگی دنیا محدود و مربوط سازد، و حسابی برای آخرت باز نکند و آخرت را به حساب نیاورد. آخرت را به حساب آوردن و در نظر داشتن، شاهین ترازوها را در دست و دل انسان راست و درست نگاه می‌دارد. هنگامی که انسان حساب آخرت را مهمل گذارد و ناچیز انگارد، و زندگی دنیا را بر آن ترجیح دهد، همه قواعد و ارکان فهم و شعور و رفتار و کردار در زندگیش متزلزل می‌شود، و آن وقت او طاغی و یاغی و ستمگر و ستمکار و متعدی و متجاوز از محدوده انسانی خود بشمار می‌آید. (۲)

ترس از خدا سدّ و مانع محکم و استواری در برابر انگیزه‌های شدید هوا و هوس است. جز این سدّ و مانع، کمتر سدّ و مانعی است که در برابر انگیزه‌های هوا و هوس پایدار بماند و فرو نریزد. بدین خاطر است که روند قرآنی ترس از خدا و بازداشتن نفس از هوا و هوس را در آیه ای یکجا گرد می‌آورد. چون طغیان و سرکشی موجب کفر و علت العلل همه گناهان است، از این جهت کسانی که در برابر قانون خداوند جل جلاله طغیان می‌کنند و از فرمان او تعالی جل جلاله رو برو می‌تابند و خود را دستخوش بیهودگی‌های هوا و هوس زندگی دنیا می‌سازند و زندگی پست و شهوت‌گذرانی را برمیگزینند به مجازات همیشگی روبرو و در دوزخ ابدی می‌سوزند.

۱- (النازعات - ۳۷)

۲- (سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۶ ص ۹۲)

## ۲. جهل:

سومین عاملِ عدم قبول انذار، جهل و نادانی است، جهلی که قلب را سیاه کند، و انسان را زمره افراد صالح بدور دارد: {كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ} (۱) این گونه خداوند بر دل های آنان که آگاهی ندارند (جاهل اند) مهر می نهد.

در این آیه تأکید بر آن است که در قرآن برای مردم هر گونه مثالی زدیم و حقایق را به صورتهای مختلف؛ گاه وعده و وعید، زمانی امر و نهی، گاهی بشارت و انذار و گاه از راه های استدلالی بیان کردیم، ولی گروهی آنچنان جاهل اند که اگر هر آیه و نشانه ای بیاوری باز می گویند: شما اهل باطلید. و می افزاید: این ها همه به خاطر این است که خداوند بر دل های کسانی که نمی دانند و بر جهل خویش اصرار دارند و هرگز حاضر نیستند جویای حق شوند مهر می نهد و درک و تشخیص را از آنان می گیرد. در حقیقت این آیه اشاره به یکی از بدترین انواع جهل یعنی "جهل مرگب" می کند، یعنی فرد در عین این که جاهل است خود را عالم می پندارد و اگر کسی هم بخواهد او را از جهلش بیدار کند گوش شنوا ندارد. پس در جهل مرکب ابد الدهر بماند. (۲)

در جای دیگر الله جل جلاله میفرماید: {قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَأَيْكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ} (۳) هود گفت: این را تنها خدا می داند و بس. من چیزی را به شما می رسانم که برای آن فرستاده شده ام. (وظیفه من ابلاغ رسالت و رساندن پیام آسمانی است) ولیکن می بینم که شما مردمان نادانی هستید (چرا که وظیفه پیامبران را نمی دانید، یا چون نادانید و عجیب تر این که خواستار زود فرا رسیدن عذاب و بلای کردگارید). شما ارزشهای راستینی را نمی شناسید که انسانها با آنها در ترازوی خدا سنجیده می شوند. و نمی دانید که برگشت همگی مردمان به سوی خدا است. من شما را از عذاب و عقاب بیم می دهم بدان گونه که مکلف شده ام و وادار گردیده ام که شما را بیم بدهم. من نمی دانم موعد فرارسیدن آن عذاب و عقاب چه وقت و چه زمانی است، و شکل و شیوه ی آن چگونه و چطور خواهد بود. آگاهی از آن واگذار به یزدان جهان است. من تنها پیام رسان یزدانم و بس. با خدا نه ادعای علم و آگاهی را دارم و نه ادعای

۱- (الروم - ۵۹)

۲- (تفسیر نمونه: ج ۸ ص ۸۲۱).

۳- (الأحقاف - ۲۳)

قوت و قدرت را. اما شما نمیدانید من شمار جاهل می بینم (وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ) من می بینم که شما مردمان نادانی هستید (چرا که وظیفه ی پیغمبران را نمی دانید، و عجیب تر این که خواستار زود فرارسیدن عذاب و بلای کردگارید). نادانی می کنید.

بناءً از آیات ذکر شده معلوم میشود که قلب های تاریک جاهلان متعصب در برابر انذار پیامبران کم ترین اثری از خود نشان نمی دهند و عامل دیگری از عدم قبول انذار جهل و نادانی میباشد.

### ۳. تعصب و لجاجت:

چهارمین عامل عدم قبول انذار تعصب و لجاجت است که آیات قرآن بیانگر آن است که تعصب مانع پذیرش حق میشود، همانگونه لجاج بازی و تعند انسان را از حق بدور میدارد، تعداد زیادی از افراد بخاطر آن ایمان را نپذیرفتند که خویشتن را بهتر از مسلمانان میدانستند و به مسلمانان و فقیران به دیده ننگ می نگریستن همگان آنان باشند همانگونه که الله متعال می فرماید: {وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَ جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَ إِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ} (۱) پاره ای از آن ها به (سخنان) تو، گوش فرا می دهند؛ ولی بردل های آنان پرده ها افکنده ایم تا آن را نفهمند و در گوش آن ها، سنگینی قرار داده ایم. و (آن ها به قدری لجوج اند که) اگر تمام نشانه های حق را ببینند، ایمان نمی آورند تا آن جا که زمانی به سراغ تو می آیند که با تو پرخاشگری کنند. کافران می گویند: این ها فقط افسانه های پیشینیان است. در اینجا حقیقت حال و وضع تکذیب کنندگان و سرشت ایشان را مقرر می دارد. آنان کران و لالانی هستند که در تاریکیها قرار گرفته اند. در حساب و کتاب ایشان تعصب قبیله و عشیره اهمیّت داشت، نه تعصب عقیده، و پیوند خونی مهمّ بود، نه پیوند دلی و عقیدتی، گذشته از این، آنان از حمایت و هواداری خدا از دوستانش غافل بودند، و آن را به حساب نمی آوردند.

آیه در مورد ابوجهل است و با صراحت می فرماید که بر دل های این لجوجان متعصب و خودخواه پرده افتاده است. (۲) منظور از قرار گرفتن پوشش و پرده بردل ها این است که اصرار و لجاجت آن ها بر کفر و عداوت نسبت به حق همانند پرده ای بود که مانع از ایمان می گردید.

درجای دیگری الله جل جلاله وظیفه پیامبران را بیان میکند: {وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا} (۱)

۱- (الانعام - ۲۵)

۲- الحجازي، محمد محمود، التفسير الواضح:، الناشر: دار الجيل الجديد - بيروت، الطبعة: العاشرة - ۱۴۱۳ هـ، ج ۱ ص ۵۹۹.

(وظیفه پیامبران تنها مژده دادن و بیم دادن است) و ما پیامبران راجز به عنوان مژده رسان و بیم رسان نمی فرستیم . همواره کافران بیهوده به جدال می پردازند تا با جدال حق را (از میدان به درکنند و آن را) از میان ببرند. آنان آیات (قرآنی) مرا چیزی را که از آن بیم داده شده اند (که مکافات دنیوی و اخروی است، به باد) استهزاء می گیرند. این آیه پیرامون پاک داشتن روح از تعصب مضموم و ناپسندی است که انسانها را و امی دارد که بر ضد ادیان و مؤمنان و معتقدان برشورند. بلکه به انسانها می آموزد که با معتقدان ادیان و عقاید دیگر دوست و برادر باشند مادام که راه صحیح و درستی در پیش گرفته باشند و از جاده ی حقیقت و صداقت منحرف نشده باشند.

#### ۴. تقلید و اتکاء کورکورانه از گذشتگان:

تقلید کور کورانه از عملکرد گذشتگان یکی دیگری از علل و عوامل عدم پذیرش انذار از سوی پیامبران بود، تقلید از گذشتگان در واقع به دو دسته ای از افراد بستگی دارد:

**الف. پدران و اجداد:** کریم در آیاتی، پیروی کورکورانه از آباء و اجداد را مایه گمراهی می داند و در این مورد الله جل جلاله می فرماید: **{وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَ إِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ}**<sup>(۱)</sup> و هنگامی که به آن ها گفته شود: به سوی آنچه خداوند نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، می گویند آن چه از پدران خود یافته ایم، ما را بس است؛ آیا اگر پدران آن ها چیزی نمی دانستند و هدایت نیافته بودند (باز از آن ها پیروی می کنید).

پس آنان به تقلید از پدرانشان اکتفا کرده و نسبت به ایمان آوردن به پیامبران تمایلی از خودشان نمی دهند. در صورتی که پدرانشان جاهل ترین و گمراهترین مردم بوده اند. و این مستمسکی است ضعیف برای رد کردن حق و روی گردانی از حقیقت و اظهار بی علاقگی نسبت به آن، و دلیلی بر عدم انصاف آنهاست. پس اگر آنها راه هدایت را در پیش می گرفتند و نیت پاکی داشتند، می بایست از حق پیروی کنند. و هرکس که حق را هدف خویش قرار دهد و آن را باطل مقایسه کند قطعاً حقیقت برای او روشن می شود، و اگر انصاف داشته باشد از آن پیروی می نماید.

<sup>۱</sup>-(الکھف - ۵۶)

<sup>۲</sup>-(المائده - ۱۰۴)

بعد از آنکه خداوند متعال پیروی نکردن آنها از پیامبران و پیامهایشان را بیان کرد و اینکه آنها تقلید از پدرانشان را بر تبعیت از کتابهای نازل شده بر پیامبران را ترجیح دادند، بیان داشت که آنها به حق روی نمی آورند و هرگز از کینه و مخالفت خود دست بر نمی دارند.<sup>(۱)</sup>

سید قطب<sup>(۲)</sup> (رحمه الله) در تفسیر فی ظلال القرآن میگوید: معنی این زشت شمردن پیروی از پدران و نیاکانشان که چیزی نمی دانسته اند و رهیاب نبوده اند، این نیست که اگر پدران و نیاکانشان چیزی می دانستند و راهیاب میبودند، برایشان جائز و درست بود از آنان پیروی نمایند، و چیزی را رها سازد که خدا نازل فرموده است و به ترک چیزی بگویند که پیامبر (صلی الله علیه و سلم) آن را بیان و روشن نموده است بلکه این امر بیان واقعیت ایشان و واقعیت پدران و نیاکان پیشین آنان است و بس. زیرا پدران و نیاکانشان هم از پدران و نیاکان گذشته خود پیروی می کرده اند و دنباله رو عرف و قانونی بوده اند که اجدادشان برایشان وضع کرده اند و یا خودشان برای خویشان پدید آورده اند. هرکسی که به شرع و قانون خود، یا به شرع و قانون پدران و نیاکان خود تکیه و بسنده کند، در حالی که شرع و قانون خدا و سنت پیامبر (صلی الله علیه و سلم) خدا را نیز در دسترس داشته باشد، قطعاً چیزی نمی داند و راهیاب نیست! هر چند که خودش خویشان را چیزی بشمار آورد و خویشان را فرزانه و راهیاب بنامد، و یا دیگران او را چیزی بدانند و وی را فرزانه و راهیاب بنامند. چه پروردگار جهان راستگوتر از هرکسی است و واقعیت امر نیز گواه بر این است. هر کس از شرع و قانون خدا کناره گیری نماید و به سوی

۱- تفسیر راستین: ج ۱ ص ۲۲۶.

۲- صاحب تفسیر مشهور "فی ظلال القرآن" و مؤلف مجموعه کتب فکری و اندیشه ای که بر بسیاری از جنبشها و جماعتها اسلامگرای معاصر تأثیر گذاشته، استاد ادیب سید قطب ابراهیم در سال ۱۳۲۴ هـ برابر با ۱۹۰۶ م. در روستای «موشه» از توابع استان آسیوط در صعيد مصر به دنیا آمد. در سال ۱۳۳۸ هـ برای ادامه تحصیل به قاهره رفت و در سال ۱۳۵۲ هـ با دریافت لیسانس ادبیات از دانشگاه قاهره فارغ التحصیل شد. وی تحت تأثیر مکتب ادبی «العقاد» قرار داشت و پس از فراغت از تحصیل بعنوان معلم در روستاها و شهرهای زیادی خدمت کرد. در سال ۱۳۶۸ هـ ق مطابق ۱۹۴۸ م. وزارت معارف مصر وی را همراه عده ای دیگر برای مطالعه در خصوص روشهای آموزش و پرورش در آمریکا به آن کشور اعزام کرد. سید قطب دو سال در آمریکا بود سپس برگشت و در وزارت معارف به سرعت ترقی کرده و به مقامات عالییه رسید و به مقام کفیل وزارت معارف ارتقاء یافت. ولی در سال ۱۳۷۲ هـ چند ماه پس از انقلاب ژوئن، از مقام خود استعفا کرد، از وی کتابها و رساله های مهم فراوانی مانده است از جمله: «هذا الدين، المستقبل لهذا الدين، معالم في الطريق، خصائص التصور الاسلامي. ولي مع الأسف رئيس جمهور مصر جمال عبدالناصر این درخواستها را نپذیرفت و سید در صبحگاه روز دوشنبه ۱۴ ربیع الآخر ۱۳۸۵ هـ برابر آگوست ۱۹۶۶ اعدام شد. (اعدام استاد سید قطب: صفحه ۱-۲)

شرع و قانون مردمان بگراید، گمراه بس نادانی است ، گذشته از این که دروغگوی کافر و ناسپاسی است!<sup>(۱)</sup>

جاهل از عالم اقتدای کند ولی این امر معقول نیست که از معیار علم و عقل و هدایت تجاوز نموده اقتدا آبا و اجداد و یا برادری را طریقه کار خود قرار دهند بدون این که بدانند که خود این مقتدا کجا دارد راه می رود و مارا که دنباله رو آنها قرار بگیریم به کجا می رساند.

قرآنکریم معیار معقول و واضح اقتدارا بر دو چیز قرار داده ! علم و اهتدا. مراد از علم شناخت منزل مقصود و راه هی رسیدن به آن است و مراد از اهتدا همان رفتن به مسیر مقصد است یعنی عمل مستقیم بر علم صحیح.<sup>(۲)</sup> همانگونه که الله می فرماید: {وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرْنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ} <sup>(۳)</sup> (کافران) وقتی که کار زشتی (همچون شرك و طواف كعبه را در حال برهنگی) انجام می دهند ، می گویند: پدران خود را بر این کار دیده ایم (و نیاکانمان را بر این روش و برنامه یافته ایم و ما به دنبال آنان رفته و از ایشان پیروی می کنیم) و خدا ما را بدان دستور داده است ! بگو (ای پیامبر!) : خداوند به کار زشت دستور نمی دهد. آیا چیزی را به خدا نسبت می دهید که ( مستند و دلیل صحت آن را ) نمی دانید؟. این چیزی بود که مشرکان عرب می کردند و می گفتند. به گناه برهنه در طواف بیت الله دست می یازیدند، هر چند که زنان هم در میان ایشان می بودند. گمان هم می بردند که خدا این چنین کار پلشتی را بدیشان دستور داده است . می گفتند: خدا به نیاکانشان بدان دستور داده است و نیاکانشان آن را اجراء کرده اند. نیاکانشان هم آن را بدیشان سفارش نموده اند و آنان هم سفارش نیاکان خود را انجام می دهند. <sup>(۴)</sup>

به تائید آیه های قبلی پروردگار بخش دیگری از اندیشه های جاهلی را به نمایش می کشاند آنجا که می فرماید: {وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ} <sup>(۵)</sup> هنگامی که بدانان گفته می شود : از آنچه خدا نازل کرده است (کتاب آسمانی و حق و هدایت) پیروی کنید ، می گویند : بلکه ما از چیزی پیروی می کنیم که

۱- تفسیر فی ظلال القرآن: ج ۲ ص ۱۳۸.

۲- تفسیر نمونه: ج ۷ ص ۳۴۱.

۳- (اعراف -۲۸)

۴- (بن عاشور، التحرير و التنوير، ج ۸ ص ۱۱۳-۱۵۸)

۵- (لقمان -۲۱)

پدران خود را بر آن یافته‌ایم. آیا ( از نیاکان خود پیروی می‌کنند ) ولو این که اهریمن ایشان را به عذاب آتش فروزان ( دوزخ ) فرا خواند؟.

مشرکان عرب با وجود شرکی که می‌ورزیدند همچون جاهلیت‌های جدید به خود نمی‌بالیدند و لاف نمی‌زدند. اما آنان دروغ‌شاخدار می‌گفتند و افتراء نابهنجار فراهم می‌دیدند و شریعت را تهیبه و ترتیب می‌دادند، سپس می‌گفتند: گذشتگان ما را بدان دستور داده است! و ما همانند گذشتگان خویش عمل می‌نمائیم. در واقع این اندیشه و دیدگاه در طول تاریخ بشریت یکسان بوده، و این سخنی بوده که در برابر دعوت همه پیامبران گفته شده است همانگونه که الله می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ قَالَ أُولُو جُنُودٍ بَاهِدِيٍّ مِّمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ ۗ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۙ﴾ (۱) همین گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو ( پیامبر ) بیم‌دهنده‌ای مبعوث نکرده‌ایم مگر این که منتعمان ( خوشگذران و مغرور از ثروت و قدرت ) آنجا گفته‌اند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته‌ایم ( که بت‌پرستی را بر همگان واجب کرده است ) و ما هم قطعاً ( بر شیوه ایشان ماندگار می‌شویم و ) به دنبال آنان می‌رویم بلکه ایشان می‌گویند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی و راه و رسمی دین و آئین یافته‌ایم و ما نیز بر پی آنان می‌رویم ( و راه بت‌پرستی را در پیش می‌گیریم. پیامبرشان ) گفت: آیا اگر من آیینی هدایت‌بخش‌تر از آنچه پدرانتان را بر آن یافتید آورده باشم ( باز هم انکار می‌کنید )؟ گفتند: ( آری، ) ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم.

از آیه مذکور چنین استنباط می‌شود که تنها دلیلشان برای مخالفت با انبیا همین مسئله تقلید کورکورانه از پدران و نیاکان است و به این ترتیب، عادات ناپسند از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و روح تقلید چنان حجاب ضخیمی بر عقل و فکر آن‌ها می‌اندازد که هر حقیقتی را منکر می‌شوند. (۲)

**ب. وجود رهبران فاسد:** نخستین گروهی که همواره در برابر دعوت و انذار انبیا موضع‌گیری می‌کردند، سلاطین و زمامداران بودند. قدرت‌های حاکم بر جوامع که به استثمار و استعمار مردم می‌پرداختند و هیچ‌گاه نمی‌توانستند وجود انبیا را تحمل کنند؛ دعوت انبیا را مخالف خواسته‌ها و منافع شخصی خود می‌دانستند و برای نابودی ایشان از هیچ توطئه‌ای دریغ

<sup>۱</sup> - (الزخرف - ۲۲-۲۳)

<sup>۲</sup> - (بغوی حسین بن مسعود، تفسیر معالم التنزیل: ( ج ۴ ص ۱۲۱ )

نداشتند. آن ها نه تنها خود ایمان نمی آوردند و هدایت نمی شدند بلکه در جهت گمراه کردن افراد دیگر نیز می کوشیدند و برخی افراد جاهل نیز چشم و گوش بسته، دنباله روان ها بوده اند و با این که پیامبران گفتمانی ها را گفته اند و اتمام حجت نموده اند؛ با وجود داشتن اراده و اختیار، سخنان پیامبران را رها کرده و به دنبال گفتار بی اساس رهبران خودرفته اند<sup>(۱)</sup>. الله پیرامون آنان فرمود: **{وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا}**<sup>(۲)</sup> و می گویند: پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و ما را گمراه ساختند (البته وجود چنین افرادی، مختص به زمان انبیا نبوده، بلکه در همه جوامع و در جامعه کنونی نیز افراد پست و فرومایه و دوستان منحرف و بی بندوبار همان نقش را ایفا می کنند. در آخرت آنان سخت خشمگین هستند بر رؤساء و کبراء و بزرگان خود، آن سروران و آقایانی که آنان از ایشان اطاعت کرده اند و گمراهشان نموده اند. ن گاه انتقام گرفتن از سرورانشان و خشمگین شدن بر بزرگانیشان از ژرفاهای وجودشان برمی جوشد، انتقام گرفتن و خشمگین شدن بر کسانی که ایشان را گمراه کرده اند و از راه به در برده اند. همچنین به سویی خداوند یگانه برمی گردند و توبه می نمایند، بدان هنگام که به سویی خدا گشتن و توبه کردن سودی نمی بخشد. اما آنان در برابر فرمان و رهنمای های پیامبران سر باز میزدند و میگفتند:

**{وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ}**<sup>(۳)</sup> ما به هر شهر و دیاری که پیامبری را فرستاده ایم، سران و منتعمان (مراد رؤساء و اغنیاء و زورمداران و منتعمان و بالاخره مستان ناز و نعمت و قدرت است) آنجا گفته اند: ما بدانچه آورده اید باور نداریم. این آیه گوشه ای از مشکلات و معضلات و موانع و پیکارها و مبارزه هائی را بیان می دارد که دعوت اسلامی با آنها برخورد داشته است. پیکار با جاهلیتی که بدان هنگام بر دلها و درونها حاکم بوده است پیکار حق با باطل، اما پروردگار یگانه آنان چنین انداز میدهد که: **{بَرَزْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَجِيداً}**<sup>(۴)</sup> مرا واگذار با آن کسی که او را تک و تنها (و بدون دارائی و اموال و اولاد) آفریده ام.

<sup>۱</sup>- (فی ظلال القرآن: ج ۵ ص ۶۷۱).

<sup>۲</sup>- (الاحزاب - ۶۷)

<sup>۳</sup>- (السبا - ۳۴)

<sup>۴</sup>- (المدثر - ۱۱)

اشاره به ولید ابن مُغیره (۱) است که: یکی از افراد سرشناس مگه بود و برای اذیت و آزار مؤمنان تلاش بسیار می‌کرد. در اینجا هر کافر و منافقی مراد است که برای جلوگیری از اسلام و اذیت مسلمانان در تَك و تاز باشد. واژه ( وَجِيداً ) می‌تواند حال مفعول محذوفی، یا حال فاعل باشد. معنی دیگر آیه: مرا واگذار با کسی که تنها خودم او را آفریده‌ام. مرا تنها واگذار با کسی که او را آفریده‌ام ( که برای عذاب و عقاب او من کافی و بسنده‌ام ).

## ۵. وسوسه های شیاطین:

یکی دیگر از عواملی که موجب قساوت قلب و افکنده شدن پرده بردل و دیده می‌شود که نه پذیرد انذار الهی را وسوسه های شیطان است. البته بر خلاف آنچه که بعضی می‌پندارند، «شیطان» اسم خاص ابلیس نیست، بلکه مفهوم عامی دارد و شامل هر موجود متمرّد و طغیانگر و خرابکاری می‌شود، خواه از جن باشد خواه از انسان ها و یاغیر آن ها (۲). شیوه آگاهی رسانی قرآن پیرامون شیطان تغییر نموده وسوسه شیطان را به تصویر می‌کشد که دارد مشرکان را برمی‌انگیزد و برای این خروج تحریک و تشویقشان می‌نماید، آن خروج و بیرون آمدنی که خواری و زبونی و ناامیدی و زیان و شکست بهره ایشان کرد آنجا که می‌فرماید: ﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَ لَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (۳) چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، تسلیم نشدند و خضوع نکردند؟! بلکه دل های آن ها قساوت پیدا کرد و شیطان، هرکاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داد.

این آیه از گروهی از اقوام پیشین سخن می‌گوید که پیامبرانی به سراغ آن ها آمدند ولی آن ها از تسلیم شدن در برابر حق، سرباز زدند. قرآن می‌فرماید: چرا هنگامی که مجازات ها به سراغشان آمد تسلیم نشدند؟ بعد، عامل آن را دو چیز می‌داند: اول تیره و انعطاف ناپذیر شدن دل ها و دوم: زینت دادن اعمال توسط شیطان به گونه ای که کارهای خلاف را صواب و زشتی ها را زیبا می‌پنداشتند، اما راه بیرون رفت از وسوسه های شیطانی در قرآن کریم وجود دارد که

۱- ولید بنُ المغیره بن عبد الله بن عمر بن مخزوم، مادرش أمیمة بنتُ الولید بنِ عُثَیْبِ بنِ أبی حَرْمَلَةَ است، ولید از بزرگان و فضات

قریش در ایام جاهلی بود، و پدر صحابیان جلیل القدر: خالد بن ولید و ولید بن ولید است، در غزوه بدر اسیر گردید او را عبدالله بن جهش اسیر ساخت، همچنان او کسی است که مردم قریش را جمع کرد و پیشنهاد داد تا در ایام حج به مردم تبلیغ کنند که محمد صلی الله علیه و سلم: جادوگر است که بین زن و شوهر تفریقه میندازد و در جاهلی و بعد از هجرت وفات کرد و در حجون دفن گردید. (اعلام

لزرکلی: ج ۸ ص ۱۲۲).

۲- (تفسیر نمونه: ج ۱ ص ۴۸).

۳- (الانعام - ۴۳)

ای کاش آنان به قرآن ایمان می آوردند از تا از وسوسه های شیطانی در امام می ماندند، همانگونه که خداوند می فرماید: { وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ }<sup>(۱)</sup> و اگر وسوسه ای از شیطان به تو رسید ( و خواست تو را از مسیر منحرف و از هدف باز دارد ) به خدا پناه ببر ( و خویشتن را بدو بسپار ) . او شنوای دانا است ( و همه چیز را می شنود و همه چیز را می داند و هرچه زودتر به فریادت می رسد ).

. غیر از پدیده های درونی، عوامل بیرونی نیز بر عقل و درک انسان اثر می گذارند و مانع معرفت و شناخت حقایق می شوند که در قرآن به برخی از این عوامل اشاره شده است که اسباب بیرونی عدم قبول انذار میباشد.

### **مطلب دوم: اسباب بیرونی :**

در قرآن کریم، مسئله اسباب بیرونی عدم قبول انذار هم از عوامل اصلی آن بیان شده است، ناگفته نباید گذاشت به همان پیمانیه که عوامل درونی مانع پذیرش آنان میشد به همان پیمانیه و یا هم کمتر از آن عوامل بیرونی نیز بود، که به چندی از آن عوامل را مورد بحث قرار می دهیم.

#### **۱. وجود تبلیغات سوء و محیط نامناسب:**

از زمان ظهور اسلام تاکنون دشمنان این دین لحظه ای از توطئه و دسیسه علیه آن غفلت نورزیده و همواره در پی آن بوده اند تا به هر طریق ممکن مسلمانان را از اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و عمل به دستورات خداوند بازدارند. با گسترش اسلام کفار و مشرکین تلاش نمودند تا از داخل به آن ضربه بزنند و بدین وسیله انتقام خود را از پیروانش بگیرند. آنان از هیچ شیوه ای برای ایجاد انحراف در این آیین فروگذار نکردند. تبلیغات سوء و محیط نامناسب هم یکی از عوامل از عدم قبول انذار الهی است که از زمانهای بسیار دور در برابر دعوت پیامبران بکار گرفته میشد همانگونه که سامری از فرصت استفاده برد و مردم را به گوساله پرستی وابسته کرد: {قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ} (۲) فرموده: ما قوم تو را بعد از تو آواز مودیم و سامری آن ها را گمراه ساخت.

این آیه در مورد قوم موسی (علیه الصلاة والسلام) است که سامری از نبود حضرت موسی (علیه الصلاة والسلام) سوء استفاده کرد و به منحرف ساختن گروه عظیمی از مردم از مسیر توحید پرداخت و از قرائن به دست می آید که او از تبلیغات خاصی برای فریب دادن مردم و شست

<sup>۱</sup>- ( الاعراف ۲۰۰ )  
<sup>۲</sup>- ( طه-۸۵ )

وشوی مغزی آنان استفاده کرد به گونه ای که حجابی بر عقل آن ها افتاد و کم کم حرف های او را باور کردند و گوساله پرست شدند. موسی (علیه الصلاة والسلام) بعد از مراجعت به آن ها گفت: **{ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا ۚ أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُم مَّوْعِدِي قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا أَوْزَارًا مِّن زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ }** (۱) گفت ای قوم من! مگر پروردگارتان وعده نیکویی به شما نداد؟! آیا مدت جدایی من از شما به طول انجامید، یا می خواستید غضب پروردگارتان بر شما نازل شود که با وعده من مخالفت کردید؟ آن ها در جواب گفتند: ما به میل و اراده خود از وعده تو تخلف نکردیم بلکه سامری این چنین القا کرد برای ما. (۲)

داستان گزینش گوساله ی بنی اسرائیل و پرستیدن آن در غیبت موسی علیه السلام هنگامی که بالای کوه به میعادگاه پروردگار خویش رفته بود، بطور مشروح در سوره ی طه آمده است که از لحاظ نزول ، مقدم بر این آیات می باشد. بنی اسرائیل قبلاً با پیغمبرشان گفتگو کرده بودند و از او خواسته بودند که برای آنان معبودی ترتیب دهد، همین که قوم بت پرستی را دیده بودند که سرگرم بتنهائی بودند که داشتند پیغمبرشان ایشان را از این اندیشه بازداشت و پاسخ تندی بدیشان داد.

## ۲. ترس از نیروی بیرونی:

مشرکان معذرت خود را از عدم پیروی از هدایت چنین می آورند که می ترسند اگر آنان از عقائد قدیمی خود دست بردارند، عقائد کهنی که به خاطر آن عقائد، دیگران از ایشان پیروی می کنند، و به تعظیم بیت الله الحرام می پردازند، و برای متولیان آنجا کرنش می برند، مردمان آنان را در ربایند و نابودشان نمایند، **{ وَقَالُوا إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُخْطِفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نَمُكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجَبَى إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِن لَّدُنَّا وَلَكِن أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ }** (۳) مشرکان مگه به پیغمبر عرض کردند ( و گفتند : اگر همراه تو هدایت را پذیرا شویم ( و از برنامه توحیدی اسلامی پیروی کنیم ، قبایل نیرومند عرب به جنگ ما برمی خیزند و ) ما را از روی زمینمان می ربایند ( و نابودمان می نمایند . پس هر چند به حقایق اسلام معترفیم ، ولی برای حفظ جان و مال و مقام خود حاضر به قبول ایمان نیستیم ! ) . مگر ما حرم پر امن و امانی را برای ایشان فراهم نیاورده ایم که محصولات و میوه جات فراوانی ( از نواحی مختلف )

۱- (طه ۸۶)

۲- (تفسیر فی ظلال القرآن: ج ۵ ص ۶۷۵).

۳- (سوره قصص ۵۷)

به سوي آن آورده مي شود ؟ ! ( وقتي که در حال کفر ، ايشان را از امنيت و مواهب زندگي برخوردار مي گردانيم ، چگونه آنان را با وجود ايمان و اطاعت از فرمان ، در دست ديگران رها مي گردانيم ؟ اين محصولات و ثمرات ) داده ما است ( بدیشان . ) و ليکن بيشتر آنان ( اين را ) نمي دانند.

از آيه بالا به خوبي فهميده ميشود که آنان منکر رسالت نيستند، يعنی آنان منکر اين نيستند که اسلام هدايت است ، و ليکن مي ترسند مردمان ايشان را بربايند و نابودشان نمايند، اما آنان فراموش مي کنند که تنها خدا حافظ و نگهبان است. اين بدان خاطر بود که ايمان آميزه دلهاي ايشان نگريده بود، وگرنهديدگاه ايشان درباره نيروهای بيرونی دگرگون مي شد، و سنجش امور برايشان به گونه ديگري درمی آمد، و قطعاً مي دانستند که امن و امان جز در جوار پروردگار نيست.

## مبحث دوم

### واکنش انذار شده گان:

بعضی از مردم چنان تحت تأثير پيام و دعوت پيامبران عليه السلام قرار گرفتند که خود را فدای دينشان می کردند، در حالی که برخی ديگر نه تنها گفته های پيامبران: را رد می نمودند، بلکه عليه ترويج اين رسالت الهی به جنگ برمی خاستند. اين واکنش های متفاوت مبین آن است که چنين نبوده که همه مردم دارای مشکل شناخت بوده و از عواقب رفتارشان آگاه نبودند. کفر، دلبستگی و خوگیری عميق به آسایش و تجملات، انتظار ظهور پيامبرانی از غير نوع انسان (مثلاً فرشتگان) برخی از انگيزه هایي بودند که گروهی را وادار به رد و يا جنگ عليه رسالت پيامبران عليه السلام نموده بود که به در بحث های بعدی به آن می پردازيم:

{ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ } ( ۱ ) تصوير گروه گزيده اي که عملاً حقيقت ايمان در آنان نمودار گشته است. تصوير هر گروهی است که اين حقيقت بزرگ در ايشان نمودار شود، بر اين اساس است که خداوند بزرگوار چنين گروه مؤمناني را بزرگ داشته، و آنان در حفظ و امانش داشته است. اعتراف به شنيدن و اطاعت کردن ، عذر تقصير به پيشگاه خدا بردن است و احساس عجز و ناتواني نمودن است. اثر ايمان به خدا و فرشتگان او و کتابها و پيغمبرانش ، در اين واژه ها جلوه گر مي شود، و در شنيدن و فرمانبرداري کردن نمايان مي

۱- ( البقره ۲۸۵ )

گردد. شنیدن هر آنچه از سوی خدا برایشان آمده است ، و اطاعت از هر آنچه خدا بدان فرمان داده است

اما تعداد دیگری واکنش بر عکس داشتند آنان گفتند: { قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا } ( ۱ ) ( در این هنگام اعلان آمادگی کردند و ) گفتند : شنیدیم ، ولی ( به زبان عمل گفتند : ) نافرمانی کردیم !. چنین گفتاری ، تصویر زنده ای از واقعیت خاموشی را به همراه دارد که گویی آنچه رخ داده است گویا بوده و از حقیقت خویش سخن به میان می آورد. ایشان با زبان خود اظهار داشتند: شنیدیم . و با اعمال خویش گفتند: سرکشی کردیم . در اصل هم ، آنچه به سخن روان بر لبها، معنی و مفهوم می بخشد، واقعیتی است که انجام می پذیرد و در عالم خارج مشاهده می گردد. چنین دلالت عملی ، از سخن گفته شده بسی جاندارتر و نیرومندتر است، زیرا همخوانی کردار با گفتار، میزان دآوری و اساس ارجمنداری است.

بخش دیگری از انذار متوجه منافقین میشد، آنان با آنکه در ظاهر ساکت بودند اما در باطن سخت روی گردان بوده و از سخن پیامبر صلی الله علیه و سلم دوری می جستند همانگونه که الله متعال پیرامون آنان می فرماید: { وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا } (۲) و زمانی که بدیشان گفته شود : به سوی چیزی بیائید که خداوند آن را ( بر محمد ) نازل کرده است ، و به سوی پیغمبر روی آورید ( تا قرآن را برای شما بخواند و رهنمودتان دارد ) ، منافقان را خواهی دید که سخت به تو پشت می کنند ( و از تو می گریزند و دیگران را نیز از تو باز می دارند). از آیه های بالا دانسته شد که شیوه پذیرش و عدم پذیرش انذار نسبت به اشخاص و گروه ها کاملا متفاوت بوده است.

### مطلب اول: کافر شدن در برابر انذار:

هرگاه به تاریخ بشریت در باب انذار برگردیم به خوبی در میابیم که افراد دنیا پرست نسبت به هرکس دیگری در برابر پیامبران ایستادگی نموده اند، بخاطر آنکه آنان معیار برتری ثروت را می پندارند همانگونه که الله از آنان یاد آوری میکند: { وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ } (۳) و ما در هیچ شهر و دیاری پیامبری بیم دهنده نفرستادیم مگر اینکه مترفین آنها (که مست ناز و نعمت بودند) گفتند: (ما به آنچه فرستاده شده‌اید کافریم). خداوند متعال به تائید آیه بالا نیز می فرماید که معیار سنجش برتری نزد کفار همانا نسب و

۱- ( البقره ۹۳ )

۲- ( نساء ۶۲ )

۳- ( السبأ-۳۴ )

ثورت است آنجا که می فرماید: {وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ} (۱) و این‌گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبر اندازکننده‌ای نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور آن گفتند: ما پدران خود را بر آئینی یافتیم و به آثار آنان اقتدا می‌کنیم.

از آنجا که روح و روان کفار با شرک آمیخته شده است، پس انذار به آنان سود نمی‌بخشد، زیرا درک و فهم نمی‌کنند چون حائل و مانعی بسان چنین حائل و مانع سخت و ستبری میان ایشان و میان حقّ قرار دارد همانگونه که الله می‌فرماید: {إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} (۲) کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی‌کند که آنان را (از عذاب الهی) بترسانی یا نترسانی؛ ایمان نخواهند آورد. خداوند فرمان خود را در باره ایشان به اجراء درآورده است، به سبب آنچه از سرشت دل‌هایشان می‌دا نسته است، دل‌هایی که ایمان بدانها راه نمی‌یابد. بیم دادن به دلی سود نمی‌رساند که برای اینان آماده نباشد، و دریچه آن بر ایمان بسته شده باشد، و میان آن و میان ایمان سدّها و مانعها ایجاد شده باشد. زیرا بیم دادن دلها را نمی‌آفریند، بلکه دل را بیدار می‌گرداند که زنده و آماده دریافت باشد، به تائید آیه بالا پروردگار در سوره یس نیز فرموده است: {وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ} (۳) چه آنان را بترسانی و چه ایشان را نترسانی، برایشان یکسان است ایمان نمی‌آورند.

### **مطلب دوم: اظهار تعجب در برابر انذار پیامبر صلی الله علیه و سلم:**

در گذشته‌ها عرف بر این بود که فرشتگان باید همه کارهای خارق‌العاده را انجام دهند، بناء زمانیکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم مبعوث شد، یکی از مسائلیکه آنان را سخت در حیرت انداخته بود آنکه چگونه پروردگار افراد انسان را به عنوان پیامبر فرستاده است، همانگونه که الله متعال در این مورد می‌فرماید: {بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ} (۴) آنها تعجب کردند که پیامبری اندازگر از میان خودشان آمده؛ و کافران گفتند: این چیز عجیبی است! بر اساس نظریات اجتماعی، رفتار اجتماعی انسان‌ها متناسب با میزان انتظارات آنان انگیزته می‌شود. واکنش‌های مردم نسبت به پاداش و کیفر (محرك‌های لذت‌گرایانه) و در

<sup>۱</sup>-(الزخرف-۲۳)

<sup>۲</sup>-(البقره - ۶)

<sup>۳</sup>-(یس ۱۰)

<sup>۴</sup>-(ق-۲)

خصوص بحث فعلی ما نسبت به انذار عامل عمده استوار است: سطح توقع برای کسب و ارضاء انگیزه ها و همچنین ارزشی که به این انگیزه و ارضاء آنها داده می شود.

داستان تعجب کردن از این که پیغمبر انسان باشد داستان کهنه و قدیمی است. از دیرباز این داستان تکرار می گردد و بازگویی می شود. همه قومه‌ها و نژادها آن را گفته اند، و از ابتدای رسالت‌های آسمانی با تکرار و بازگویی آن بدان استناد جسته اند. پیغمبران از میان انسانها آمده اند، و مردمان نیز پیوسته به این اعتراض زبان گشوده اند و به تکرار آن اقدام نموده اند: **{وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ}** (۱) (آنها تعجب کردند که پیامبر بیم دهنده ای از میان آنان به سویشان آمده؛ و کافران گفتند: این ساحر بسیار دروغگویی است).

واجب ترین چیز و نزدیک ترین چیز به حکمت و منطق این است که بیم دهنده از خود انسانها باشد. انسانی باشد که درک و فهم کند و دیگر آنکه بداند چه نقصها و ضعف‌هایی انسانها دارند. چه آرزوها و کشش‌هایی در خود می یابند. چه تلاشها و کارهایی را می توانند و چه تلاشها و کارهایی را نمی توانند. چه مانع‌هایی بر سر راهشان است. و چه انگیزه‌هایی در ایشان موثر می افتد، و چه پاسخ‌هایی به انگیزه‌ها می دهند، بیم دهنده باید انسان باشد و میان انسانها زندگی بکند و از خودشان باشد. تا زندگی او سرمشق زندگی انسانها باشد، و خودش نمونه‌ای برای آنان باشد. آنان احساس بکنند که او ی از خودشان است، و میان ایشان و میان او همگونی و پیوند باشد. تا از آنان خواسته شود که برابر برنامه‌ای عمل کنند و بیایند و بروند که او بدان عمل می کند و برابر آن می آید و می رود و ایشان را به پیروی از آن دعوت می کند، و آنان توان عمل بدین برنامه را دارند و می توانند برابر آن بیایند و بروند، چون انسانی از خودشان جلو چشم‌انشان آن را در زندگی عملی خود پیاده می کند و تحقق می بخشد. اصطلاحات آنان را بداند و عادات و آداب و تفصیلات زندگی ایشان را درک و فهم بکند. آنان هم زبانش را بدانند، و از او فهم کنند و بدو بفهمانند. تفهیم و تفاهم داشته باشند. بدو پاسخ دهند و از او پاسخ بشنوند.

گاهی ما انتظار وقوع یک پی آمد رفتاری را نداریم؛ چرا که یا به آنچه دیگران در این باب می گویند معتقد نیستیم یا احتمال وقوع آن پی آمد را قابل توجه نمی دانیم و گاهی اصلا پی آمدهای رفتاری را بی ارزش می دانیم. بنا به مفاد آیات قرآن دلیل ارتداد کافران بی اعتقادی یا فقدان بینش آنان است. (۲)

<sup>۱</sup>-(۴-)

<sup>۲</sup>- تفسیر فی ظلال القرآن: ج ۵ ص ۴۳۲.

## مطلب سوم: استهزاء در برابر انذار:

بنابراین، آن ها انذار پیامبران را بی ارزش تلقی کرده، آن را به تمسخر گرفتند. در مورد الله متعال میفرماید: {وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۚ وَيَجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ ۚ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُوًا} (۱) ما پیامبران را، جز بعنوان بشارت دهنده و انذار کننده، نمی فرستیم؛ اما کافران همواره مجادله به باطل می کنند، تا (به گمان خود)، حق را بوسیله آن از میان بردارند! و آیات ما، و مجازاتهایی را که به آنان وعده داده شده است، به باد مسخره گرفتند!

این گونه کسانی که آیات خدا و پیغمبران او را استهزاء می کنند و به تمسخر می گیرند، امیدی بدانان نیست که این قرآن را درک و فهم کنند، و از آن نفع ببرند و بهره مند شوند. بدین جهت خدا بر دل‌هایشان پرده هائی افکنده است که نمی گذارند قرآن به دل‌هایشان برسد و آن را فهم کنند، درگوشه‌هایشان چیزی همچون کرمی را پدیدار نموده است که گوششان را از شنیدن قرآن بازمی دارد. و به سبب همین استهزاء و تمسخر آیات و انبیاء و روگردانی از حق و حقیقت، خدا گمراهی را برایشان مقدر و مقرر فرموده است.

پس از آنان امید ایمانی نیست، زیرا دیگر هرگز در این صورت راهیاب نمی گردند. {وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا الَّذِي يَذُكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ} ترجمه: هنگامی که کافران تو را می بینند، کاری جز تمسخر و استهزاء تو را ندارند، (و خواهند گفت: آیا این همان کسی است که از خدایان شما عیبجویی و بدگویی می کند؟) (مگر او را سزد که چنین گوید و کند؟! ) . و حال این که ایشان (که نمی پسندند از بتان سنگی و بی جانشان بدگویی شود) به قرآن خداوند مهربان (و خالق انسان و جهان) باور ندارند.

فلسفه استهزاء و تمسخر تنها به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم خلاصه نشده بلکه، به پیامبران گذشته نیز استهزاء میشد، همانگونه که خداوند می فرماید: {وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ} (۲) بیگمان پیغمبرانی پیش از تو مورد استهزاء قرار گرفته اند، و همان چیزی که پیغمبران را بدان سبب مسخره می کرده اند، مسخره کنندگان را فرا گرفته است (و عذابی که بازچه اش شمرده اند دامنگیرشان شده است). اگر می دانستند که چه چیزی بعدها روی می دهد، کار و بارشان غیر از این می شد که در آن هستند، و از استهزاء

<sup>۱</sup>-(الکهف-۵۶)

<sup>۲</sup>-(النعام-۱۰)



یکی از واکنش های که در برابر انذار، انذار شده گان از خود نشان دادند، عبارت از تکذیب و دروغ پنداشتن انذار است که چگونه از جنس خود آنان به عنوان پیامبران فرستاده شده است، پس آنان به تعداد زیادی از پیامبران تکذیب کردند: همانگونه که خداوند می فرماید: **{ فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ }**<sup>(۱)</sup> پس اگر ( این بهانه جویان ) تو را تکذیب کردند ( چیز تازه ای نیست و غمگین مباش ) چه پیغمبران زیادی پیش از تو تکذیب شده اند که معجزات و دلایل روشن و کتابهای متقن و مشتمل بر مواظ و اندرز و اندرز و کتاب روشنگر ( راه نجات ) با خود آورده اند. پس اگر ( این بهانه جویان ) تو را تکذیب کردند ( چیز تازه ای نیست و غمگین مباش ) چه پیغمبران زیادی پیش از تو تکذیب شده اند که معجزات و دلایل روشن و کتابهای متقن و مشتمل بر مواظ و اندرز و کتاب روشنگر ( راه نجات ) با خود آورده اند. در اینجا قرآن رو به پیامبر (صلي الله عليه و سلم) می کند و به دلداري و دلجوئي او می پردازد و در نظرش آنچه را که از ایشان بدو می رسد سبک می دارد و برایش بیان می نماید که آنچه بر سر او آمده است بر سر برادران گرامی پیامبران در قرون و اعصار متوالی آمده است. او نخستین پیغمبري نیست که با تکذیب دیگران روبرو می شود. نسلهاي پيايي - بويژه نسلهاي بني اسرائيل - پیغمبراني را تکذیب کرده اند که برای آنان معجزات و دلایل روشن آورده اند،<sup>۲</sup> اما آنان تکذیب کردند در این مورد الله متعال می فرماید:

**{ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقَرٌّ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُرْدَجَرٌ }**<sup>(۳)</sup> آنان تکذیب می کنند و بدنبال هواهای خویش می روند. هر کاری هم ثابت و ماندگار می ماند ( و هیچ چیز در جهان از میان نمی رود، و انسان جزا و سزای کردار بدو نيك خود را می بیند ). اخباری که بتوانند موجب بیزاری ( و دوری ایشان از گناهها و بدیها ) شود به اندازه کافی برای آنان آمده است.

پیامد زشت انکار آنان عذاب همیشگی است همانگونه که خداوند بیان نموده است: **{ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ }**<sup>(۴)</sup> و کسانی که کافر شوند و آیه های ما را تکذیب کنند ( و نادیده گیرند ) اهل دوزخند و همیشه در آنجا خواهند ماند.

<sup>۱</sup> - (ال عمران ۱۸۴)

<sup>۲</sup> - (رازی، مفاتیح الغیب، ج ۹ ص ۴۵۱)

<sup>۳</sup> - (القمر - ۳-۴)

<sup>۴</sup> - (بقره ۳۹)

## مطلب ششم: اعراض، و اصرار در کفر:

واکنش دیگر از انذار شده گان عبارت از اعراض از انذار و اصرار به کفر است که در مورد الله جل جلاله میفرماید: {وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ} (۱) و اگر مشرکان معجزه بزرگی را ببینند از آن روی گردان می گردند ( و بدان ایمان نمی آورند ) و می گویند : جادوی گذرا و ناپایداری است . آنان تکذیب می کنند و بدنبال هواهای خویش می روند . هر کاری هم ثابت و ماندگار می ماند ( و هیچ چیز در جهان از میان نمی رود ، و انسان جزا و سزای کردار بد و نیک خود را می بیند ) . انقدر آنان سخت دل هستند که بیم دهندگان ، و اندرزها و بیم دادنها، هیچ کدام به کسانی سودی نمی بخشد که خواستار ایمان نیستند، زیرا همه این چیزها در آسمانها و زمین جلو دیدگانشان گسترده شده است و برابرشان جلوه گر آمده است ولی درباره آنها نمی اندیشند و تدبیر و تفکر نمی کنند: در مورد الله متعال میفرماید: {قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ} (۲) بگو : بنگرید ( و چشم برون و درون را باز کنید و ببینید ) در آسمانها و زمین چه چیزهائی است آیات ( خواندنی کتابهای آسمانی ، از جمله قرآن ، و دیدنی جهان هستی ) و بیم دهندگان ( پیامبر ، و اندرزها و انذارها هیچ کدام ) به حال کسانی سودمند نمی افتد که نمی خواهند ایمان بیاورند. در این آیه اشاره به افرادی است که انذار به آنان سود نمی بخشد، همانگونه که با قرآن قلب و روح را بیم بخشید. (۳)

۱- (القمر-۲-۳)

۲- (یونس-۱۰۱)

۳- ( اسماعیل، روح البیان، ج ۹ ص ۲۶۹)

## فصل چهارم

### پیامدهای انذار

پیامد انذار آن است که تعدادی به وسیله پند گرفتن از انذار به بهشت رهیاب میشوند و تعداد دیگری که از انذار سرباز میزنند بدین وسیله مستحق دوزخ شناخته میشوند در این فصل روی پیامد انذار صحبت مفصل نموده ایم و آنهم قرار ذیل است:

#### مبحث اول

##### پیامدهای دنیوی انذار:

پیامد زشت روی گردانی از انذار پیامبران همانند آخرت در دنیا نیز پیامد زشت دارد، یعنی آنانی که از انذار روی گردان هستند به آنان در دنیا عذاب است همانگونه که الله می فرماید: (۱) **فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدَبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ** { ۲ } آنان کسانی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شده ( و اگر کردار نیکی هم داشته باشند ، باطل و بی ثمر خواهد بود ) و ایشان را یاور و مددکاری نیست ( تا آنان را از زیان دنیوی و عذاب اخروی نجات دهد ).

پروردگار به پیامبرش تسلی میدهد که همیشه حق بر باطل پیروز است، همانگونه که رقیب سر سخت پیامبر اسلام را به عذاب دنیوی هشدار میدهد مثلاً خداوند فرمودند: **{ ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ }** { ۳ } : مستکبران دوشهانشان را بالا می اندازند و مغرورانه رویشان را برمی گردانند تا ( بدین وسیله مردمان را از راه خدا ) گمراه سازند . بهره آنان در این جهان خواری و رسوائی است. آنکه از حق متکبران روی گردان میشود، و رویش را از پیامبر می چرخاند. (۴)

در واقع پیامبر ما هم سان دیگر فرستاده شده گان وظیفه ابلغ رسالت را به عهده داشت و همسان پیامبران قبلی به بیم رسانی مردم میپرداخت تا آنکه مردم در دنیا و آخرت در امن بماند پروردگار کفار را بیم میدهد در صورت نافرمانی عذاب دنیوی شما را خواهد گرفت: **(أَمْ أَمِنْتُمْ**

۱. ابوزهره، خاتم النبیین، صلی الله علیه و سلم، ج ۱ ص ۱۵۱

۲- ( آل عمران ۲۲ )

۳- ( حج ۹ )

۴- ( طبری، تفسیر الطبری، ج ۱۸ ص ۵۷۴ )

مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ) (۱) یا این که از کسی که در آسمان است خود را در امان می دانید که طوفان شن بر شما گمارد ( و شما را در زیر ریگهای روان دفن نماید ؟ ) . آن گاه خواهید دانست که تهدید من چگونه است.

### مطلب اول: تهدید به عذاب در دنیا:

افرد کافر که در برابر انذار نخبیر گفتند، و به انجام اعمال ناشایست اصرار ورزید ند بدون شک عذاب در دنیا و آخرت بر آنان نازل می آید و آنان را از عذاب الله گریزی نیست، همانگونه که الله می فرماید: {إِنَّمَا أَمِنتُمْ مَن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ} (۲) یا خود را از عذاب خداوند آسمان در امان می دانید که تندبادی پرازسنگریزه بر شما فرستاد و بزودی خواهید دانست تهدیدهای من چگونه است.

این تهدید و وعیدی است برای کسی که به سرکشی و تعدی و گناه خود در این دنیا که موجب عذاب است ادامه دهد. آیا از کسی که در آسمان است ایمن شده اید که طوفانی از بر شما بفرستد یعنی عذابی از آسمان بر شما بفرستد که شما را سنگباران نماید و از شما انتقام بگیرد. پس خواهید دانست که چگونه آن چه که کتاب ها و پیامبران شما را از آن انذار و بیم داده بودن به سراغتان می آید! پس گمان مبرید که چون شما از آمدن عذاب از آسمان و زمین ایمن هستید این برای شما فایده ای دارد. بنابراین شما سرانجام کارتان را خواهید دانست، خواه مدتی طولانی بر شما بگذرد یا مدتی کوتاه بر شما سپری شود. به راستی کسانی که پیش از شما بودند همانند شما تکذیب کردند آن گاه خداوند آن ها را هلاک و نابود ساخت. پس بنگرید که خشم و کيفر خدا نسبت به آن ها چگونه بوده است که آن ها را قبل از عذاب آخرت در دنیا عذاب داد. پس بترسید از این که گرفتار عذابی شوید که آن ها بدان گرفتار شدند. (۳)

پروردگار به آنانکه کفر ورزیدند و به راه راست هدایت نشدند از روی تهدید می گوید: {فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي} (۴) (اکنون بنگرید) عذاب و انذارهای من چگونه بود. برای انسانها بهتر است به آسمان چشم امید بدوزند - آنجا که رمز والائی است - و خدائی را یاد کنند که ملک و مملکت و فرمانروائی در دست او است، و او بر همه چیز توانا است. (۵)

۱- (ملک ۱۷)

۲- (الملک-۱۷)

۳- (تفسیر راستین: جزء ۹ ص ۳۶۵).

۴- (القمر-۱۶)

۵- (سید قطب فی ظلال القرآن: ج ۷ ص ۴۹).

آنانکه به انذار پیامبران و قرآن کریم اعتنا ننموده و فساد را پیشه گرفتند پس به آنان عذاب دنیا قبل از عذاب آخرت است همانگونه که الله می فرماید: **{إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ}** (۱) (کیفر کسانی که ( بر حکومت اسلامی می شورند و بر احکام شریعت می تازند و بدین وسیله ) با خدا و پیغمبرش می جنگند ، و در روی زمین ( با تهدید امنیّت مردم و سلب حقوق انسانها ، مثلاً از راه راهزنی و غارت کاروانها ) دست به فساد می زنند ، این است که ( در برابر کشتن مردم ) کشته شوند ، یا ( در برابر کشتن مردم و غصب اموال ) به دار زده شوند ، یا ( در برابر راهزنی و غصب اموال ، تنها ) دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود ، و یا این که ( در برابر قطع طریق و تهدید ، تنها ) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند . این رسوائی آنان در دنیا است ، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.

### مطلب دوم: هلاکت در دنیا:

پروردگار تعداد زیادی از مردمان را که در برابر انذار پیامبران ایستادند هلاک نموده و آنان را در پاره های از آیات قرآنی به هلاکت نیز بیم داده است همانگونه که الله متعال پیرامون هلاک شده گان می فرماید: **{وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ}** (۲) چه بسیار شهرها و آبادیها که آنها را (بر اثر گناه فراوانشان) هلاک کردیم! و عذاب ما شب هنگام، یا در روز هنگامی که استراحت کرده بودند، به سراغشان آمد.

هر دو تای شبانگاهان و چاشتگاهان، هنگام بی خبری و استراحت و امن و امان است. گرفتار کردن و نابود نمودن در این دو وقت بیشتر باعث بیم می گردد و تأثیر بسزائی دارد و دشوارتر از هر زمان دیگری است، و بهتر مایه پند و اندرز و دوری و خویشتنداری از گناه و نافرمانی، و پرهیز و احتیاط می شود. (۳)

از عذاب الله هیچ کس در امن نیست پس به فرمان الله سر نهید، و از نافرمانی از الله بهراسید تا آنکه مورد عذاب دنیوی و اخروی پروردگار قرار نگیرد همانگونه که خود می فرماید: **{أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ}** (۴) آیا ایمن از آنند که

۱- ( المائده ۳۳ )

۲- (الاعراف-۴)

۳- (سید قطب في ظلال القرآن: ج ۵ ص ۸۱).

۴- (یوسف-۱۰۷)

عذاب فراگیری از سوی خدا به سراغ آنان بیاید، یا ساعت رستاخیز ناگهان فرارسد، در حالی که متوجه نیستند؟! مطلب آن که مقتضای کفر عقوبت است چه در دنیانازل گردد و یا در قیامت و رفع شود لذا باید آنان بترسند و کفر را ترک کنند.

این يك حرکت نیرومندی برای احساسات ایشان است، هشدار نیرومندی برای بیدار کردن ایشان از این خواب غفلت. آنان را از فرجام این غفلت به هراس می اندازد و بیدارشان می سازد. چه عذاب خدا هر آن فرا رسد، عذابی که کسی موقع آن را نمی داند. بسا همین لحظه بلای همگانی و نابودکننده ای در رسد و ایشان را فراگیرد و درهم پیچد. چه بسا قیامت بر دم در باشد و در را بزند و همین امروز ناگهانی عذاب هراسناک بر سرشان تازد و بدون این که به خود بیایند کارشان را بسازدغیب در پشت در است. هیچ چشمی آن را نمی بیند، و هیچ گوشی صدای پای آن را نمی شنود، و هیچ کسی نمی داند لحظه دیگری چه خواهد شد، پس چرا غافلان اینگونه ایمن خواهند بود و بی خبر خواهند آسود؟<sup>(۱)</sup> پروردگار پیرامون همین مسئله به شیوه دیگری می فرماید که: {أَوَأْمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًىٰ وَهُمْ يُلْعَبُونَ} <sup>(۲)</sup> آیا اهل این آبادیها، از این ایمن اند که عذاب ما هنگام روز به سراغشان بیاید در حالی که سرگرم بازی هستند.

پس چه چیزی آنها را ایمن داشته است، در حالی که آنها اسبابش را فراهم کرده و انجام داده و جنایت های بزرگی را مرتکب شده اند که برای هلاکت و نابودیشان فقط پاره ای از آن جنایت ها کافی است.

بناءً انسان باید سعی و تلاش کند هر سبب و وسیله ای را که به هنگام واقع شدن فتنه ها او را نجات می دهد، به دست آورد. زیرا بنده در هر مقامی که باشد ضمانتی نیست که از آفت ها سالم بماند. <sup>(۳)</sup>

همانگونه که عملکرد نادرست جزای بد در پی دارد به همان پیمانانه عملکرد نیکو پاداشت نیکو در پی دارد بشرط آنکه به تنذیر و تبشیر پیامبران حرمت گذاشته شود آنجا که خداوند می فرماید: {وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ ۗ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ ۗ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ} <sup>(۴)</sup> و اگر تورات و انجیل و آنچه را که از

۱- فی ظلال القرآن: ج ۴ ص ۲۱۳.

۲- (الاعراف-۹۸)

۳- تفسیر راستین: ج ۳ ص ۲۷۳.

۴- (المائد-۶۶)

جانب خدا بر آنها نازل کرده ایم بر پای دارند، از فرازی سر و زیر پایشان روزی بخورند، بعضی از ایشان مردمی میانه رو هستند و بسیاریشان بدکردارند.

در این آیات، قرآن کریم غالباً نمونه هایی را بدست می دهد که طی آن ها امت های گذشته شاهد بروز پاداش یا کیفر الهی بوده اند. در مواردی، قرآن کریم توجه مخاطبین خود را به حوادثی جلب می کند که از نظر زمانی فاصله چندانی با امت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) ندارد و بر امت های نه چندان دور وارد شده است.

بدان هنگام که در این جهان صحنه برایشان نمودار شده است، ناگهان الله متعال، تکذیب کنندگان را گرفتار عذاب خود نموده است. ایشان هم در آن حال که عذاب خدا را دیده اند اعتراف کرده اند که آنان ظالم و ستمگار بوده اند. حق و حقیقت بی پرده جلوه گر آمده است و ایشان آن را شناخته اند، ولیکن در زمانی که شناختن و اعتراف کردن سودی نمی بخشد، و پشیمانی و توبه عذاب خدا را از ایشان بدور نمی دارد. چه وقت پشیمانی از دست رفته است، و با حصول عذاب راه توبه قطع و گسیخته است، بناءً برای انسان است که همیشه به انذار الله متعال متوجه شده و فرمان او را بجا نماید.

## مبحث دوم

### پیامدهای اخروی انذار:

پیامد زشت رویگردانان از انذار ویژه دنیا نیست دامنه آن گسترده تر است، کسانی که از انذار پیامبران سرباز زدند و به بیراهه رفتند، و به کفر خویش اصرار ورزیدند خداوند به آنان عذاب سخت در نذر دارد آنجا که می فرماید: (وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزْباً فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ) (۱) کسانی که در (راه) کفر بر همدیگر پیشی می گیرند (و همیشه بر کفرشان می افزایند و از بد به بدتر می گرایند) تو را غمگین نسازند؛ چرا که آنان هیچ زبانی به خدا نمی رسانند. خداوند می خواهد (ایشان را به حال خود واگذارد و) در آخرت بهره ای (از ثواب) برای آنان برجای نگذارد، و (علاوه از محرومیت از ثواب) ایشان را عذاب بزرگی است.

هدف از انذار رهیابی و توجیه سازی درست به سمت هدایت است، قرآن عظیم هدف انذار تخویف و تهدید کفار نسبت به آخرت است روزیکه تعداد زیادی در بهشت و تعدادی هم در دوزخ همانگونه که الله خود می فرماید: {وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا

۱- (ال عمران- ۱۷۶)

وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ} (۱) این چنین ( روشن و گویا ) قرآن بزرگوار را که به زبان عربی است به تو وحی می کنیم تا اهل مکه و دور و بر آن را ( از خشم خدا و عذاب دوزخ ) بترسانی و ( همه مردمان را ) از روز گردهم آیی ( قیامت ) که شک و تردیدی در وقوع آن نیست بیم دهی . ( در آن روز ، مردمان دو گروه بیش نیستند ) گروهی در بهشت بسر می برند و دسته ای در آتش دوزخ.

پروردگار در آیه دیگری نیز پیرامون عذاب اخروی برای آنانکه سر از انذار رسل باز زدند خبر میدهد: {وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ أَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ} (۲) ( ای محمد ) آنان را از روز نزدیک بترسان ( که قیامت است ) . آن زمانی که دلها ( از شدت وحشت ) به گلوگاه می رسند ( و انگار از جای خود کنده و به بالا پرت شده اند ) و تمام وجودشان مملو از خشم و اندوه می گردد ( خشم بر کسانی که ایشان را به چنین سرنوشتی دچار کرده اند ، و خشم بر خود که به حرف دیگران گوش فرا داده اند ، و غم و اندوه بر روزگار هدر رفته و طلای عمر باخته شده ) . ستمگران نه دارای دوست دلسوزند ، و نه دارای میانجیگری که میانجی او پذیرفته گردد.

### مطلب اول: عذاب روز آخرت:

انذار و بیم دادن از روز آخرت یکی از بیم دهی قرآن است همانگونه که الله متعال می فرماید: {فَأَنْذِرْتُمْ نَارًا تَلْقَوْنَ} (۳) و من شما را از آتشی که زبانه می کشد بیم می دهم. آتشی بس عظیم و ناشناخته که پیوسته فروزانتر می شود. از زیر خاکستر دنیا و نفوس دوزخی زبانه می کشد، و همه قوا و استعداد و سراسر وجود او را فرا می گیرد، نه فرو می نشیند و نه محدود می شود(۴).

این هم برحسب عملی است که ایشان در زندگی دنیا انجام داده اند پس آنانیکه با توجه به انذار خود را اصلاح کردن، مسیرش بهشت است، آنانیکه توجه نکردن، بلکه حتا تمسخر گرفتن، مسیرش دوزخ است و این پیامی اخروی از نه شنیدن انذار است.

۱- ( شوری -۷ )

۲. (سوره غافر -۱۸)

۳- (اللیل-۱۴)

۴- (پرتوی از قرآن: ج ۱ ص ۱۶۰۱).

## مطلب دوم: سختی روز حسرت:

انذار: یعنی بر حذر داشتن از آنچه که ترسناک است، به صورت بیم دادن و خبر دادن از صفات آن، و آنچه که باید بندگان از آن ترسانده شوند روز قیامت است، روزی که کار از کار می‌گذرد، و پیشینیان و پسینیان در یک محل جمع می‌شوند، و از کارهایشان پرسیده می‌شود، پس هر کس به خدا ایمان آورده و از پیامبرانش پیروی کرده باشد به چنان سعادت‌ی نایل می‌آید که بعد از آن هرگز بدبخت نخواهد شد، و هر کس که به خدا ایمان نیاورده و از پیامبرانش پیروی نکرده باشد به چنان شقاوت و بدبختی گرفتار می‌شود که پس از آن سعادت‌مند نخواهند شد، و خود و خانواده اش را از دست می‌دهد و در آن هنگام حسرت می‌خورد و چنان پشیمان می‌شود که دل او از شدت حسرت و تأسف از جا کنده می‌شود، و چه حسرتی از این بزرگتر است که انسان خشنودی خدا و بهشت او را از دست دهد و سزاوار خشم پروردگار و جهنم گردند به صورتی که بازگشت به دنیا برایش امکان پذیر نباشد تا از نو عمل کند، و حال خود را عوض نماید! این چیزی است که پیش رو دارند، اما آنها از این امر غافل اند و به ذهنشان نمی‌آید؛ غفلت آنها را احاطه نموده و مستی آنها را فرا گرفته است، پس آنان به خدا ایمان نمی‌آورند و از پیامبرانش پیروی نمی‌کنند؛ دنیا آنها را غافل کرده و میان آنها و ایمان، شهوت‌ها و هوس‌های زودگذر حائل شده است، پس دنیا و همه آنچه در آن است از اول تا آخر از دستشان خواهد رفت، و آنها نیز از دنیا جدا خواهند شد، و خداوند وارث زمین و کسانی که روی آن زندگی می‌کنند، می‌گردد و آنها را به سوی خود بر می‌گرداند، و آنان را به سبب اعمالشان سزا و جزا خواهد داد. پس هر کس عمل خیری انجام داده باشد خداوند را ستایش می‌گوید، و هر کس عمل بدی انجام داده باشد جز خودش کسی را سرزنش نخواهد کرد. همانگونه که الله می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ﴾<sup>(۱)</sup> آنان را از روز حسرت (روز رستاخیز که برای همه مایه تأسف است) بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد! و آنها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند! روند قرآنی در اینجا کافرانی را بیم می‌دهد که از ایمان به وحدانیت خدا منحرف می‌گردند. ایشان را با صحنه روز بزرگی بیم می‌دهد که بزرگ‌ترین همایش است و همگان چیزی را مشاهده می‌کنند که گریبانگیر کافران منحرف می‌گردد.

<sup>۱</sup>-(مریم-۳۹)

وای به حالشان از آن صحنه ای که در روز بزرگی پیش می آید. این روز بزرگ برای بزرگ جلوه دادن و به هراس انداختن به صورت نکره آمده است. صحنه ای است که ثقلین، یعنی انس و جن، و فرشتگان در آن حضور پیدا می کنند و در پیشگاه خداوند مقتدر و شکوهمندی گرد می آیند که کافران برای او شریک درست کرده اند و به انباز معتقد گردیده اند.<sup>۱</sup>

اگر چه مؤمنان راستین با شنیدن فرمایشات نبوی انگیزه لازم برای التزام به آنها پیدا می کنند؛ چرا که آن ها به جنبه های آشکار و نهان دین معتقدند، اما چنانچه پیروان ایشان بتوانند نمونه های عینی را مشاهده کنند، این دعوت پیامبران نیز بیش تر ایجاد انگیزه خواهد کرد. این نمونه های عینی همیشه موجب تقویت سطح انتظار افراد از پاداش و کیفر است.<sup>(۲)</sup>

---

<sup>۱</sup> - (سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۳، ص ۱۸۳)  
<sup>۲</sup> - تفسیر راستین: ج ۵ ص ۳۵۲.

## نتیجه گیری

- ۱- انذار و هشدار دادن نشان دادن چیزهایی است که باعث ترس می شود. انذار در زبان عربی خبردادنی است که در آن ترساندن وجود دارد، همان طور که تیشیر خبردادنی است که در آن خوشحالی وجود دارد.
- ۲- یکی از اهداف بعثت پیامبران انذار کافرین و معاندین بود تا اینکه برای آنها در روز قیامت عذری باقی نماند.
- ۳- هیچ امتی خالی از وجود انذار دهنده نبوده است.
- ۴- خداوند پیامبرش محمد صلی الله علیه و سلم را در جاهای زیادی از کتابش به عنوان نذیر(هشدار دهنده) یاد می کند.
- ۵- انذار پیامبران در بسیار از جاها با عکس العمل های شدیدی مخاطبانش روبروشده است ولی آنها در آن صبر را پیشه ساختن.
- ۶- انبیاء علیه الصلاة والسلام انسان ها را از حوادث بعد از مرگ باخبر نموده ولی انسانها توجه نمیکنند. چون بمیرند و به عالم برزخ روند، همه آنچه را که پیامبران در دنیا بدان انذار دادند یقین می کند، ولی در آنجا سود برایش نخواهد داشت.
- ۷- روش های انذار مختلف بوده است و دعوتگر باید از هرکدامش نظر بحالات استفاده کند.
- ۸- اهداف انذار و فواید آن زیاد است، که باید بدانیم.
- ۹- انذار دادن باید متکی به قرآن و سنت باشد و نباید انذار بشکلیکه سند دینی ندارد صورت گیرد.
- ۱۰- پیامدهای انذار هم در دنیا و هم در آخرت مشخص گردیده است.

## پیشنهادهات

۱- بیم و انذار دادن یکی از روش پیامبران بوده است، خوب است که روش های تبشیری و انذاری پیامبر صلی الله علیه وسلم با اتکاء از سیره اش به عنوان رساله یی ماستری، رویش کار صورت گیرد، تا این روش ها مارا در روش دعوت و اصلاحات کمک مؤثر نماید؛ زیرا جامعه مان نیاز به دعوت و اصلاحات اشد دارند.

۲- همچنان عوامل عدم قبولیت انسانها بشارت و نذارت پیامبران و یا دعوت گران را از نگاه قرآن، باید به عنوان پایان نامه لیسانس و رساله یی ماستری انتخاب گردد و عنوان خوبی است، که دعوت گر را قدرت میدهد که در کجا و چگونه انسانها را بشارت و انذار دهد.

۳- اهداف بعثت انبیاء از نگاه قرآن، روش های اصلاحی اعتقادی از نگاه قرآن، روش های اصلاحی فرهنگی از نگاه قرآن، روش های اصلاحی سیاست و سیاست گران از نگاه قرآن، روش های اصلاحی اقتصادی از نگاه قرآن، روش های اصلاحی اجتماعی از نگاه قرآن، روش های اصلاحی فردی از نگاه قرآن و روش های اصلاحی حکومت و فن حکومت داری از نگاه قرآن عنوان های خوبی است که باید پایان نامه های لیسانس و رساله های ماستری انتخاب گردد، تا از یک طرف اعجازهای قرآن در این بخش ها آشکار گردد و از طرف دیگر خدمت خوبی برای اسلام و مسلمین گردد.

۴- پوهنتون سلام که یک پوهنتون اکادمیک است باید تمامًا تفاسیر قرآن با ترجمه های مختلفش و کتاب های احادیث همراهی شروحات اش و کتاب های فقه همراهی شروحاتش را در کتاب خانه اش قرار دهند، تا در مورد قرآن و حدیث و فقه تحقیقات بیشتر را تمامًا اساتید و محصلین بشکل سهولت انجام دهند.

## فهرست آیات قرآنی

شماره	آیات	سوره	صفحه
۵			
۱	{ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ }	(البقره - ۶)	۷ - ۵۹
۲	{ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَّ مَنَّعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ }	(البقره-۱۱۴)	۱۹ - ۴۴
۳	{ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ }	(ال بقره- ۲۱۳)	۱۷
۴	{ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ }	(آل عمران- ۲۱۳)	۸
۵	{ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ }	(النساء-۴۱-۴۲)	۳۱
۶	{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ آمَنُوا بِمَا نَزَّلْنَا }	(النساء- ۴۷)	۱۵
۷	{ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. }	(النساء-۱۳۸)	۸
۸	(رَسُولًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ )	(النساء-۱۶۵)	۳۵ - ۳۸ - ۳۰
۹	{ مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ }	(المائدة-۱۹)	۱۵
۱۰	{ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ }.	(المائدة-۳۳)	۱۹
۱۱	{ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ }	(المائدة-۶۶)	۶۳
۱۲	{ كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ }	(المائدة-۷۰)	۴۹
۱۳	{ وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ }	(المائدة- ۱۰۴)	۵۳
۱۴	{ وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ }.	(الانعام - ۱۹)	۲۵ - ۳۶
۱۵	{ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ }	(الانعام - ۲۵)	۵۲
۱۶	{ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ }.	(الانعام- ۴۲)	۲۳
۱۷	{ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا }	(الانعام- ۴۳)	۵۷

١٩	{وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ}	(الانعام-٤٨)	٣٦
٢٠	{وَأُنذِرُ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ}	(الانعام-٥١)	٤١-٢٩
٢١	{وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا}	(الانعام-٩١)	١٣-١٠
٢٢	{وَيُنذِرُوكُمْ لِقَاءِ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنْفُسِنَا}	(الانعام-١٣٠)	٤٠
٢٣	{وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ}	(الاعراف-٤)	٦٢
٢٤	{وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا}	(الاعراف-٢٨)	٥٤
٢٥	{لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ}	(الاعراف-٦٣)	٢٩
٢٦	{ وَنَذِرُ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَاتِنًا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ}	(الاعراف-٧٠)	٤٨
٢٧	{وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ}	(الاعراف-٩٤)	١٨
٢٨	{أَوْ أَمِنَ أَهْلَ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يُلْعَبُونَ}	(الاعراف-٩٨)	٦٢
٢٩	{إِنَّ هُوَ الْإِنذِيرُ الْمُبِينُ}	(الاعراف-١٨٤)	١٧
٣٠	{إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ}	(الاعراف-١٨٨)	٣٥-١٧
٣١	{وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ}	(ال توبه-١٢٢)	٤٤-٧
٣٢	{أَنْ أَنْذِرَ النَّاسَ وَبَشِّرَ الَّذِينَ آمَنُوا}	(يونس-٢)	١٢-٧ ٦٤
٣٣	{وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ}	(يونس-٧)	٥٠-٤٣
٣٤	{وَالنَّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ}	(يونس-١٠١)	٦١
٣٥	{وَيَا قَوْمٍ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي}	(هود-٨٩)	٦٣-٣٦
٣٦	{أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ}	(يوسف-١٠٧)	٦٢
٣٧	{وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ}	(ابراهيم-٤٢)	١٦
٣٨	{وَأُنذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ}	(ابراهيم-٤٤)	١٢
٣٩	{هَٰذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ}	(ابراهيم-٥٢)	٢٨
٤٠	{أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونَ}	(النحل-٢)	٣٠-٢٩
٤١	{وَيَوْمَ نُنَبِّئُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ}	(النحل-٨٩)	٣١

٤٢	(النحل-١٢٥)	{ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ}.	٤٢
٥٠	(النحل-١٠٧-١٠٨)	{ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ }	٤٣
٢٦	(الكهف-٢)	{لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ}	٤٤
١٥	(الكهف-٤)	{وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا}	٤٥
٦٠-٥٢	(الكهف - ٥٦)	{وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ }	٤٦
٤٨	(الكهف - ٥٧)	{وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذَكَرَ آيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا }	٤٧
-١٦-١٠ ٦٤-٢٣	(مريم-٣٩)	{وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ }	٤٨
١٥-١١	(مريم - ٩٧)	{فَإِنَّمَا يَسَّرْنَا بِهِ لِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدَا}.	٤٩
٥٨	(طه - ٨٥)	{قَالَ فَإِنَا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ}	٥٠
٥٨	(طه - ٨٦)	{يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا }	٥١
٣٠	(طه - ١٣٤)	{وَلَوْ أَنَا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا }	٥٢
٣٢	(الانبياء-١١ _١٥)	{وَكَمْ قَصَمْنَا مِن قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ }	٥٣
٢٤	(الحج-٢)	{يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا }	٥٤
٢٠	(الحج-٩)	{ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ}.	٥٥
٨	(الحج-٢٩)	{وَلِيُوفُوا نَدْوَرَهُمْ}.	٥٦
٣٦-١٢	(الحج-٤٩)	{قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ}	٥٧
٢٤	{النور-٢٤}	{يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ}	٥٨
١٧	(النور- ٦٣)	{لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ }	٥٩
-٢٥-٩ ٣٧	(الفرقان-١)	{تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا}	٦٠
١٤-١٠	(الشعراء-٢١)	{وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ}.	٦١
-١٣	(القصص-٤٦)	{ لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ }	٦٢

٤٣-٢٨			
٥١	(الروم-٥٩)	{ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ }	٦٣
٥٦	(الاحزاب-٦٧)	{ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا }	٦٤
٤٣-٢٨	(السجدة - ٣)	{ لَتَنْذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ }	٦٥
١٢	(السبا- ٢٨)	{ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ }	٦٦
-٥٦-٣٩ ٥٩	{ السبا - ٣٤ }	{ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ }	٦٧
٣٦	(السبا-٤٦)	{ إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ }	٦٨
٤٢-٤٠	(الفاطر-١٨)	{ إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ }	٦٩
٣٨	(الفاطر:٢٤)	{ وَإِن مِّن أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ }	٧٠
٨	(الفاطر-٣٧)	{ وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ. }	٧١
٦٠	(الفاطر-٤٣)	{ اسْتَعْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ }	٧٢
٤٣-٢٦	(يس-٥-٦)	{ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ لَتَنْذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ }	٧٣
٥٩	(يس-١٠)	{ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ }	٧٤
٤١-١٠	(يس - ١١)	{ إِنَّمَا تَنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَ. }	٧٥
١٨	(يس - ٦٩)	{ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ }	٧٦
-١٨-١١ ٢٥	(يس-٧٠)	{ وَيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ }	٧٧
٥٩	(ص-٤)	{ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِّنْهُمْ }	٧٨
٢٠	(الزمر-٢٤)	{ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ }	٧٩
٢٧	(الغافر-١٨)	{ وَأُنذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَرْفَةِ }	٨٠

٢١	(الغافر-٤٦)	{النَّارُ يِعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا}.	٨١
٣٣	(الغافر-٥٠)	{قَالُوا أَوْلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ }	٨٢
١٣	(الشورى-٧)	{ لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرِ يَوْمَ الْجَمْعِ }	٨٣
٥٥-٣٩-٥٩	(الزخرف - ٢٢ - ٢٣)	{ وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ }	٨٤
٥٥	(لقمان - ٢١)	{ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ }	٨٥
١٦	(الأحقاف- ١٢)	{ لَيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشِّرَى لِلْمُحْسِنِينَ }	٨٦
٢٧	(الأحقاف- ٢٠)	{ وَيَوْمَ يِعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ }	٨٧
٥١	(الأحقاف- ٢٣)	{ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ }	٨٨
٤٠-٣٨	(الأحقاف- ٢٩)	{ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ }	٨٩
٦٠	(ق- ٢)	{ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ }	٩٠
٥	(الذَّارِيَات-٥٠)	{ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ }.	٩١
٧	(النجم- ٥٦)	{ هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى }.	٩٢
٦١-٤٩	(القمر- ٢-٤-٣)	{ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ }	٩٣
			٩٤
٦٢	(القمر- ١٦)	{ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي }	٩٥
٧	(القمر- ٢٣)	{ كَذَبْتَ تُمُودُ بِالنُّذُرِ }.	٩٦
٣٢	(الملك - ٨-٩ - ١٠-١١)	{ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ }	٩٧
٦٢	(الملك- ١٧)	{ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ }	٩٨
٢٨	(نوح - ٣-٤)	{ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ }	٩٩
٩	(المدثر- ١-٢)	{ يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ }.	١٠٠
٣٤-٢٥-٣٥	(النباء- ٤٠)	{ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا }	١٠١
٥٠	(النازعات- ٣٧)	{ فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى }	١٠٢
٤٢	(النازعات- ٤٢)	{ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا }	١٠٣

٤٢-٤١	(النازعات - ٤٥)	{إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا}	١٠٤
-٣٤-٥ ٦٤ -٣٥	(الليل - ١٤)	{فَأَنْذِرْكُمْ نَاراً تَلْظَى}.}	١٠٥

## فهرست احاديث

شماره	حديث	صفحه
١	(إِذَا وُضِعَ - يَعْنِي الْكَافِرَ - فِي قَبْرِهِ فَيَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ)	٢٢
٢	(إِنَّ أَهْلَ الْقُبُورِ يَعَذَّبُونَ فِي قُبُورِهِمْ)	٢٢

## فهرست مراجع ومصادر

- ١- القرآن الكريم.
- ٢- احمد، بن محمد ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، الناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة، الطبعة السادسة، عدد الأجزاء : ٦.
- ٣- الأندروى، أحمد بن محمد: طبقات المفسرين، تحقيق سليمان بن محمد الخزى. ط١. المدينة المنورة: مكتبة العلوم و الحكم ١٩٩٧م.
- ٤- أصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني (ت: ٥٠٢هـ)، المفردات فى غريب القرآن، المحقق: صفوان عدنان الداودى، الناشر: الدار الشامية - دمشق ، الطبعة: الأولى - ١٤١٢ هـ.
- ٥- الإفريقي، محمد بن مكرم بن على، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصارى الرويفعى (ت: ٧١١هـ)، لسان العرب، بيروت: دار صادر، الطبعة: الثالثة - ١٤١٤ هـ.
- ٦- الألبانى، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتى بن آدم، الأشقودرى (ت: ١٤٢٠هـ)، سلسلة الأحاديث الصحيحة وشىء من فقهها وفوائدها، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م.
- ٧- الالوسى، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسينى الألوسى (ت: ١٢٧٠هـ)، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى ، المعروف بتفسير الألوسى، بيروت: دارالكتب العلميه، الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ.
- ٨- الأندلسى، أبو حيان محمد بن يوسف بن على بن يوسف بن حيان أثير الدين (ت: ٧٤٥هـ)، البحر المحيط فى التفسير. ٨مج. تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبدالموجود و آخرون. ط١. بيروت : دارالكتب العلمية ١٤٢٢هـ.
- ٩- الأندلسى، أبو محمد عبدالحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسى المحاربى (ت: ٥٤٢هـ)، الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز. تحقيق: صفوان عدنان داوودى. ط ١ . بيروت : دار القلم الدار الشامية ١٤١٥ هـ .

- ١٠- البخارى، محمد بن إسماعيل أبو عبد الله البخارى الجعفى، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه = صحيح البخارى، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ.
- ١١- بدخشانى، محمد اكرام الدين، أزهر البيان فى تفسير كلام الرحمن، لاهور، ناشر: چابخانه نشرات اسلامى قدوسيه، تاريخ چاپ: ١٤٣١هـ.
- ١٢- البغوى، أبو محمد الحسين بن مسعود المتوفى (٥١٦ هـ)، معالم التنزيل، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، الطبعة: الرابعة، ١٤١٧هـ - ١٩٩٧م
- ١٣- البيضاى، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازى البيضاوى (ت: ٦٨٥هـ)، أنوار التنزيل و أسرار التأويل (تفسير البيضاوى). ٥ ج. بيروت، دارالفكر، الطبعة: الأولى - ١٤١٨ هـ.
- ١٤- البيهقى، أحمد بن الحسين بن على بن موسى الخُسْرُوْجَرْدِى الخراسانى، أبو بكر البيهقى (ت: ٤٥٨هـ)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة. ٧ ج. تحقيق: عبدالمعطى قلعجى . ط١. بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٠٨هـ.
- ١٥- الترمذى، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، الترمذى، أبو عيسى (ت: ٢٧٩هـ)، الجامع الصحيح (سنن الترمذى). ٥ مج. تحقيق: أحمد محمد شاكرو آخرون. بدون ط. بيروت: دار إحياء التراث العربى، سنة النشر: ١٩٩٨ م.
- ١٦- الثعلبى، أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبى، أبو إسحاق (ت: ٤٢٧هـ)، الكشف والبيان عن تفسير القرآن. ١٠ مج. تحقيق: الامام أبى محمد بن عاشور. بيروت: دار إحياء التراث العربى، ١٤٢٢هـ.
- ١٧- الجزائرى، جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزائرى، أيسر التفاسير لكلام العلى الكبير. ٥ مج. ط٥. المدينة المنورة : مكتبة العلوم و الحكم، الطبعة: الخامسة، ١٤٢٤هـ/٢٠٠٣م.
- ١٨- الجزرى، أبو الحسن على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم بن عبد الواحد، المعروف بابن الاثير (ت: ٦٣٠هـ): أسد الغابة فى معرفة الصحابة، تحقيق: عادل احمد الرفاعى. بيروت، دار إحياء التراث العربى، ١٤١٧ هـ.

- ١٩- الجوزى، جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن على بن محمد الجوزى (المتوفى: ٥٩٧هـ)، زاد المسير فى علم التفسير. (٩مج). بيروت: المكتب الإسلامى، الطبعة: الأولى - ١٤٢٢هـ.
- ٢٠- الجوزى، محمد بن أبى بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (ت: ٧٥١هـ)، مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد و إياك نستعين، ٣ مج. تحقيق: محمد حامد الفقى. بيروت: دارالكتب العربى، الطبعة: الثالثة، ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م.
- ٢١- الجوزى، محمد بن أبى بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (ت: ٧٥١هـ)، مفتاح دارالسعادة و منشور ولاية العلم و الإرادة، ٢ جزء. بيروت: دارالكتب العلمية، ب ط.
- ٢٢- الحجازى، محمد محمود: التفسير الواضح، الناشر: دار الجيل الجديد - بيروت، الطبعة: العاشرة - ١٤١٣ هـ.
- ٢٣- الدامغانى، حسين بن محمد بن ابراهيم، ابو عبدالله: الوجوه و النظائر، بيروت، الناشر: دارالفكر، الطبعة الثانية، ١٤٢١هـ.
- ٢٤- الدمشقى، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشى الدمشقى (ت: ٧٧٤هـ)، تفسير القرآن العظيم بيروت، الناشر: دار الفكر. الطبعة: الطبعة الجديدة، ١٤١٤هـ/١٩٩٤م.
- ٢٥- جواد على (ت: ١٤٠٨هـ)، المفصل فى تاريخ العرب قبل الإسلام. ٢٠مج. ط٤. بيروت: دار الساقى، الطبعة: الرابعة، ١٤٢٢هـ/٢٠٠١م.
- ٢٦- الدوسرى، محمود بن احمد الدوسرى، الانذار والتذكير بالقران، بيروت، الناشر: دارالطبيه، نشر ١٣٣٩ هـ.
- ٢٧- الرازى فخر الدين أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن التيمى البكرى (ت: سنة ٦٠٦ هـ)، تفسير الكبير(مفاتيح الغيب) ناشر: دار إحياء التراث العربى - بيروت الطبعة: الثالثة - ١٤٢٠ هـ.
- ٢٨- الزبيدى، ابواعباس زين الدين احمد بن عبدالطيف، مختصر بخارى فارسى، ترجمه: عبدالقادر ترشابى، ج ٢، رياض، الناشر: دارالسلام، سال چاپ ١٤٢٨ قمرى.
- ٢٩- الزركلى، خير الدين بن محمود بن محمد بن على بن فارس، الزركلى الدمشقى (ت: ١٣٩٦هـ)، الأعلام لزرکلى، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشرة - ٢٠٠٢ م.
- ٣٠- الزيدى، دكتور مثنى، الانذار الالهى فى القرآن من خلال آياته، مجلد: ١، الرياض، دارالسلام، تاريخ نشر: ١٤٢٩هـ.

- ٣١- السِّجِسْتَانِي، أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي (المتوفى: ٢٧٥هـ)، سنن أبي داود. ٤ مج. تحقيق: محمد محيي الدين عبدالحميد، بيروت، دار الفكر، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
- ٣٢- السخاوي، شمس الدين أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد (ت: ٩٠٢هـ)، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع. ١٢ مج. بيروت، الناشر: منشورات دار مكتبة الحياة، ب ت.
- ٣٣- السعدى، شيخ عبدالرحمن بن ناصر - رحمه الله، متوفى ١٣٧٦ هجرى قمرى [١٣٣٤ هجرى شمسى]، تفسير راستين ترجمه ي تيسير الكريم الرحمن، ترجمه: محمد گل گمشاد زهى، انتشارات: ستارهاى معرفت، چاپ دوم.
- ٣٤- السمرقندى، أبو الليث نصر بن محمد بن أحمد بن إبراهيم السمرقندى (ت: ٣٧٣هـ)، بحر العلوم. ٣ مج. تحقيق: د/محمود مطرجى . بيروت: دار الفكر، ب ط.
- ٣٥- الشاربي، سيد قطب إبراهيم حسين الشاربي (ت: ١٣٨٥هـ)، فى ظلال القرآن. ٦ مج. دار الشروق: القاهرة، الطبعة: السابعة عشر - ١٤١٢ هـ.
- ٣٦- الشربيني، شمس الدين، محمد بن أحمد الخطيب الشربيني الشافعى (ت: ٩٧٧هـ)، السراج المنير فى الإعانة على معرفة بعض معانى كلام ربنا الحكيم الخبير، ٤ مج. بيروت: دارالكتب العلمية، عام النشر: ١٢٨٥ هـ.
- ٣٧- الشرتوتى، سعيد، بن عبدالله ، قرب الموارد الى فصيح العربيه والشوارد، ناشر: مطبعه اليسوعيين - تاريخ - ١٨٩١م.
- ٣٨- الشوكانى، محمد بن على بن محمد بن عبد الله الشوكانى اليمنى (ت: ١٢٥٠هـ)، فتح القدير الجامع بين فنى الرواية و الدراية من علم التفسير . (٥مج). بيروت: دار الفكر، الطبعة: الأولى - ١٤١٤ هـ.
- ٣٩- شيرازى، مكارم: تفسير نمونه: ، انتشارات: رهبر، اصفهان، چاپ: هژدهم.
- ٤٠- الطَّبْرَانِي، أبي القاسم سُليمان بن أحمد ت: ٣٦٠ هـ ق، المُعْجَمُ الكَبِير، دار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء: ٢٥.
- ٤١- الطبرى، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملى، أبو جعفر الطبرى (ت: ٣١٠هـ)، جامع البيان فى تأويل القرآن. ٣٠ مج. بيروت : دار الفكر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م.

- ٤٢- العثيمين، شيخ محمد بن صالح، قواعد و رهنمون های بيدارى اسلامى، كابل: انتشارات عازم، سال انتشار: ١٣٨٩.
- ٤٣- العسقلانى، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانى (ت: ٨٥٢هـ)، الإصابة فى تمييز الصحابة. ٨ مج. تحقيق: علي محمد البجاوى. بيروت: دار الجيل، الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ.
- ٤٤- العسقلانى، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانى الشافعى، فتح البارى شرح صحيح البخارى. ١٣ مج. بدون ط. تحقيق: محب الدين الخطيب، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٧٩ هـ.
- ٤٥- قاسمى، محمد قاسم، اصول و مبادئ فهم قرآنكريم، زاهدان، انتشارات مكى، چاپ اول، ١٣٩١ هـ.
- ٤٦- قرشى، سيد على اكبر؛ قاموس قرآن فارسى، تهران، ناشر: دار الكتب الاسلاميه، ١٣٩٥ هـ ش.
- ٤٧- القرطبى، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبى بكر بن فرح الأنصارى الخزرجى شمس الدين القرطبى (ت: ٦٧١ هـ)، الجامع لأحكام القرآن. ٢٠ مج. تحقيق: هشام سمير البخارى. الرياض: دار عالم الكتاب، الطبعة: ١٤٢٣ هـ / ٢٠٠٣ م.
- ٤٨- المناوى، زين الدين محمد المدعو بعبد الرؤوف بن تاج العارفين بن على بن زين العابدين الحدادى ثم المناوى القاهرى (ت: ١٠٣١ هـ)، التوقيف على مهمات التعاريف، مج ١. تحقيق: د/ محمد رضوان الداية. ط ١. بيروت: دارالفكر، الطبعة: الأولى، ١٤١٠ هـ - ١٩٩٠ م.
- ٤٩- النووى، أبو زكريا محيى الدين يحيى بن شرف النووى (ت: ٦٧٦ هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج. ١٨ مج، بيروت: دار إحياء التراث العربى، الطبعة: الثانية، ١٣٩٢ هـ.
- ٥٠- النيسابورى، مسلم بن الحجاج القشيرى النيسابورى، صحيح مسلم. ٤ مج. تحقيق: محمد فواد عبدالباقى. بيروت: دار احياء التراث العربى.

## Conclusion

This thesis is the issue that under the title of “Fear in holy Quran” that is one of the best title for these days. Because many people don’t have good information about the holy quran.

Afraids form hell in the Quran are very seriouise. We are as a muslim should be aware about the message of holy Quran. All the time our prophet Mohmmad PBUH called people to be Muslims, some people reject his message so they going to be in the hell in the end day.

And this thesis I tried to gave more information about tools of fears, way of fears and about those peoples Quran called them to be msulim by this way.

So this thesis divided for three parts as the bellow:

1. In the first part of this thesis, I explain about general definition of the fear and some more words belong to fear in the holy Quran.
2. In the second part of this thesis, I add some information about those people and things the pay more attention about fear in the Quran.
3. In the third part of this thesis, I had spoken about tools of reject form the quran and prophet Mohmmad pease be apun him.
4. In the fourth part of this thesis I had spoken about result of afraid peopld what are going to be their finally in the end day.

For your kind information this thesis are conclude all information about the fear in the holy Quran Karim.



**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Tafseer & Hadith**



**Islamic Republic of Afghanistan**  
**Ministry of Higher Education**  
**Private Universities Presidency**

# **Fear in the Holy Quran**

## **A Master's Thesis**

Guiding Teacher: Mohammad. Nayem "Jalili"

Provider: Mihrullah "Ahadi"

Year: 2019



**Salam University**  
**Faculty of Sharia and Law**  
**Master Program in Tafseer &**  
**Hadith**



**Islamic Republic of**  
**Afghanistan**  
**Ministry of Higher**  
**Education**  
**Private Universities**

# **Fear in the Holy Quran**

## **Thesis**

**A Master's thesis**

**Guiding Teacher.MohammadNayem"Jalili"**

**Provider.Mehrullah(Ahadi)**

**Year:2019**